



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

تفسیر موضوعی سوره المرسلات

(رساله ماستری)

محصل: اسدالله "حنفی".

استاد رهنما: دکتور پوهنمل نصر من الله "مجاهد".

سال: ۱۴۰۲ هـ. ش ۱۴۴۵ هـ. ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

تفسیر موضوعی سوره المرسلات

(رساله ماستری)

محصل: اسدالله " حنفی "

استاد رهنما: دکتور پوهنمل نصر من الله " مجاهد "

سال: ۱۴۰۲ هـ. ش ۱۴۴۵ هـ. ق

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِ وَالْعَرْشِ الْمَجِيدِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترم اسد الله ولد عبدالودود ID: نمبر SH-MST-S1400-868 محصل دور هفتم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تفسیر موضوعی سوره المرسلات به روز دوشنبه تاریخ ۱۳/۳۸/۱۴۰۲ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد طاهر قاسمی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	عضو هیات	
۳	دکتور نصرمن الله مجاهد	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... آمر بورد ماستری

اهداء

این اثر علمی که به نیت خدمت به دین اسلام و مسلمانان انجام شده است ثواب آنرا برای والدین گرامی ام که در پرورش جسمی و تربیه دینی من همه راحت های خود را قربان نموده و برای سعادت و خوش بختی ام از دوران طفولیت تا دوره های تعلیم سعی و تلاش نموده اند و همه اقارب و خویشاوندان و سایر دوستان و همچنان برای اساتید محترم که پدر معنوی در تحقق آرمان هایم بوده اند، اهدا می نمایم. و از خداوند متعال خواهانم اجر آن را در نامه حسنات همه ی آنها بیفزاید .

سپاس گزاری

الحمد لله وكفى والصلاة والسلام على نبيه المصطفى و على آله وصحابته ومن والاه.
وبعد: (رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ)^۱. الله بينياز و بیهمتا را سپاس گزارم که در راه تحصیل دین پسندیده اش هدایت کرد و در اتمام این رساله تحقیقی یاری ام نمود از او تعالی قبولیت این خدمت ناچیز به کتابش را در "تفسیر موضوعی سوره المرسلات" خواهانم و مطابق این فرموده الله متعال: (وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ..).^۲ ذات اقدس را سپاس گزار بوده و توفیق مزید در راه خدمت به دین اسلام را خواهانم.

و پاداش طلبی و احسان در یک عمل پسندیده این است که از کسانی که در این راستا همکار بودند سپاس گزاری کرده شود پس با اتباع از این ارشاد نبی کریم که فرمودند «لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ»^۳.

اولا از وزارت محترم تحصیلات عالی که زمینه تحصیل را در کشور مهیا ساخته اند تشکری می نمایم و متعاقبا از ریاست محترم پوهنتون سلام پوهنچی شرعیات و آمریت برنامه ماستری تفسیر و حدیث، اعضای اداری و تمام دست اندرکاران این اداره علمی که در راستای فراهم نمودن زمینه تحصیلی برای فرزندان کشور خدمات زیادی انجام داده اند اظهار امتنان و سپاس گزاری می نمایم.

و از استاد محترم دکتور " نصر من الله مجاهد " که استاد راهنما در تهیه رساله ام را بعهده داشتند و از راهنمایی های سودمند شان در تهیه رساله و از اندوخته های علمی شان در جریان درس مستفید شدم، قلبا اظهار سپاس و امتنان می نمایم و از تمام استادان محترم برنامه ماستری به صورت فردی و جمعی تشکری میکنم.

و از استادانیکه عضو هیأت مناقشه و عهده دار مجلس دفاع رساله ام میباشند:
محترم دکتور (محمد طاهر قاسمی) و محترم دکتور (محمد اسماعیل لیبب بلخی) از زحمات و همکاری شان قلبا سپاس گزارم.

و أسأل الله عزوجل أن يجعل هذا العمل في ميزان حسناتنا جميعا ، والله الموفق والمستعان
وهو الهادي إلى سواء السبيل.

^۱-سوره نمل آیه : ۱۹ .

^۲-سوره ابراهیم آیه: ۷.

^۳- سجستانی ابوداود، سنن ابی داود کتاب الأدب، باب في شكر المعروف ج ۱۲/ص ۴۳۶ و سنن الترمذی، باب ماجاء في الشكر لمن اساء اليك ، ج ۷/ص ۲۱۰ وقال: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

خلاصه موضوع

موضوع تحقیق که " تفسیر موضوعی سوره مبارکه المرسلات" میباشد موضوع طبق طرز العمل مورد ماستری و طرح تصویب شده آن بر یک مقدمه و دو بخش ترتیب شده است، بخش اول تمهیدی بوده راجع به معرفی تفسیر موضوعی و موضوعات مرتبط به این شیوه تفسیری سوره های قرآن کریم و موضوعات مربوط به معرفی سوره مبارکه المرسلات بوده است، و بخش دوم تفسیر سوره المرسلات میباشد که سوره المرسلات مطابق اسلوب تفسیر موضوعی و مضامین که در این سوره بیان شده است بر پنج مقطع اساسی تقسیم شده است، موضوع محوری در این سوره اثبات حقانیت بعث، حساب و جزاء میباشد.

موضوع از چند لحاظ دارای اهمیت میباشد:

-تعلق موضوع به ترجمه، تفسیر و تحقیق یکی از سوره های قرآن کریم (سوره المرسلات) بوده که در آن یکی از موضوعات عقیدوی (قیامت، بعث و جزاء) میباشد.

-در این سوره برای اثبات موضوع محوری یک شیوه خاصی بکار رفته است که متفاوت از سوره های دیگر میباشد.

هدف از انجام تحقیق: خدمت در راستای دعوت به دین اسلام و معرفی قرآن کریم بحیث کتاب هدایتگر و تضمین کننده سعادت دنیوی و آخروی بوده است که یک وجیبه و مکلفیت دینی میباشد.

نتایج بدست آمده از تحقیق:

-قرآن کریم موافقان و مخالفان خود را در تمام زمانه معرفی کرده است و هدف از ترجمه و تفسیر سوره های قرآن کریم به هر زبان در تمام عصر ها معرفی و واقعبیت های قرآنی و زمان شمول بودن آن میباشد.

- با دانستن معنا و مفهوم واقعی سوره مبارکه المرسلات انسانها از حقیقت زندگی و اینکه سعادت در چه است پی برده و درک واقعی از مقاصد دین اسلام حاصل شده و هدایت به راه راست و امتثال به اوامر الهی و نجات در مسیر زندگی دنیا و سعادت در آخرت میسر میگردد.

و موضوع به صورت توصیفی، تحلیلی و نظری در منابع تفسیر، علوم حدیث، علوم لغت و منابع شرعی دیگر به شکل محوری و شیوه موضوعی بررسی شده است.

واژه های کلیدی: تفسیر، موضوعی، المرسلات.

موضوع:	صفحه
مقدمه	۱
بخش اول- موضوعات کلی و مفاهیم	۹
موضوع اول- تعریف تفسیر موضوعی، اهمیت و انواع آن	۹
فرع اول- تعریف تفسیر موضوعی	۹
فرع دوم- اهمیت تفسیر موضوعی	۱۵
فرع سوم- نشأت تفسیر موضوعی	۱۷
فرع چهارم- انواع تفسیر موضوعی	۱۸
موضوع دوم- معرفی سوره مبارکه المرسلات	۲۱
فرع اول- نام سوره و سبب نام گذاری سوره المرسلات	۲۱
فرع دوم- بیان فضایل سوره المرسلات	۲۳
فرع سوم- تعداد آیات، محل نزول و ترتیب سوره المرسلات	۲۵
موضوع سوم- محور سوره المرسلات و بیان مناسبات	۲۶
فرع اول- موضوع محوری سوره المرسلات (بیان حتمی بودن بعث و وقوع قیامت)	۲۶
فرع دوم- بیان مقاصد سوره المرسلات	۲۷
فرع سوم- مناسبت در میان اسم سوره و موضوع محوری آن	۲۸
فرع چهارم- مناسبت در میان شروع و ختم سوره	۲۸
فرع پنجم- مناسبت سوره المرسلات با سوره قبلی	۲۹
بخش دوم- مقاطع سوره المرسلات	۳۲
مقطع اول- بیان شواهد برای وقوع و حقیقت، وقت و بعضی علامات قیامت (از آیه ۱-۱۵)	۳۲
موضوع اول- ترجمه آیات، و بیان مناسبت	۳۲
فرع اول- ترجمه آیات این مقطع	۳۲
فرع دوم- بیان مناسبت در میان آیات افتتاحیه با محور سوره	۳۶
موضوع دوم- تفسیر موضوعی، شرح کلمات و ارشادات آیات این مقطع	۳۴
فرع اول- تفسیر موضوعی آیات این مقطع	۳۶
فرع دوم- شرح کلمات و مصطلحات آیات این مقطع	۴۳

- ۴۴ فرع دوم-بیان ارشادات مستفاد از آیات این مقطع.
- ۴۶ مقطع دوم- تخویف کفار به هلاکت مکذبین در امم سابقه (از آیه ۱۶-۱۹).
- ۴۶ موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبات.
- ۴۶ فرع اول- ترجمه آیات.
- ۴۷ فرع دوم- بیان مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی و محور سوره.
- ۴۸ موضوع دوم-تفسیر موضوعی ، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع.
- ۴۸ فرع اول -تفسیر موضوعی آیات این مقطع.
- ۵۴ فرع دوم- شرح جملات و کلمات بارز آیات این مقطع.
- ۵۸ فرع سوم- دروس و ارشادات آیات این مقطع.
- ۵۹ مقطع سوم- تأمل در خلقت انسان و کائنات، تذکیر با ارشاد و هدایات. آیه : ۲۰- الی ۲۸.
- ۶۰ موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبت.
- ۶۰ فرع اول- ترجمه آیات این مقطع.
- ۶۱ فرع دوم- بیان مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی و محور سوره.
- ۶۲ موضوع دوم- تفسیر موضوعی ، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع.
- ۶۲ فرع اول -تفسیر موضوعی آیات این مقطع.
- ۶۷ فرع دوم- شرح وتوضیح کلمات بارز آیات این مقطع.
- ۶۹ فرع سوم- دروس و ارشادات آیات این مقطع.
- ۷۰ مقطع چهارم-وعید برای مکذبین به برگشت زشت در روز قیامت از آیه: ۲۹ الی ۴۰.
- ۷۱ موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبت.
- ۷۱ فرع اول- ترجمه آیات این مقطع.
- ۷۲ فرع دوم- بیان مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی و محور سوره.
- ۷۳ موضوع دوم- تفسیر موضوعی ، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع؛
- ۷۴ فرع اول -تفسیر موضوعی آیات این مقطع.
- ۸۰ فرع دوم- شرح کلمات بارز آیات این مقطع.
- ۸۸ فرع سوم- دروس و ارشادات آیات این مقطع.
- ۸۹ مقطع پنجم- ذکر پاداش نیکو کاران با تقابل به جزای منکرین از آیه : ۴۱ الی ۵۰.
- ۸۹ موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبت.
- ۸۹ فرع اول- ترجمه آیات این مقطع.
- ۹۰ فرع دوم- بیان مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی و محور سوره.
- ۹۲ موضوع دوم- تفسیر موضوعی ، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع.

۹۲ فرع اول -تفسیر موضوعی آیات این مقطع.
۹۸ فرع دوم- شرح کلمات بارز آیات این مقطع.
۱۰۶ فرع سوم- دروس و ارشادات آیات این مقطع.
۱۰۷ خاتمه
۱۰۹ نتایج تحقیق،
۱۱۲ پیشنهادات
۱۱۳ فهرست آیات
۱۱۷ فهرست احادیث و آثار
۱۱۸ فهرست اعلام
۱۱۹ فهرست منابع

مقدمه

الحمد لله وحده، نحمده، ونستعينه، ونستهديه، ونؤمن به ونتوكل عليه، الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله و أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمدا عبده ورسوله، الذي بلغ الرسالة و أدى الأمانة والصلاة والسلام عليه وعلى آله وأصحابه و من دعا بدعوته إلى يوم الدين.

و بعد: قرآن کریم کتاب نازل کرده الله متعال، آموزگار و رهنمای بشریت است، که مسیر واقعی زندگی در دنیا و مقصد اصلی خلقت انسانها را برایشان آموخته است و از عصر رسالت تا عصر حاضر به شیوه های گوناگون و روش های مختلف، و با زبان های زیادی ترجمه و تفسیر شده است، این کتاب هدایت گر، دستور و قانون فوق سماوی برای راهنمایی بشریت از آغاز نزول به آخرین پیام آور الهی حضرت محمد ه نازل شده و تا قیام قیامت باقی بوده و بر همه زمانه ها سازگار بوده و بر مصلحت زنده گی انسانها در همه عصرها نیز سازگار میباشد و یگانه قانون تغییر نا پذیر است که مصالح زنده گی دینی و دنیوی انسانها را رعایت کرده و موافقان و مخالفانش را یکسان مخاطب قرار میدهد، و اینکه مقصد آفرینش انسانها چیست؟ و برای چه باید زنده بمانند؟ و سرانجام مسیر این زندگی تا کجاست؟ آیا انسانها چون خس خاشاکند که سبز شوند و فنا شوند؟ و یا اینکه مقصد در این آفرینش وجود دارد؟ و یا اینکه در دنیا آمده اند که بخورند بنوشند در رفاه و آسایش زندگی کنند؟ و آیا زندگی همین است بس؟ و آیا دوباره زنده میشوند؟ و آیا حساب و جزای وجود دارد؟ و اگر دوباره زنده میشوند باید پاسخ گوی زندگی دنیایی خود باشند؟

موضوع تحقیق که تفسیر موضوعی سوره مبارکه المرسلات است پاسخگوی این همه سوالات خواهد بود.

و الله متعال در این سوره از مقصد خلقت هستی ها خبر میدهد، از وضعیت تکذیب کننده گان و موافقان پیغمبران اطلاع میدهد و از سرنوشت منکرین و متقین مطلع میسازد، به حقانیت روز رستاخیز استدلال میکند و سر انجام مخالفان قرآن را مخاطب قرار میدهد که «پس ا ز قرآن به کدام سخن دیگر باور میکنند» اشاره بران است که این کتاب آموزگار بشریت برای

درک واقعیت ها از جهان هستی بوده و با خواندن و دانستن آن انسانها از گودال ضلالت بیرون شده ، به رفاه وسعادت در دنیا و آخرت میرسند.

طرح مسئله تحقیق:

- اصطلاح موضوعی در تفسیر قرآن کریم یک شیوه معاصر بوده است اگرچه مطالب تفسیری مرتبط به این شیوه ی تفسیر قرآن کریم در تفاسیر قدیمی وجود داشته با وصف آن اختیار این شیوه تفسیر سوره های قرآن کریم خالی از دشواری های خود نیست زیرا باحث مکلف است تمام منهج وضع شده در این شیوه تفسیر سوره ها ویا موضوعات قرآنی را درک کند و کتب تألیف شده در علوم القرآن و تفاسیر مرتبط به این روش تفسیری را بررسی نماید زیرا باحث مکلف است قضایا و موضوعات خاص سوره ها را به حیث موضوع محوری جستجو نموده و سپس به تفسیر و بیان اهداف و مقاصد سوره در مقاطع مختلف بپردازد.

- مفسرین زیادی در عصر حاضر این شیوه تفسیری در قرآن کریم را اختیار نموده اند و اباحت تحقیقی در اصطلاحات وموضوعات قرآنی وسوره های قرآن کریم در جامعات و مراکز تحصیلی کشور های اسلامی انجام شده است.

و از اینکه تعلق موضوع به قرآن کریم است لذا دشواری های خود را دارد میطلبد که بحث تحقیقی در یکی از سوره های قرآن کریم (سوره المرسلات) با دقت هرچه تمام در منابع تفسیر و علوم القرآن انجام شود.

-سوره مبارکه المرسلات از لحاظ موضوع محوری که عبارت از اثبات وقوع قیامت ، معاد و محاسبه اعمال انسانها است از مهمترین سوره های قرآن کریم در اثبات یک بخش از امور اعتقادی بوده است، میطلبد این سوره مطابق شیوه تفسیر موضوعی به زبان های مختلف ترجمه و تفسیر کرده شود.

اهمیت موضوع و ضرورت انجام تحقیق:

موضوع تحقیق از چند لحاظ دارای اهمیت میباشد:

۱- تعلق موضوع تحقیق به قرآن کریم و اساسی ترین علوم دینی (علم تفسیر) میباشد این خود اهمیت این موضوع را میرساند.

۲- در سوره مبارکه المرسلات یکی از امور اعتقادی مهم (قیامت وبعث) بحث شده است و افکار منکرین بعث و قیامت رد شده است.

۳- ایمان به قیامت و بعث و معاد از امور مهم بوده و در اولویت امور اعتقادی قرار داشته است، که سبب رستگاری دنیوی و آخروی فرد مؤمن میباشد.

۴- ایمان به روز آخرت رکن اساسی از ارکان ایمان بوده در روشنایی آن انسان مؤمن توشه آخرت خود را تهیه نموده و سلوک و روش خود را درست میسازد.

۵- در سوره مبارکه المرسلات الله متعال دلایل و شواهد متعددی در مورد بیان حقیقت و حقانیت قیام قیامت بیان نموده است که اهمیت این سوره را در علم تفسیر قرآن کریم برجسته میسازد.

۶- در تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم توضیح میشود که ایمان را راسخ ساخته و مطالعه کننده ها را بر فهم دقیق آیات قرآنی و اهداف سوره ها کمک مینماید.

اسباب اختیار موضوع:

نظر به اهمیت تفسیر موضوعی خواستم به سهم خود خدمت گزار کتاب الله متعال و مشوق برادران مسلمان خود باشم بناء بر این تفسیر موضوعی یکی از سوره های قرآن کریم (سوره مبارکه المرسلات) را به حیث موضوع تحقیق پایان نامه ماستری ام انتخاب نمودم. میتوان اسبابی را که باعث انتخاب تفسیر موضوعی گردیده است چنین بر شمرد.

۱- خدمت به کتاب الله متعال با تفسیر و توضیح معانی و مقاصد یکی از سوره های قرآن

کریم که در آن موضوع عقیده و باور به قیامت با دلایل و شواهد بیان شده است.

۲- بحث در یکی از موضوعات که به امر عقیده ارتباط داشته است از امور مهم و اساسی

شریعت اسلامی میباشد که انجام تحقیق در این موضوع دعوت به دین اسلام بوده و

یکی از وجیبه های دینی است .

۳- سوره مبارکه المرسلات موضوع عقیده به معاد و قیام قیامت را با دلایل و شواهد زیادی

بیان کرده است پس این سوره یکی سوره محوری در بیان عقیده به قیامت است که

ضرورت دینی هر مسلمان میباشد.

۴- تفسیر و توضیح در مورد سوره های قرآن کریم تدبیر و تفکر و درک خواسته های سوره های قرآن کریم را سبب میشود.

اهداف تحقیق:

داشتن هدف، صحت انجام یک عمل را تضمین میکند بنا براین هدف یکی از ضرورت های علمی در یک بحث تحقیقی میباشد و اهداف یا به شخص محقق برمیگردد و یا به موضوع تحقیق. هدفیکه به تحقیق کننده برمیگردد همانا طلب رضای الله متعال و نیت درست در انجام مکلفیت تحقیقی میباشد که یک بخش تحصیلی است؛ و اهدافیکه به موضوع مربوط میباشد قرار ذیل است:

۱- تفکر در موضوعات و مباحث قرآنی یکی از خواست های قرآن کریم و اهداف ترجمه و تفسیر قرآن کریم است که رسیدن به این هدف ترجمه و تفسیر قرآن را به هر زبان ضروری میگرداند.

۲- درک واقعیت ها از ذکر و قایع و اهداف سوره های قرآن کریم به دانستن موضوعات محوری سوره ها مربوط میشود خواستم در این راستا به قدر توان تلاش به خرچ دهم تا خدمت ناچیزی را در توضیح مفاهیم یکی از سوره های قرآن کریم انجام دهم.

۳- آگاهی از مقاصد و اهداف تربیتی که در سوره مبارکه المرسلات بیان شده است یکی از اهداف تحقیق میباشد.

۴- انگیزه دادن برای برادران مسلمان خود در عزم و همت به خدمت دینی و مراجعه به کتاب هدایت گر و نجات بخش (قرآن کریم).

پیشینه و ضرورت تحقیق:

تفسیر موضوعی یکی از شیوه های خاصی تفسیر سوره های قرآن کریم و موضوعات خاص قرآن کریم است که در اواخر قرن چهاردهم هجری به وجود آمده است ولی معلومات مرتبط به این شیوه تفسیر قرآن کریم در تفاسیر متقدمین نیز وجود داشته است و در عین روش تفاسیری زیادی تألیف شده است که منابع تحقیق را تشکیل میدهند.

میتوان چندی از تفاسیری و کتاب های را که مشتمل به بحث های لازم برای تفسیر موضوعی بوده و یا به شیوه تحقیقی تحت عنوان تفسیر موضوعی نوشته شده است نامبرد:

۱- [التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم] از طرف علماء و استادان جامعه شارقه امارات متحده عربی در سال (۱۴۳۱) هـ ق مطابق با (۲۰۱۰) م به رشته تحریر در آمده و در هشت جلد به چاپ رسیده است.

این کتاب به شیوه تحقیقی تفسیر موضوعی مکمل قرآن کریم بوده و تمام سوره های قرآن کریم را احتوا نموده و به زبان عربی نوشته شده است.

۲- التفسیر الموضوعی: تألیف احمد الکومی و محمد قاسم طبع دار الازهریه الطبعة الاولي (۱۴۰۲) هـ دارالملايين.

۳- التفسیر الموضوعی بین النظرية والتطبيق : تألیف صلاح الدین الخالدي الطبعة الاولي ط (۱۴۱۸) هـ دار النفائس بیروت.

۴- التفسیر الموضوعی بین التأویل والتمثیل : تألیف زید عمر العیص ط (۱۴۳۲) هـ دار الحدیث الرياض الطبعة الثانية.

۵- التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم تألیف محمد بن یاسر بن عبد الله الزهرانی، الناشر مكتبة جامعة الاسلامیة المدینة المنورة .

۶- مباحث فی التفسیر الموضوعی: تألیف مصطفی مسلم الطبعة الاولي ط (۱۴۳۰) هـ دار التدمیر الرياض السعودیة .

۷- المدخل الي التفسیر الموضوعی : دكتور ابراهيم بن صالح بن عبدالله الحمیظی الاستاذ بقسم القرآن وعلومه بجامعة قسیم السعودیة ط (۱۴۳۷) هـ مكتبة ملك فهد الوطنیة ودار ابن جوزي. البته این ها کتاب هایی استند که میتوان در جمع کتب علوم القرآن بر شمرد زیرا در این کتاب ها اباحت لازم به تفسیر موضوعی و ضرورت آن بررسی شده است، که بحث مقدماتی تحقیق از این کتاب ها استفاده خواهد شد.

و تحقیقات علمی زیادی در مصطلحات قرآنی و تفسیر موضوعی برخی از سوره های قرآن کریم در جامعات کشور های عربی انجام شده است البته به تحقیقی در عین موضوع به زبان دری در سوره مبارکه المرسلات انجام شده باشد بر نخوردم ، و همچنان در جستجوی مقدماتی

به رساله تحقیقی در عین سوره المرسلات برنخوردم فقط رساله تحقیقی تحت عنوان: «التناسق الموضوعی فی سورة القيامة والانسان والمرسلات» این رساله توسط محمد حبیب مختار المبارک، در برنامه ماستری در جامعه ام القرى مکه مکرمه نوشته شده است رساله مذکور با اضافه لفظ تناسق این سه سوره (الانسان، القيامة و المرسلات) به ترتیب تفسیر موضوعی البته به شیوه ربط آیات و جملات به یکدیگر که نوعی از تفسیر موضوعی است، تحقیق و بررسی شده است البته تناسق موضوعی شیوه خاصی بوده که فقط آیات یک سوره و جملات بهم ربط داده میشود که اندکی متفاوت از بحث تحقیقی بعنوان تفسیر موضوعی میباشد، و علاوه بر این تحقیقی را که در عین سوره المرسلات انجام شده باشد نیافتیم، تلاش می نمایم حتی الوسع تحقیق مناسبی را به ترتیب تفسیر موضوعی در سوره مبارکه المرسلات به لسان دری انجام دهم.

سوالات تحقیق:

سوالات تحقیق طرح پرسش ها و فرضیه های مقدماتی است که تحقیق جوابگوی آن میباشد.

سوال اصلی:

-سوره مبارکه المرسلات در رابطه به کدام موضوعات اساسی بحث نموده است؟

سوالات فرعی و فرضیه ها:

- ۱- موضوع محوری از لحاظ تفسیر موضوعی در سوره المرسلات چیست؟
- ۲- سوره مبارکه المرسلات به اساس شیوه تفسیر موضوعی شامل چند مقطع بوده است؟
- ۳- سوره مبارکه المرسلات از لحاظ مفاهیم شامل چند موضوع میباشد؟
- ۴- موضوع قیامت و معاد در سوره مبارکه المرسلات چگونه بررسی شده است؟

روش تحقیق:

روش تحقیق، استقرایی، توصیفی و تحلیلی بوده و از شیوه های موضوعی در علم تفسیر و علوم القرآن قرار ذیل بررسی شده است:

- ۱- آیاتیکه بر یک مقطع در سوره مبارکه المرسلات مناسبت دارد جمع بندی شده و سپس با شیوه تفسیر موضوعی و با رعایت طرح پلان تحقیق با استفاده از منابع تفسیری و اقوال مفسرین مورد بحث قرار میگیرد.

- ۲- اقوال مفسرین به صورت مفهومی نقل میشود و در صورت لزوم برخی از اقوال به صورت مختصر نقل میشود.
- ۳- اشخاصی که با گرفتن نام اقوال و نظریات شان نقل شده است در پاورقی معرفی میگردد.
- ۴- نام کتاب، زمان و مکان طبع و مؤلف بدون ذکر مواصفات در پاورقی معرفی میگردد.
- ۵- آیات قرآن کریم از مصحف معتبر نقل شده و ترجمه آن از تفسیر فارسی نور از مصطفی خرم دل گرفته میشود.
- ۶- متن احادیث از کتاب های حدیث از مکتبه شامله نقل شده و تخریح آن از کتب معتمد تخریح به غیر از روایات که از صحیحین نقل شده است صورت میگیرد.
- ۷- مراجع و مصادریکه در تحقیق از آن استفاده شده است در صورت ضرورت مکررا از آنها استفاده میشود.

خطه بحث و طرح پلان تحقیق:

بحث روی موضوع ، بریک مقدمه و دو بخش ، مقاطع و موضوعات و خاتمه و نتایج و فهارست ترتیب گردیده است:

مقدمه : در مقدمه بعد از یک بحث اجمالی راجع به موضوع مشتمل به موارد لازم برای ورود به موضوع میباشد از قبیل:

-طرح مسأله تحقیق

-اهمیت موضوع

-اسباب اختیار موضوع

-اهداف تحقیق

-پیشینه تحقیق

-سوالات تحقیق

-روش تحقیق

-خطه بحث و پلان تحقیق.

بخش اول

موضوعات کلی و مفاهیم

موضوع اول-تعریف تفسیر موضوعی ، اهمیت و انواع آن.

موضوع دوم- معرفی سوره مبارکه المرسلات

موضوع سوم- موضوع محوری سوره و بیان مناسبات.

بخش دوم

مقاطع سوره المرسلات

مقطع اول:

بیان شواهد برای وقوع وحقانیت ، وقت و بعضی علامات قیامت(از آیه ۱-۱۵)

موضوع اول- ترجمه آیات، و بیان مناسبت.

موضوع دوم- تفسیر موضوعی، شرح کلمات و ارشادات آیات این مقطع.

مقطع دوم

تخویف کفار به هلاکت مکذبین در امم سابقه (از آیه ۱۶-۱۹)

موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبات.

موضوع دوم-تفسیر موضوعی، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع؛

مقطع سوم

تأمل در خلقت انسان وکائنات، تذکیر با ارشاد و هدایات. آیه : ۲۰- الی ۲۸.

موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبات.

موضوع دوم-تفسیر موضوعی ، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع؛

مقطع چهارم

وعید برای مکذبین به برگشت زشت در روز قیامت از آیه: ۲۹- ۴۰

موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبت.

موضوع دوم-تفسیر موضوعی، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع؛

مقطع پنجم

ذکر پاداش نیکو کاران با تقابل به جزای منکرین از آیه : ۱۴۱ الی ۵۰.

موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبت.

موضوع دوم-تفسیر موضوعی، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع؛

-خاتمه .

-نتایج بحث.

-پیشنهادهات.

-فهارس : فهرت عناوین ، فهرست آیات- فهرست احادیث- فهرست اعلام- فهرست مصادر

ومراجع.

بخش اول-

موضوعات کلی و مفاهیم

موضوع اول- تعریف تفسیر موضوعی ، اهمیت و انواع آن.

فرع اول- تعریف تفسیر موضوعی .

تفسیر موضوعی که یکی از شیوه های تفسیر قرآن کریم و یک مرکب وصفی است که از دو کلمه (تفسیر و موضوعی) مرکب شده است و نام برای نوع خاص توضیح سوره ها و آیات قرآن کریم میباشد که در قرون اخیر از طرف علماء و مفسرین به وجود آمده و در عصر حاضر در دانشگاهها و مراکز تحقیقی از جایگاه خاصی برخوردار است و تحقیقات علمی زیادی در تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم انجام شده است.

لازم است قبل از ورود به اصل موضوع که عبارت از تفسیر موضوعی سوره مبارکه المرسلات است این مرکب وصفی به صورت جدا گانه و سپس "تفسیر موضوعی" از حیث لقبی که یک نوع خاص تفسیر قرآن کریم است معرفی کرده شود.

تعریف لقبی تفسیر موضوعی:

از لحاظ اینکه تفسیر موضوعی از دو کلمه (تفسیر و موضوعی) ترکیب شده و این دو کلمه از نظر نحوی صفت و موصوف نامیده میشود و هر دو کلمه نام نوع از شرح و بیان معانی سوره ها و آیات قرآن کریم میباشد که آن نام نوع خاصی از تفسیر قرآن کریم است، لازم است این دو لفظ اولاً به صورت جدا گانه تعریف کرده شوند.

تعریف تفسیر:

کلمه تفسیر از " فَسَّرَ يُفَسِّرُ تَفْسِيراً" مصدر به شد حرف سین، در لغت به معنای کشف، اظهار ، بیان و توضیح آمده است گفته میشود «فَسَّرَ الشَّيْءَ تَفْسِيراً» و قتیکه اسرار پوشیده آن کشف گردیده و حقایق آن توضیح داده شود و تفسیر قرآن کریم به معنای شرح و توضیح اسرار و معانی آن میباشد که قرآن کریم در بر دارنده آن است.^۱

^۱ - مجد الدین ، محمد بن یعقوب الفیروز آبادی، القاموس المحیط: تحقیق محمد نعیم عرق سوسی ط(۱۴۲۶هـ) باب الرء فصل الفاء مع السین ص/ ۵۸۷. الطبعة الثانية مؤسسة الرسالة - بیروت - لبنان. ابراهیم مصطفی المعروف باحمد الزیات، المعجم الوسیط: باب الفاء مع السین والرء. ۶۸۸ / ۲. الطبعة الثانية ۱۹۸۹م - مؤسسة دار الدعوة - استنبول - تركيا.

التَّفْسِيرُ: تَفْعِيلٌ مِنَ الْفَسْرِ، وَأَصْلُ مَادَّتِهِ اللَّغْوِيَّةُ تَدُلُّ عَلَى بَيَانِ شَيْءٍ وَإِيضَاحِهِ وَلِذَا قِيلَ: الْفَسْرُ: كَشْفُ الْمَغْطَى وَقِيلَ: هُوَ مَاخُودٌ مِنْ قَوْلِهِمْ: فَسَّرْتُ الْحَدِيثَ، أَفْسَرُهُ فَسْرًا؛ إِذَا بَيَّنَّهُ.^۱

ماده فسر به معنای کشف (آشکار نمودن) چیز پوشیده [ونسبت آن در معانی] به معنای آشکار ساختن معنای مقصودی از معانی مشکل آن است.

ابن منظور.^۲ رحمه الله گفته است: "فَسَّرَهُ أَبَانَهُ" یعنی آن را از هم جدا کرد، و سپس گفته است که [در مقابل آن تأویل قرار دارد] و تأویل عبارت است از بر گردانیدن یکی از معناهای محتمل یک لفظ که مطابق به ظاهر آن باشد پس از این نظر او دانسته میشود که تأویل را تفسیر گفته نمیشود.^۳ و ابن فارس رحمه الله گفته است: «الفاء والسين والراء كلمة واحدة تدلُّ على بيان شيء وإيضاحه».^۴ ماده (ف س ر) یگانه کلمه است که به معنای بیان و وضاحت در یک شیء دلالت میکند. ابن عطیه.^۵ رحمه الله در مورد معنای کلمه تفسیر گفته است: «وَيُرَادُ مِنْهُ الْإِيضَاحُ وَالتَّبْيِينُ، وَقَدْ وَرَدَ بِهَذَا الْمَعْنَى فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا)».^۶ أي أَحْسَنَ بَيَانًا وَتَفْصِيلًا.^۷ از کلمه تفسیر وضاحت و بیان را اراده کرده میشود و این کلمه در این فرموده الله بهمین معنا بوده است.

تعریف اصطلاحی تفسیر:

- ۱ - د مساعد بن سلیمان بن ناصر الطیار، التفسیر اللغوی للقرآن الکریم، الناشر: دار ابن الجوزي الطبعة: الأولى، ۱۴۳۲هـ، ج ۱/ص ۱۹.
- ۲ - ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی ابوالفضل الرویفی الافریقی معروف به ابن منظور در سال (۶۳۰) هـ به دنیا آمده و در سال (۷۱۱) هـ وفات کرده است از معتبرترین علماء لغت عربی بوده در دیوان قضاء قاهره به حیث عضو کار کرده و به حیث قاضی در طرابلس ایفای وظیفه کرده است بعد از مدتی دوباره به مصر برگشته و در آنجا وفات نموده است و از مشهورترین تصنیفات او در علم لغت کتاب ((لسان العرب)) میباشد. عبد الحی بن أحمد العکری دمشقی (ت ۱۰۳۲ م / ۱۰۸۹ م) شذرات الذهب فی أخبار من ذهب دار النشر: دار الکتب العلمیة [شذرات الذهب ۶ / ۲۶، والأعلام ۷ / ۳۲۹].
- ۳ - ابن منظور، محمد بن مکرم، بن علی، ابوالفضل، جمال الدین، بن منظور الانصاری رویفی الافریقی (۱۴۱۴ هـ) دارالصادر بیروت الطبعة الثالثة لسان العرب: ج ۵/ص ۳۴۲۱، مادة فسر.
- ۴ - ابن فارس، معجم مقاییس اللغة لابن فارس، تحقیق: عبد السلام هارون، ط (۱۴۲۰) هـ دار الجیل، بیروت ج ۴/ص ۵۰۴.
- ۵ - ابن عطیه، عبد الحق بن غالب بن عطیه، أبو محمد المحاربي، از أهل غرناطة اندلس بوده فقیه عالم به تفسیر و حدیث، نحوی و ادیب بوده در سال (۴۸۰ یا ۴۸۱ هـ) به دنیا آمده و در سال (۵۴۲ هـ) وفات کرده است، مدتی قضاء اندلس را به عهده داشته و سپس به تدریس و تألیف مشغول گردیده و از تصنیفات مشهور او در علم تفسیر، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز "البته ابن عطیه غیر ابن عطیه بن عبد الله بن عطیه بن عبد الله، أبي محمد، المقرئ است که از مفسران دمشقی میباشد و در سال (۳۸۳ هـ) وفات کرده است. [طبقات المفسرين ص ۱۵ - ۱۶؛ و تاریخ قضاة الأندلس ص ۱۰۹؛ والأعلام للزركلي ۴ / ۵۳ و ۳ / ۲۳۹].
- ۶ - سوره فرقان آیه: ۳۳. ترجمه (ابن کافران) هیچ مثالی را (به عنوان اعتراض از قرآن و رخنه از رسالت و دعوت تو) به میان نمی کشند، مگر این که ما پاسخ راست و درست را، و بهترین وجه و زیباترین تبیین و تفسیر را به تو می نمایانیم. یعنی بهترین بیان و تفصیلی برایت میدهم.
- ۷ - أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: ۵۴۲ هـ) المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز المحقق: عبد السلام عبد الشافي محمد الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى - ۱۴۲۲ هـ ج

تعریف اصطلاحی تفسیر خارج از معانی لغوی آن نیست البته مفسرین و علماء علوم القرآن از تفسیر به حیث یک علم متعلق به قرآن کریم مطابق به دیدگاه‌های خود شان تعریف‌های زیادی کرده اند که میتوان یکی دو آن تعریف‌ها را ذکر نمود، زرکشی.^۱ رحمه الله در تعریف اصطلاحی تفسیر گفته است: «التفسيرُ علمٌ يُعرفُ به فهمُ كتابِ الله المُنزَلِ على نبيِّه مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَيَانُ مَعَانِيهِ وَاسْتِخْرَاجُ أَحْكَامِهِ وَحِكْمِهِ..^۲

«تفسیر علمی است که به آن کتاب الله متعال که بر پیغمبرش محمد ه نازل شده است فهمیده میشود، و معانی آن بیان میگردد، و احکام و حکمت‌های آن استخراج میگردد.

و از امام سیوطی.^۳ رحمه الله نقل شده است: «التفسيرُ: علمٌ يُبحثُ فيه عن كَيْفِيَةِ النُّطْقِ بِاللُّغَةِ الْقُرْآنِ وَمَدْلُوَلَاتِهَا وَأَحْكَامِهَا الْإِفْرَادِيَةِ وَالتَّرْكِيبِيَّةِ وَمَعَانِيهَا الَّتِي تَحْمِلُ عَلَيْهَا حَالَةَ التَّرْكِيبِ». ^۴

تفسیر علمی است که در آن کیفیت نطق به الفاظ قرآن کریم و دلالت‌های آن و احکام انفرادی و ترکیبی، و معانی که حالت ترکیب در بر دارنده آن است.

ابو حیان اندلسی،^۵ رحمه الله از علم تفسیر قرآن کریم چنین تعریف کرده است: «التفسير هو علم يبحث فيه عن كيفية النطق بألفاظ القرآن ومدلولاتها وأحكامها الإفرادية والتركيبية ومعانيها

^۱ - زرکشی، محمد بن بهادر، لقبش بدرالدین، کنیتش ابو عبدالله از اهل مصر بوده و به اعتبار مذهب شافعی میباشد او علم فقه و اصول فقه را از شیخ جمال الدین اثنوی، که از علمای مشهور علم اصول فقه است آموخته است و در عصرش فقیه عالم اصولی، فاضل و ادیب بوده است به حیث مدرس، مفتی و شیخ خانقا و وظیفه اجراء نموده است در سال (۷۴۵هـ) به دنیا آمده و در سال (۷۹۴هـ) وفات کرده است از تصنیفاتش در علوم القرآن البرهان فی علوم القرآن میباشد [شذرات الذهب، ج ۶/ص ۳۳۴].

^۲ - زرکشی، محمد بن بهادر ابو عبدالله المصری؛ البرهان فی علوم القرآن: ط (۱۴۲۸هـ) دارالکتب العلمیة بیروت. ج ۱/ص ۱۳.

^۳ - سیوطی، جلال الدین ابو الفضل عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد بن سابق الدین الحضیری السیوطی، در سال (۸۴۹هـ) در قریه به نام اسیوط در مصر به دنیا آمده و در سال (۹۱۱هـ) وفات کرده است، در طفولیت پدرش وفات نموده او در قاهره یتیم بزرگ شده است از فقهاء مشهور شافعی بوده محدث، مؤرخ، ادیب و عالم به علم لغت و فنون میباشد او یک نویسنده خیلی سریع بوده در جوانی به تألیف و تصنیف مصروف بود و قتیکه به عمر چهل سالگی رسید افتاء و تدریس را ترک کرده و مصروف تألیف گردیده است و تصنیفاتش در علوم مختلف نزدیک به پنجمصد کتاب میباشد، از جمله: (الأشباه والنظائر) فی فروع الشافعیة؛ و (الحاوی للفتاوی)؛ و (الإتقان فی علوم القرآن) و (لباب النقول فی اسباب النزول) میباشد. [شذرات الذهب ۸ / ۵۱؛ والأعلام ۴ / ۷۱]

^۴ - سیوطی، جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد بن سابق الحضیری، (ط ۱۴۲۳هـ) الإتقان فی علوم القرآن: دارالکتب العربیة بیروت. ج ۴/ص ۱۶۷.

^۵ - أبو حیان محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان، الغرناطی الأندلسی در سال (۶۵۴هـ) در شهر غرناطه اندلس به دنیا آمده و در سال (۷۴۵هـ) وفات کرده است. مفسر، محدث، ادیب، مؤرخ، نحوی، لغوی بوده است. علم قراءت و تفسیر را از ابی جعفر بن طباع آموخته و علم حدیث را از علماء اندلس، افریقا، اسکندریه، قاهره، و حجاز از نزد ۵۰۰ شیوخ و محدث آن وقت فرا گرفته است و علوم لغت عربی را از علماء مشهور آن وقت در لغت عربی چون ابی الحسن ابذی و ابن صایغ آموخته است و به حیث استاد تفسیر در افریقا و اندلس تدریس نموده است از او در علوم متعددی تصنیفات زیادی به جامانده است از تصنیفاتش در علم تفسیر و علوم القرآن ((البحر المحیط " فی تفسیر القرآن، و " تحفة الأریب "، فی غریب القرآن، و " عقد اللالی فی القراءات السبع العوالی) میباشد: [شذرات الذهب ۶ / ۱۴۵، و معجم المؤلفین ۱۲ / ۱۳۰، والأعلام ۸ / ۲۶].

التي تحمل عليها حالة التركيب وغير ذلك كمعرفة النسخ وأسباب النزول وما به توضيح المقام.

تفسیر علمی است که در آن از چگونگی تلفظ به الفاظ قرآن کریم و اینکه الفاظ به چه معنی دلالت می نماید و همچنان از معانی انفرادی و ترکیبی، و از معانی که آن الفاظ به چه دلالت میکند و اموری مثل شناخت نسخ و اسباب نزول [سوره ها و آیات] و اینکه یک آیت در یک مقام چگونه توضیح را ایجاب میکند بحث میشود.

این تعریف اندکی متفاوت از تعریف اولی است به اینکه فهم الفاظ قرآن کریم و همچنان تلفظ به الفاظ قرآن کریم و درک دلالت النص و اقتضاء النص سبب نزول و تفاوت خواسته های آیات قرآن کریم در صورت تکرار را شامل میشود.

تعریف موضوعی در لغت.

موضوعی از وضع اسم مفعول با یای نسبتی منسوب به موضوع در لغت به معانی از قبیل "گذاشتن یک شیئی در یک مکان خاص برابر اینکه به صورت پرتاب از دور باشد و یا ثابت گذاشتن در جای اصلی اش، و همچنان این کلمه بمعنای، ولادت، نقصان آوردن در یک شیئی، حقارت و ناچیز بودن، از بالا به به پائین انداختن یک چیز، کشیدن لباس، و زیان و توان در تجارت استعمال شده است، این کلمه در مادیات و معنویات هر دو استعمال میشود وضع که ضد آن رفع (برداشتن) است وضع همان نهادن یک شیئی در مکان خاص و استحکام آن میباشد.^۲ در این فرموده الله متعال: (وَوَضَعَ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا..)^۳.

ترجمه: و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد، و اصلاً به هیچ کسی کمترین ستمی نمی شود.

و موضوع از وضع گرفته شده که در معنویات و اشیا به کار برده میشود و موضوع در معنویات عبارت از محور اساسی در نقل مطالب معنوی میباشد که مفهوم وضع به معنای

^۱ - ابو حیان، محمد بن یوسف بن علی بن حیان الغرناطی، تفسیر البحر المحیط: ط (۱۴۱۱) هـ دالاحیاء التراث العربی بیروت الطبعة الثانية ج، ۱/ص ۶۳.

^۲ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۸/ص ۳۹۶ ماده (وضع) معجم مقایس اللغة، ج ۶/ص ۱۱۷.

^۳ - سوره انبیاء آیه: ۴۷.

تثبت در آن رعایت میشود. و همین معنا در تفسیر موضوعی نیز میباید زیرا مفسر در تفسیر موضوعی بر یک معنای محوری مرتبط بوده و از آن تا فارغ شدن از موضوع که خواسته است خارج نمیشود.^۱

ووضع در اصطلاح، جرجانی رحمه الله^۲. از موضوع در علوم و معنویات چنین تعریف کرده است: «موضوع هر علم چیزی است که در آن از عوارض ذاتی آن بحث کرده شود، مثل بدن انسان برای علم طب، زیرا که در علم طب از حالات انسان از حیث صحت و مرض بحث کرده میشود، و مثل کلمات در علم نحو که در آن از احوال کلمات سه گانه (اسم، فعل و حرف) از حیث اعراب و بنا بحث کرده میشود.^۳

و در معاجم موضوع چنین تعریف شده است: «المادة اللتی یبنی علیها المتکلم او الکاتب کلامه»^۴.

از این دو تعریف برمیآید که موضوع در معاجم و در اصطلاحات علوم قدیم نیز کاربرد داشته است.

تعریف اصطلاحی تفسیر موضوعی:

از اینکه علم تفسیر موضوعی شیوه جدید در تفسیر قرآن کریم است علماء معاصر از این علم تعریف های زیادی کرده اند مهم ترین آن تعریف ها عبارتند از:

۱- هُوَ عِبَارَةٌ عَنْ قَضِيَّةٍ مُعَيَّنَةٍ تُعْرَضُ لَهَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ مِنْ جَوَانِبِ الْحَيَاةِ الْبَشَرِيَّةِ كَجَانِبِ الْعَقِيدَةِ أَوِ السُّلُوكِ الْاجْتِمَاعِيِّ أَوْ مَظَاهِرِ الْكَوْنِ.^۵

تفسیر موضوعی عبارت از قضیه معینی از جوانب مختلف زنده گی بشری است مانند عقیده، سلوک و رفتار های اجتماعی و پدیده های کونی، که قرآن کریم به بیان آن پرداخته است.

۱ - مجمع اللغة العربية، المعجم الوسيط: باب الواو مع الضاد والعين. ج ۲/ص ۱۰۳۹. و مصطفى مسلم، مباحث في التفسير الموضوعي: الطبعة السادسة ۲۰۰۹م - دار القلم - دمشق - سوريا.

۲ - جرجانی، علی بن محمد بن علی ابوالحسن معروف به سید شریف جرجانی از فقهاء حنفی مذهب بوده در سال (۷۴۰هـ) در قریه به نام استر آباد به دنیا آمده دوره تعلیم و تحصیلش را در شیراز به پایان رسانیده است در علم تفسیر، فقه، حکمت، لغت دست بالایی داشته و لقب سلطان علماء را کسب کرده است و به اخلاق نیک و تواضع شهر داشته است و در = سال (۸۱۶هـ) وفات کرده است، از او در علوم مختلف تصنیفاتی به جا مانده از مشهورترین تصنیفاتش در علم لغت "التعريفات" میباشد، [معجم المؤلفين ۷ / ۲۱۶، والأعلام ۵ / ۱۵۹].

۳ - جرجانی، علی بن محمد بن علی الزین الشریف الجرجانی (المتوفى: ۸۱۶هـ) ط (۱۴۰۳هـ) التعريفات، المحقق: ضبطه وصححه جماعة من العلماء بإشراف الناشر الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان الطبعة: الأولى عدد الأجزاء: ۱ : ص ۲۳۶.

۴ - ابراهيم مصطفى المعروف باحمد الزيات، المعجم الوسيط: باب الفاء مع السين والراء. ۲ / ۶۸۸. الطبعة الثانية ۱۹۸۹م - مؤسسة دار الدعوة - استنبول - تركيا. ج ۲/ص ۱۰۴۰.

۵ - دكتور زيد عمر العيص ط (۱۴۳۲هـ) دار الحديث الرياض الطبعة الثانية. التفسير الموضوعي بين التأصيل والتمثيل ص ۲۱.

۲- أحمد بن عبد الله الزهرانی .^۱ یکی از مفسران معاصر، از تفسیر موضوعی چنین تعریف نموده است: «هُوَ إِفْرَادُ الْآيَاتِ الْقُرْآنِيَّةِ الَّتِي تُعَالِجُ مَوْضُوعًا وَاحِدًا وَ هَدَفًا وَاحِدًا بِالِدِرَاسَةِ وَالتَّفْصِيلِ .أَوْ عِبَارَةً أُخْرَى، التَّفْسِيرُ الْمَوْضُوعِي عِبَارَةٌ عَنِ جَمْعِ الْآيَاتِ الْمُتَعَدِّدَةِ الْمُتَعَلِّقَةِ بِمَوْضُوعٍ وَاحِدٍ وَ دِرَاسَةِ هَذِهِ الْآيَاتِ بِحَيْثُ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا فِي حَيَاتِنَا الْيَوْمِيَّةِ .^۲

«تفسیر موضوعی عبارت از جمع آوری آن گونه آیات قرآن کریم است که یک موضوع واحد و یک هدف واحد را از حیث تحقیق و تفصیل پیموده است. و یا به عبارت دیگر تفسیر موضوعی عبارت از جمع آوری آیات متعدد قرآن کریم است، که متعلق به یک موضوع واحد باشد به غرض تحقیق و بررسی از حیث اینکه ما انسانها در زنده گی روز مره (در حیات دینی و دنیایی) از آن مستفید شویم.

این تعریف متعلق به موضوعات قرآنی بوده و در آن اشاره به تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم نشده است.

۳- و به صورت عام و مختصر از تفسیر موضوعی چنین تعریف شده است: «هُوَ عِلْمٌ يُبْحَثُ عَنِ الْقَضَايَا حَسَبَ الْمَقَاصِدِ الْقُرْآنِيَّةِ مِنْ خِلَالِ سُورَةٍ أَوْ أَكْثَرَ.^۳

تفسیر موضوعی علمی است که از قضایای [دینی و حیات فردی و اجتماعی] به حسب اهداف و مقاصد قرآن در یک سوره یا بیشتر از یک سوره بحث میکند.

در این تعریف تفسیر موضوعی علم به قضایا و مقاصد قرآنی در خلال سوره های قرآن کریم نامیده شده است میتوان این تعریف تفسیر موضوعی همه ی قرآن کریم و همچنان تفسیر موضوعی هر سوره را شامل شود.

از تعاریف فوق برمیآید که مفسر در تفسیر موضوعی کل قرآن کریم یا یک سوره از سوره های قرآن کریم و یا یک موضوع خاص از موضوعات قرآن کریم را مورد بحث کلی قرار

^۱ - زهرانی أبو یاسر محمد عبد الله بن مطر الزهرانی در منطقه زهران میان مکه طایف عربستان سعودی در سال (۱۳۷۰) هـ به دنیا آمده تعلیمات ابتدائی را در طایف، مکه و ریاض و تحصیلاتش را تا درجه دکتوا در جامعه اسلامیة مدینه منوره در علوم حدیث به پایان رسانیده است و به حیث استاذ و عمید کلیه علوم حدیث در جامعه اسلامیة مدینه منوره ایفای وظیفه نموده است از علماء مشهور معاصر عربستان سعودی بوده و در علم تفسیر و حدیث از او تصنیفات متعددی بجا مانده = است از تصنیفات او در علوم قرآنی ((التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم)) میباشد در سال (۱۴۲۷ هـ) در مکه مکرمه وفات کرده است. المکتبة الشاملة مقدمه التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، ج ۱/ص ۳.

^۲ - ابو یاسر محمد بن عبد الله بن مطر الزهرانی، التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، الناشر مکتبة جامعة الاسلامیة المدینة. ص ۱۲

^۳ - مصطفی مسلم، الطبعة الاولى ط (۱۴۳۰) هـ مباحث فی التفسیر الموضوعی دار القلم الرياض السعودیة الطبعة الرابعة عدد الاجزاء ۱۷، ص ۱۷.

میدهد تا اینکه مراد الله متعال و مقاصد و اهداف کلی قرآن کریم، سوره ها و واژه های قرآنی واضح گردد.

همچنان قضایای قرآنی شامل تفسیر کل قرآن کریم به حسب شیوه تفسیر موضوعی و از حیث سوره ها و موضوعات خاص قرآنی را شامل میشود چنانکه بعدا در بحث انواع تفسیر موضوعی به آن اشاره میشود.

البته تفاسیر موضوعی در مباحث خاص که در تعریف ها ذکر شده در مقایسه به تفسیر عام قرآن کریم اندک به نظر میخورد اما موضوعات مرتبط به این نوع تفسیر در تمام تفاسیر متقدمین وجود داشته مثلا ابن قیم رحمه الله کتابی را تحت عنوان "التبیین فی اقسام القرآن" و ابو عبیده رحمه الله کتاب را تحت عنوان "مجاز القرآن" و راغب اصفهانی رحمه الله کتابی را در مورد "مفردات الفاظ قرآن" و ابو جعفر نحاس و برخی دیگری از علماء کتاب هایی را در مورد "ناسخ و منسوخ" و ابو الحسن واحدی رحمه الله کتابی را در مورد "اسباب نزول" و جصاص، ابن کثیر و قرطبی رحمهم الله در تفاسیرشان مباحث زیادی مرتبط به تفسیر موضوعی را به بحث گرفته اند.^۱

فرع دوم- اهمیت تفسیر موضوعی.

اصطلاح تفسیر موضوعی معاصر و مشتمل بر قضایایی مرتبط به سوره های قرآن کریم و مقاصد قرآنی بوده که برای مسلمانان، بر حسب هر زمان فوایدی زیادی را در بر دارد؛ و مبادی و حقایق قرآن کریم را بر مسلمانان هر عصر آشکار میسازد و شامل مصالح و ثقافت های عصر جدید میگردد و در بر دارنده اصلاح خطاهای مجتمع، خانواده و امور اجتماعی عام مسلمانان میشود.^۲

با در نظر داشت اشارات قبلی در مورد مباحث و فواید تفسیر موضوعی اهمیت این علم در امور ذیل آشکار میگردد.

^۱ - مصطفی مسلم، ط (۱۴۲۸هـ) مباحث فی علوم القرآن: دار القلم - دمشق - سوریا، ج ۱/ص ۳۵۳.

^۲ - د عبد الستار فتح الله سعید. المدخل إلى التفسیر الموضوعی: ص ۴۰ - ۵۰ ط (۱۹۹۱م) الطبعة الثانية. دار التوزیع والنشر الإسلامية / مباحث فی التفسیر الموضوعی: ص ۳۰ - ۳۳ و التفسیر الموضوعی بین النظرية والتطبيق: ص ۵۶ - ۵۸ صلاح عبد الفتاح الخالدي. الطبعة الثانية (۲۰۰۸م). دار النفائس للنشر والتوزیع.

- ۱- در تفسیر موضوعی مشکلات مسلمانان به حسب زمان و مکان به اساس خواست های قرآن کریم و زمان شمول بودن احکام قرآنی حل گردیده است.
- ۲- در تفسیر موضوعی، معانی قرآن کریم از حیث شیوه های علمی و روش های تحقیقی معاصر معرفی میگردد و عظمت قرآن کریم در حسن رعایت مصالح و عرضه مبادی و موضوعات بر ملا میگردد.
- ۳- در تفسیر موضوعی نیاز مندی انسانها به دین اسلام به صورت خاص توضیح میگردد و قناعت انسان را بر اینکه تنها قرآن کریم است که همه ی خواسته ها و حوایج انسان را در امر دین و دنیا بیان کرده است فراهم میسازد.
- ۴- از طریق توضیحات مقاصد و اهداف قرآن کریم مسلمانان دشمنان خود را میشناسند و در برابر افکار دین ستیزی ایستاده گی مینمایند.
- ۵- در تفسیر موضوعی ابعاد رویداد های جدید در مطابقت به مقاصد قرآن کریم توضیح میگردد که علاقه مسلمانان به قرآن کریم بیشتر میشود.
- ۶- تفسیر موضوعی مطابقت قرآن کریم را با تحولات جدید بشری بر ملا میسازد و به این وسیله واضح میشود که قرآن کریم مصلح بشریت در هر زمان و هر مکان است.
- ۷- تفسیر موضوعی مقاصد اساسی قرآن کریم را توضیح میدهد و این شیوه یگانه راه رسیدن به مقاصد و اهداف قرآن کریم است.
- ۸- تفسیر موضوعی اساس راه یابی به تحقیقات در موضوعات قرآن کریم بوده و شیوه های جدید بحث در قرآن کریم را برای محققین فراهم مینماید و تحقیق هر چه بیشتر در قرآن کریم از افکار غیر قرآنی جلوگیری میکند.
- ۹- از طریق تفسیر موضوعی محققین میتوانند که جوانب جدید از اعجاز قرآن کریم را توضیح نمایند و این بیانگر آن است که عجایب این کتاب نجات بخش پایان پذیر نیست.
- ۱۰- اعجاز علمی، اصول تربیه، سیاست مدنی، اصول اقتصادی و سایر نیاز های بشری از مباحث قرآن کریم است که دانستن این علوم از قرآن کریم نیاز به اساسات و ضوابط علمی دارد که بدون مراجعه به تفسیر موضوعی دست رسی به آن مشکل خواهد بود.

۱۱- تدبیر، تفکر و عبرت گرفتن یکی از خواست های قرآن کریم است و تفسیر موضوعی یگانه وسیله تدبیر و تفکر در قرآن کریم میباشد.^۱

همه ی موارد فوق اهمیت این نوع از تفسیر قرآن کریم را ثابت مینماید چون مفسر با اختیار این شیوه مکلف است که آیات و سوره های قرآن کریم را مطابق به اسلوب این نوع تفسیر جستجو نماید و سپس آن را با قضایای علمی و مصالح حیاتی تطبیق کند. بدین وسیله واضح میگردد که قرآن کریم خزانه علمی است که کم نمیشود، چشمه است که نمی خشکد.

فرع سوم- نشأت تفسیر موضوعی.

این اصطلاح علمی (تفسیر موضوعی) به شکل یکی از مباحث تفسیری قرآن کریم در اواخر قرن (۱۳) و اوایل قرن (۱۴) هـ ق به وجود آمده است البته اجزا و عناصر ابتدایی این علم از روز های نخست نزول قرآن کریم در حیات رسول الله (ﷺ) و زمانه های بعدی عصور مفسرین و محدثین وجود داشته است به اساس اینکه تفسیر موضوعی جدیداً به وجود آمده است لذا مفسرین سابق از قواعد و اشکال آن بحث نه کرده اند البته کتابهای زیادی تألیف شده است که روش بحث آن در مطابقت به شیوه بحث در تفسیر موضوعی میباشد که میتوان از کتاب "الاشباه و النظائر" از مقاتل بن سلیمان بلخی متوفی سال (۱۵۰) هـ نامبرد که در این کتاب کلمات از قرآن کریم جمع آوری شده است که لفظ شان یکی بوده و دلالت آن بر یک معنای خاص به حسب سیاق در موارد دیگر از هم فرق میکند اند و همچنان برخی از تحقیقات و اباحت تفسیری از زمانه های سابق بوده که به جوانب معانی لغوی منحصر نبوده بلکه آیاتی را جمع آوری نموده که در تحت یک عنوان معین به یکدیگر ربط داشته است مثل کتاب "الناسخ و المنسوخ" از ابی عبید قاسم بن سلام متوفی سال (۲۲۴) هـ و امثال آن، این بدان

^۱ - مصطفی مسلم، مباحث فی التفسیر الموضوعی ص: ۳۲: ۳۳.

معنا است که بنیاد این نوع از تفسیر قرآن کریم از سابق وجود داشته و مفسرین جدید در مورد قواعد، اساس و کیفیت آن سخن گفته اند.^۱

و همچنان مولفات زیادی از متقدمین در مورد مصطلحات تفسیری قرآن کریم وجود دارد مثل مولفات در اسباب نزول مولفات در موضوع ناسخ منسوخ و مولفات در احکام القرآن و غیره که نوعی از تفسیر موضوعی به حساب می‌آید.

و بعد از ظهور مذاهب فقهی و تغییر افکار و انکشاف علوم معاصر در موضوعات مختلف زنده گی اجتماعی علماء معاصر به هدف ربط زنده گی اجتماعی از حیث مصلحت های زمانی به قرآن کریم مراجعه نمودند تا اینکه رعایت مصلحت های زمانی را در قرآن کریم جستجو نمایند و این امر سبب به وجود آمدن علم تفسیر موضوعی گردید.

و همچنان بحث ها و مقالات علمی در اوایل قرن ۱۳ به شیوه تفسیر موضوعی در جامعات مثل جامعه ازهر مصر و جامعات دیگری به نشر رسیده است و مقالات تفسیری سید جمال الدین افغانی در مجله "العرووة الوثقی" به شیوه تفسیر موضوعی می‌باشد.

فرع چهارم-انواع تفسیر موضوعی.

میتوان تفسیر موضوعی را از حیث تعلق آن به قرآن کریم به انواع ذیل تقسیم نمود:

نوع اول-تفسیر موضوعی مربوط به اصطلاحات قرآنی:

به اینصورت که در یک بحث علمی یک لفظ و اصطلاح خاص اختیار کرده شود که در قرآن کریم مکررا ذکر شده است و باحث آن لفظ و اصطلاح قرآنی را از حیث لفظ و معنا در قرآن کریم جستجو نماید و همچنان مشتقات آن را نیز پیدا کند و دلالت آن به موضوع بحث و لطایف علمی آن را استخراج نماید.^۲

نوع دوم-تفسیر موضوعی با انتخاب موضوع قرآنی:

به این صورت که تحقیق کننده موضوع خاص از موضوعات قرآن کریم را که ابعاد واقعی در زنده گی فرد و جامعه داشته و یا یک موضوع علمی باشد . غرض بحث انتخاب نماید که

۱- أبو محمد المصری www.aldahereyah.net أرشیف ملتقى أهل التفسير المجلة بحوث العلمية ، ص ۲۹۰. شماره ۱۳ نشریه (۲۰۰۴/۱۰/۱۸م)

۲- مصطفى مسلم، مباحث في التفسير الموضوعي: ۲۳.

با مسلمانان مفید بوده و در حل مشکل دینی و امور زنده گی شان کمک نماید این نوع تفسیر موضوعی عام بوده و مخصوص بریک سوره یا کلمه قرآن کریم نمیباشد.

نوع سوم-تفسیر موضوعی با انتخاب یک سوره قرآن کریم:

در این نوع روی یک هدف خاص و اساسی در یک سوره قرآن کریم بحث کرده میشود و هدف در این نوع محور بحث بوده و بعد از معرفی سوره و ربط آن به سوره قبلی و بعدی سوره از حیث موضوعات بحث به مقاطع تقسیم شده و آیات مربوط به هر مقطع جمع بندی میشود.^۱

نوع چهارم- تحقیق روی یک موضوع معین در یک سوره:

مثل تحقیق روی مسئله حقوق زن در سوره نساء و بیان حالت یهود در سوره بقره و بیان حالت نصاری در سوره مائده و قصه اصحاب کهف در سوره کهف و بیان داستان یوسف علیه السلام در سوره یوسف و غیره.

نوع پنجم- مقالات قرآنی:

به این صورت که تحقیق کننده یک بحث کوتاه در یک موضوع را در نظر داشته و دلایل آن را در آیات قرآن کریم جستجو نماید.^۲

^۱ - مرجع قبلی، مباحث فی التفسیر الموضوعی ص: ۲۳: ۲۸

^۲ - دكتور ابراهيم بن صالح بن عبدالله الحميضي الاستاذ بقسم القرآن و علومه بجامعة قسيم السعودية المدخل الى تفسیر الموضوعی ط (۱۴۳۷) هـ. مكتبة ملك فهد الوطنية و دار ابن جوزي، ص ۲۹.

موضوع دوم-

معرفی سوره مبارکه المرسلات

فرع اول- نام سوره و سبب نام گذاری سوره المرسلات.

أ- نامگذاری سوره ها:

نامگذاری سوره های قرآن کریم یک ضرورت در معرفت سوره های قرآن کریم از حیث موضوع بحث و از حیث اهمیت موضوع محوری میباشد بنابراین علماء تفسیر موضوعی آشنایی با نام سوره ها و ارتباط بین سوره و نام آن را یکی از موضوعات بحث خود قرار داده اند ، پس نام سوره های قرآن کریم یا متعلق به اوصاف سوره ها بوده مثل نام گذاری سوره "فاتحه" به این نام و یا از حیث اضافت به یک شیئی که سوره به ذکر آن اختصاص داشته باشد مثل سوره "بقره ، لقمان و یوسف و یا با ذکر داستان و واقعات خاص در یک سوره بوده مثل: سوره ابراهیم ، هود ، محمد و.. و یا نام سوره از لفظ مطلع سوره ها گرفته شده است مثل: سوره براءت و سوره های حوامیم، و.. یا نام سوره از لفظ خاص در ابتدای سوره اشتقاق شده است مثل سوره المرسلات ، العادیات و الزلزال که رابطه ی در میان نام گذاری به این نامها وجود داشته است.^۱

بنا بر این دیدگاه جمهور علماء در مورد نامهای سوره ها این است که نامهای سوره های قرآن کریم توقیفی بوده است یعنی نامهای سوره ها از طرف رسول الله ه مشخص شده و یا هم در حین نزول توسط جبریل علیه السلام تعیین شده است چنانچه نام تمام سوره ها آنچنانی که در مصحف عثمانی است در احادیث مشخص گردیده است و این نام گذاری در میان صحابه و سایر امت اسلامی به حد بالایی تواتر رسیده است امام سیوطی رحمه الله گفته است : « نامهای سوره ها با توقیف توسط احادیث و آثار ثابت بوده اگر خوف اطاله کتاب نمیبود تمام آن روایات را ذکر میکردم .^۲

^۱ - ابن عاشور ، محمد طاهر بن محمد بن محمد طاهر بن عاشور التونسي، (۱۹۸۴)م التحرير والتنوير (تحریر معنی السدید، وتنوير العقل الجدید من تفسیر الكتاب المجید) ط الدار التونسیة، ج ۱/ص ۹۱.

^۲ - سیوطی ، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱/ص ۱۸۶.

وسپس امام سیوطی دیدگاه برخی علماء را نقل کرده میگوید: برخی ها گفته اند که نام های سوره ها اجتهادی میباشد زیرا برخی سوره ها بیشتر از یک نام ذکر شده است که آن نامها در احادیث نیامده است.^۱

البته قول راجح توقیفی بودن نامهای سوره است و ذکر اسمای متعدد از طرف مفسرین معارض توقیفی بودن نام های دیگر برای بعضی از سوره ها نمیباشد زیرا نام های که در روایات ذکر شده توقیفی و نام های دیگر اجتهادی میباشد.^۲

ب-سبب نام گذاری سوره المرسلات:

سوره مبارکه المرسلات از سوره های "مفصل" بوده و برای آن نامهای زیادی ذکر شده است که مشهور ترین آن "المرسلات" بوده و این نام توقیفی میباشد این نام از نخستین کلماتی میباشد که این سوره به آن آغاز شده است و این سوره بهمین نام در تمام مصحف ها و کتب تفسیر مسمی گردیده است، والمرسلات اسم مفعول فعل "ارسل" بوده که به "الف وتا" جمع شده است و در مورد معنای آن از مفسرین دو قول ذکر شده است، (وصف برای ملائکه و یا وصف باد میباشد).^۳

این لفظ در ابتدای این سوره با "واو" قسم ذکر شده است لذا در روایات امام بخاری نام این سوره بهمراه واو قسم آمده است، در روایتی از ابن عباس ت آمده است او گفته است: «إن أم الفضل سمعته وهو يقرأ والمرسلات عرفا...»^۴

«ام فضل از رسول الله شنیده است که ایشان (این سوره) را "و المرسلات عرفا" (همراه با واو) قراءت میکردند.

^۱ - سیوطی، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ٩١١هـ) ط (١٤٠٨هـ) معترك الأقران في إعجاز القرآن، ويُسمى (إعجاز القرآن ومعترك الأقران) دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ٣، ج ٢/ص ٢٧٦.

^۲ - مجموعة من الأساتذة والعلماء المتخصصين، ط (١٤٢٣هـ) الموسوعة القرآنية المتخصصة، الناشر: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، مصر عدد الأجزاء: ١، ص: ٢٢٢.

^۳ - طبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: ٣١٠هـ) ط (١٤٢٠هـ) جامع البيان في تأويل القرآن (تفسير الطبري) المحقق: أحمد محمد شاكر الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، ج ٢/ص ١٢٢.

^۴ - محمد بن اسماعيل البخاري، صحيح البخاري، كتاب الصلاة، باب القراءة في المغرب، ج ٣/ص ٢١٤ شماره حديث (٧٢١)

ج-وجه تسمیة این سوره به این نام:

برابر اینکه نام این سوره "المرسلات" بدون واو قسم باشد یا به همراه واو قسم، سبب نام گذاری به این نام ذکر همین لفظ در اول همین سوره بوده است که الله متعال فرموده است:

(وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا) ^۱.

د-نام اجتهادی این سوره:

برای این سوره علاوه از نام توقیفی یک نام اجتهادی دیگر (سورة العرف) ذکر شده است. این نام را مفسرین از ذکر لفظ "المرسلات" همراه با لفظ "عرفا" در روایت از ابن عباس ت استنباط کرده اند، در روایتی از ابن عباس آمده است: «كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي غَارِ [بِئْنَى]، فَنَزَلَتْ: { وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا }، فَأَبْنَا نُنْتَلِقَافَا مِنْ فِيهِ، [وَأَنَّ فَاهُ لِرَطْبٍ بِهَا]، إِذْ خَرَجَتْ حِيَةً مِنْ جُحْرِهَا،...» ^۲.

ترجمه: ما با رسول الله ه در غاری به منی بودیم پس سوره "والمرسلات عرفا" نازل شد و ما (آن سوره) را از دهن رسول الله ﷺ می گرفتیم [و دهن رسول الله ﷺ به آن تر بود]، به ناگاه ماری از سوراخ غار بیرون شد. در این روایت "والمرسلات" همراه با لفظ "عرفا" تذکر شده است، لذا مفسرین با استنباط از این روایت یکی از نامهای این سوره را "سورة العرف" گفته اند. ^۳

فرع دوم-بیان فضایل سوره المرسلات.

۱ - سوره المرسلات، آیه: ۱.

۲ - صحیح البخاری، کتاب بدء الخلق، باب خمس من الدواب فواسق... ج ۴/ص ۱۲۹ شماره حدیث (۳۰۷۰)

۳ - آلوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی الألوسی (المتوفی: ۱۲۷۰هـ) ط (۱۴۱۵هـ) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی المحقق: علی عبد الباری عطیة الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ۱۶ . ج ۱۵/ص ۱۸۷، ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر بن محمد الشیرازی البیضاوی (المتوفی: ۶۸۵هـ) ط (۱۴۲۳هـ) تفسیر البیضاوی أنوار التنزیل وأسرار التأویل دار النشر: دار الفكر بیروت عدد الأجزاء: ۵، ج ۸/ص ۲۹۴ و محمد جمال الدین بن محمد سعید بن قاسم الحلاق القاسمی (المتوفی: ۱۳۳۲هـ) من لطائف وأسرار (تفسیر القاسمی محاسن التأویل) إعداد وتعلیق: عبد الرحمن القماش (من علماء الأزهر الشریف). ج ۹/ص ۳۸۱.

سوره المرسلات از جمله سوره های مفصل بوده که تلاوت آن رکعات نمازها حکم شده در حدیثی به روایت عبدالله بن مسعود آمده است روزی صحابی بنام نهیک بن سنان رض به عبدالله بن مسعود گفت من سوره های مفصل را در یک رکعت میخوانم این مسعود تفره شده و گفت: «لَكِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْرَأُ النَّظَائِرَ السُّورَتَيْنِ فِي رَكْعَةِ النَّجْمِ وَالرَّحْمَنِ فِي رَكْعَةٍ وَاقْتَرَبَتْ وَالْحَاقَّةَ فِي رَكْعَةٍ وَالطُّورَ وَالذَّارِيَاتِ فِي رَكْعَةٍ وَإِذَا وَقَعَتْ وَنُونَ فِي رَكْعَةٍ وَسَأَلَ سَائِلٌ وَالنَّازِعَاتِ فِي رَكْعَةٍ وَوَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ وَعَبَسَ فِي رَكْعَةٍ وَالْمُدَّثِّرَ وَالْمُزْمَلَ فِي رَكْعَةٍ وَهَلْ أَتَى وَلَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي رَكْعَةٍ وَعَمَّ يَتَسَاءَلُونَ وَالْمُرْسَلَاتِ...»^۱

ترجمه: مگر نبی کریم ﷺ امثال این سوره ها را در یک رکعت تلاوت میکردند، [و سوره های] نجم، الرحمن، و الحاقه، و الطور، و الذاریات، واقعه، نون، سأل سائل، النازعات، و ویل للمطففین، عبس، المدثر، المزمّل، هل اتی، لا أقسم، عم يتساءلون، المرسلات، را (نیز) در یک رکعت تلاوت میکردند.

و در روایتی از ابن عباس آمده است روزی ام فضل از ابن عباس که سوره "المرسلات" را در نماز مغرب تلاوت میکرد شنید: «فَقَالَتْ لَهُ: يَا بَنِي لَقَدْ دَكَّرْتَنِي بِقِرَاءَتِكَ هَذِهِ السُّورَةَ إِنَّهَا لِأَخْرُ مَا سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ بِهَا فِي الْمَغْرِبِ.»^۲

ترجمه: ام فضل برایش گفت: فرزندم حقیقتاً با قرائت این سوره چیزی را بیادم آوردی، بیقین این سوره آخری بود که من شنیدم که رسول الله ﷺ را در نماز مغرب قرائت میکردند. از این دو روایت در جمع سوره های دیگر فضیلت این سوره ثابت میشود.

و از حیث مضامین و بیان هولناکی روز قیامت این سوره نیز از مهم ترین سوره ها بوده است در حدیث به نقل از ابن عباس آمده است او گفته است روزی ابوبکر صدیق به رسول الله ﷺ گفت: «ما شبیک؟ قال: سورة هود و الواقعة و المرسلات و عم يتساءلون.»^۳

^۱ - سجستانی ابوداود، سنن ابوداود، باب تهزیب القرآن، ج ۴/ص ۱۶۸ شماره حدیث (۱۱۸۸) شیخ البانی این حدیث را صحیح گفته است، صحیح و ضعیف سنن ابوداود ج ۳/ص ۳۹۶.

^۲ - متفق علیه، صحیح البخاری کتاب الاذان باب القراءة فی المغرب، ج ۱/ص ۱۵۲ شماره حدیث (۷۶۳) و صحیح مسلم، کتاب الصلاة، باب القراءة فی الصبح، ج ۱/ص ۳۲۸ شماره حدیث (۴۶۲)

^۳ - ابوعیسی الترمذی، سنن ترمذی ج ۵/ص ۴۰۲ و حاکم در این حدیث را نقل کرده و گفته است: «هذا حدیث صحیح علی شرط البخاری و لم یخرجاه» تعلیق الحافظ الذهبی فی التلخیص: علی شرط البخاری مستدرک علی الصحیحین، ج ۵/ص ۱۸۰.

ترجمه: ای رسول خدا چه چیز شما را موسفید ساخته است؟ فرمودند: سوره "واقعه"، والمرسلات و عم یتساءلون.

این حدیث به این امر دلالت دارد که موضوعات این سوره (المرسلات) و سوره های دیگر مهم بوده و تأثیر بزرگی را در شخص مؤمن میگذارد و اینکه رسول الله ه این سوره ها را به کثرت تلاوت میکردند و به خصوص در سوره "المرسلات" هول ناکی قیامت همانند مشاهده به تصویر کشیده شده است.

فرع سوم-تعداد آیات، محل نزول و ترتیب .

تعداد آیات:

بدون کدام اختلاف در میان مفسرین و قُرأء در شمارش آیات، این سوره مشتمل بر (۵۰) آیت میباشد و این سوره مشتمل بر - ۱۸۱ - کلمه و - ۸۲۸ - حرف بوده است.^۱

محل نزول:

بنا به قول جمهور مفسرین این سوره "مکی" بوده است یعنی تمام آیات این سوره در مکه نازل شده است.^۲

^۱ - سخاوی، علی بن محمد بن عبد الصمد الهمدانی المصري الشافعي، أبو الحسن، علم الدين السخاوي (المتوفى: ۶۴۳هـ) ط (۱۴۱۹هـ) جمال القراء وكمال الإقراء دراسة وتحقيق: عبد الحق عبد الدايم سيف القاضي الناشر: مؤسسة الكتب الثقافية بيروت عدد الأجزاء: ۲، الطبعة: الأولى، ج ۱/ص ۲۲۴. أبو عمرو عثمان بن سعيد الأموي الداني، ط (۱۴۱۴هـ) البيان في عد آي القرآن، تحقيق: غانم قدوري الحمد، دار النشر: مركز المخطوطات والتراث - الكويت الطبعة: الأولى عدد الأجزاء / ۱

^۲ - مرجع قبلی، البيان في عد آي القرآن، ص ۲۶۱ و أبو زيد عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف الثعالبي (المتوفى: ۸۷۵هـ) ط (۱۴۱۸هـ) تفسير الثعالبي (الجواهر الحسان في تفسير القرآن) المحقق: الشيخ محمد علي معوض والشيخ عادل أحمد عبد الموجود الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة: الأولى، ج ۱۰/ص ۱۰۸ و ابن عطية، أبو محمد عبدالحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الاندلسي المحاربي، (ت ۵۴۲هـ) المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز تحقيق عبدالسلام عبدالشافى محمد (۱۴۲۲هـ) نشر دار الكتب العلمية بيروت الطبعة الأولى، ج ۵/ص ۴۱۸.

امام شوکانی،^۱ رحمه الله و ابن جوزي.^۲ رحمه الله به استناد قول ابن عباس رضی الله عنه (آیه چهل هشت) این سوره را مدنی گفته اند، و این قول از ابن عباس و قتاده و مقاتل رحمهم الله نیز نقل شده است.^۳

ترتیب نزولی و مصحفی:

سوره مبارکه المرسلات بنا به روایت جابر بن زیدت "سی و دوم" سوره از حیث ترتیب نزولی بوده و بعد از سوره "الهمزه" و قبل از سوره "ق" نازل شده است، و بنا به روایت ابن عباسین سوره به ترتیب نزولی "سی و سه ام" سوره گفته شده است.^۴ و به ترتیب مصحفی این سوره -۷۷- سوره بعد از سوره "انسان" و قبل از سوره "نبا" در مصحف عثمانی بوده است.

موضوع سوم- محور سوره و بیان مناسبات

فرع اول- موضوع محوری سوره المرسلات.

محور عبارت از موضوعات کلی است که سوره در مورد آن بحث کرده است، پس محور اساسی سوره مبارکه "المرسلات" سخن در مورد "بعث، معاد" یعنی زنده شدن پس از مرگ، حتمی بودن وقوع آن، بیان حالات قیامت و هول ناکی آن میباشد.^۵

۱ - شوکانی، محمد بن علی بن محمد الشوکانی، در سال (۱۲۱۷هـ) در مقام به نام شوکان در شهر خولان یمن به دنیا آمده و در صنعاء یمن بزرگ شده است مفسر فقیه و مجتهد و از علماء بزرگ یمن بوده است و تا آخر عمر قضاء صنعاء را به عهده داشته و به همین حالت وفات کرده است و از تفرّداتش اینست که او تقلید را حرام میدانست از او ۱۴ تصنیفات به جا مانده است که از مشهور ترین تصنیفاتش فتح القدير در علم تفسیر، نیل الاوطار شرح منتقى الاخبار وسيل الجرار، و ارشاد الفحول میباشد. [زرکلی، الاعلام] ج ۲/ص ۲۱۴.

۲ - ابن جوزي، عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي، [ت ۵۰۸- و ۵۹۷هـ] جوز نام یکی از قریه ها در حوالی بصره میباشد اجدادش در آن زنده گی میکردند قریبی نسب بوده و نسبش به ابوبکر صدیق رض پیوست میشود از ساکنان بغداد بوده و از علمای مشهور حنبلی میباشد در علم، تفسیر، حدیث، فقه، و ادب شهرت داشته و از واعظان شهرت یافته عصرش بود که خلفای وقت در مجالس موعظه آن شرکت میکردند از تصانیفش در علوم القرآن و حدیث تفسیر زاد المسیر "تلبیس ابلیس"؛ و "الضعفاء والمترکین"؛ و "الموضوعات" میباشد. [والبداية والنهاية ۱۳ / ۲۸. الاعلام للزرکلي ۴ / ۸۹]

۳ - ابن جوزي، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی ابن الجوزي، ط (۱۴۲۲هـ) زاد المسیر في علم التفسیر، تحقیق: عبد الرزاق المهدي الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، ج ۴/ص ۳۸۲. شوکانی، شوکانی محمد بن علی بن محمد المعروف بالشوکانی (ت ۱۲۵۰هـ) ط (۱۴۰۷هـ) تفسیر فتح القدير علق عليه وخرج احاديثه الشيخ عبدالرزاق المهدي) دار الكتب العلمية بيروت والطبعة الثانية (۱۴۱۵هـ). ج ۵/ص ۲۹.

۴ - الداني، البيان في عد آي القرآن، ص: ۲۶۱.

۵ - دكتور، وهبة بن مصطفى الزحيلي ط (۱۴۱۸هـ) التفسیر المنير في العقيدة والشريعة والمنهج الناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء: ۳۰، ج ۲۹/ص ۳۱ و مجموعة من العلماء التفسیر و علوم القرآن، بإشراف الدكتور مصطفى مسلم بجامعة الشارقة، ط (۱۴۳۱هـ) التفسیر الموضوعی لسور القرآن الكريم، الناشر كلية الدراسات العليا والبحوث العلمي، الجامعة الشارقة، ج ۸/ص ۵۳۸.

به این ترتیب که این سوره مثل سایر سوره های مکی متعلق به امور عقیده بوده است، ابتداء الله متعال با قسم یاد کردن به حتمی بودن وقوع قیامت حکم نموده و سپس مقدمات و وقوع قیامت با دلایل وحدانیت و قدرت الله متعال با این امر بیان شده است و اوصاف امور غیبی متعلق به آخرت و حالات کفار و اهل ایمان در آخرت از لحاظ عقیده و عمل توضیح گردیده است.^۱

فرع دوم- بیان مقاصد سوره المرسلات.

بقاعی رحمه الله^۲ گفته است: مقصد اساسی در این سوره دلالت بر ختم زنده گی انسان ها در عالم دنیا و فنای آن و بمیان آمدن عالم عقبی و پاداش شکر گزاران به نعمت های دایمی و جزای منکرین به عذاب جهنم، زنده شدن اجساد فانی شده، و تغییر عالم مشهود با عالم غیر مشهود میباشد.^۳

و بنا به قول ابن عاشور رحمه الله^۴، مقصد اساسی در این سوره بیان اصول دعوت به دین اسلام است که در سه امر مهم خلاصه شده است:

أ- انذار با وقوع قیامت حساب و جزا.

ب- خشوع و اظهار عجز با الله متعال.

ج- احسان با مخلوقات الله متعال، که امر اول به اصل ایمان به قرآن کریم برمیگردد، و امر دوم به طاعت و عبادت مربوط میشود و امر سوم مقصد کلی شرایع سماوی میباشد، و بر وقوع قیامت به فنای دنیا استدلال شده است و بر امکان اعاده مخلوقات به خلقت زمین و مخلوقات عظیم الجثه استدلال شده است.^۵

۱- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/۳۱۱.

۲- بقاعی برهان الدین (۸۰۹ - ۸۸۵ هـ = ۱۴۰۶ - ۱۴۸۰ م). ابراهیم بن عمر بن حسن الرُّبَاط - بن علی بن ابي بكر البقاعي، أبو الحسن برهان الدین: مؤرخ، مفسر و آدیب. در سال (۸۰۹ هـ) به دنیا آمده است اصلش از بقاع قریه ی در نواحی سوریه بوده و در دمشق سکونت داشته و مدتی به بیت المقدس، قاهره و جاهای دیگر سفر کرده است، یکی از علماء و شیوخ عصرش بوده است و در سال (۸۸۵ هـ) در دمشق وفات کرده است، از او تألیفات زیادی در علوم مختلف بجا مانده است از تصنیفات مشهورش: (عنوان الزمان فی تراجم الشیوخ والأقران) که در چهار مجلد به چاپ رسیده است و (نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور) که در هفت مجلد چاپ شده است. [الإعلام ج ۲/ص ۳۳۳]

۳- بقاعی، ابراهیم بن عمر بن حسن الرباط بن علی بن ابي بكر البقاعي (المتوفی: ۸۸۵ هـ) ط (۱۴۰۸ هـ) مصاعد النظر للإشراف علی مقاصد السور دار النشر: مكتبة المعارف - الرياض الطبعة: الأولى عدد الأجزاء: ۳، ج ۳/ص ۱۴۷.

۴- ابن عاشور، محمد طاهر بن عاشور معروف به ابن عاشور یکی از علماء مشهور تونسسی بوده که تولد تحصیل، تدریس و وفاتش در تونس بوده و ریاست دارالافتای کشور تونس را به عهده داشته و از استادان پیشتاز جامعه زیتونه در تونس بوده است از او تألیف زیادی به جا مانده است که از مشهورترین آن «مقاصد الشرعیه الاسلامیه»، تفسیر التحریر و التتویر، میباشد، الاعلام للزرکلی، ج ۶/ص ۲۹۱.

۵- ابن عاشور، التحریر و التتویر، ج ۲۹/ص ۴۱۹.

فرع سوم- مناسبت در میان اسم سوره و موضوع محوری آن.

طوری‌که قبلاً بیان شد نام این سوره به "المرسلات" توقیفی می‌باشد، و مراد از "مرسلات" ملائکه‌ها و یا بادها می‌باشد و این کلمه که نام این سوره نیز می‌باشد در ابتدای این سوره به اسلوب قسم ذکر شده است و سپس اقسام دیگر "مقسم به" به آن عطف شده است و آنچه که بخاطرش قسم یاد شده است اثبات "بعث، حساب و جزاء" بعد از حیات دنیوی ثبوت زنده‌گی آخروی بوده است، و همچنان نامگذاری این سوره به مقسم به تمهیدی برای حتمی بودن مقسم علیه و تثبیت آن در اذهان می‌باشد آنچنانی که قسم خوردن در میان انسانها برای تأکید و تثبیت خواست شخص قسم‌کننده می‌باشد، و مقسم علیه قیام قیامت و پس از آن حساب و ثواب بوده است یعنی الله متعال میفرماید به حادثی که شما مشاهده می‌کنید قسم است که ختم دنیا، قیام قیامت، بعث و حساب، ثواب و عقاب حتمی می‌باشد، به این ترتیب مقسم به و مقسم علیه که موضوع محوری است با هم مرتبط می‌گردد.^۱

فرع چهارم- مناسبت در میان شروع و ختم سوره.

در ابتدای سوره وقوع قیامت و یقنی بودن موعد آن با قسم تأکید شده است در ختم سوره مکذبین قیامت توبیخ شده است یعنی اینان با وصف تواتر حجت و وضاحت دلایل و شواهد آن چگونه میتوانند وقوع قیامت وزنده شدن پس از مرگ را تکذیب نمایند چنانچه در ختم این سوره فرموده است: (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ).^۲

ترجمه: (اگر به این قرآن که دلائل صدق و نشانه‌های حقانیت آن در تمام آیات و تعبیراتش آشکار است، ایمان نیاورند) پس به کدام سخن دیگر - غیر از قرآن - ایمان می‌آورند؟
و همچنان در اول این سوره آمده است: (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ).^۳
ترجمه: قطعاً چیزی که از آن بیم داده می‌شوید (و قیامت نام دارد) به وقوع می‌پیوندد.

^۱ -بقاعی، ابراهیم بن عمر بن حسن الرباط بن علی بن ابی بکر البقاعی (ت ۸۸۵هـ) ط (۱۴۱۸هـ) نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور: ناشر دارالکتب الاسلامی، ج ۹/ص ۲۹۲. و مجموعة من العلماء التفسیر و علوم القرآن، باشراف الدكتور مصطفى مسلم بجامعة الشارقة، ط (۱۴۳۱هـ) التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، الناشر كلية الدراسات العليا والبحث العلمي، الجامعة الشارقة، ج ۸/ص ۵۳۷.

^۲ -سوره المرسلات آیه: ۵۰.

^۳ -سوره المرسلات آیه: ۷.

این آیت از قرب و وقوع قیامت خبر میدهد و در آیه اختتامی این سوره از کوتاه بودن مدت بهره مندی دنیا خبر داده فرموده است.^۱ : (كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ).^۲

ترجمه : (در این چند روز کوتاه دنیا) کمی بخورید و چندی لذت ببرید (ولی بدانید که عذاب الهی در انتظار شما است ، چرا که) شما گناهکارید.

امام رازی^۳ رحمه الله در مورد ربط مضمون اول سوره و خاتمه آن گفته است : الله متعال بعد از زجر و توبیخ منکرین قیامت وبعث با وجوهات متعدد با حجت و دلایل به تمسک به دین حق حکم کرده است سپس سوره را با اظهار تعجب از منکرین ختم نموده فرموده است.^۴ (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ).

فرع پنجم- مناسبت سوره المرسلات با سوره قبلی.

ربط در میان سوره المرسلات و سوره قبلی (سوره الانسان) از حیث مضمون واضح است چنانچه در سوره "الانسان" از خلقت انسان و وعده در برابر طاعت و وعید در صورت مخالفت ذکر شده است و در سوره "المرسلات" نیز وعده و وعید به عذاب کفار و پاداش مؤمنین بوده است این روش به تکامل سوره های قرآن کریم و تنوع موضوع و اسلوب دلالت میکند.^۵

-در تفسیر فی ظلال القرآن آمده است : حقایق موضوعی در سوره های مکی یکی به دیگری تکرار شده است البته حالات انسانها از حیث موقف اعتقادی در تنوع موضوعی در نظر گرفته شده به اینصورت که در یک سوره یک موضوع با رعایت موقف اعتقادی موجز و مختصر و در سوره دیگری مفصل ذکر شده است ، موضوع وقوع قیامت ، زنده شدن پس از

^۱ -بقاعی ،مساعد النظر، ج۳/ص ۱۴۵. و التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج۸/ص ۵۳۸.

^۲ -سوره المرسلات آیه: ۴۶.

^۳ - رازی محمد بن عمر بن الحسین بن الحسن ، الرازی ، فخر الدین ، أبو عبد الله ، معروف "باین الخطیب" و امام الرازی ، از نسل ابوبکر صدیق رض بوده در سال (۵۴۴هـ) در "ری" به دنیا آمده و به آنجا نسبت شده است البته اصلش از طبرستان بوده است، و در سال (۶۰۶هـ) وفات کرده است، فقهی و اصولی مذهب شافعی ، متکلم ، مناظر ، مفسر و ادیب بوده است، به ما وراء النهر سفر کرده و از این مسیر اخیراً در هرات افغانستان مسکن گزین شده و لقب شیخ الاسلام را به خود گرفته است و در همین شهر مدرسه ی را بنا کرده به تدریس ، موعظه و تصنیف مشغول شده است و یکی از شخصیت های متفرد عصرش در تألیف و تصنیف بوده است از تصانیفات مشهورش (تفسیر کبیر معروف بمفاتیح الغیب، (معالم الأصول) ؛ و (المحصل) در علم اصول فقه میباشد: [طبقات الشافعیة الكبرى ۵ / ۳۳ ؛ والأعلام للزركلي ۲۰۳ / ۷]

^۴ - الرازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین ،التیمی الرازی ،الملقب بفخرالدین الرازی ،خطیب الرءی [ت۶۰۶هـ] مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، طبع (۱۴۲۰هـ) داراحیاء التراث العربی بیروت ، ج۱۶/ص ۲۷۸.

^۵ -التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج۸/ص ۵۳۸.

مرگ، جزاء و پاداش در سوره "الانسان" مختصر و در سوره "المرسلات" مفصل بیان شده است.^۱

-در سوره "الانسان" آمده است: (إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا)^۲.
ترجمه: این (کافران و مشرکان) زندگی زودگذر دنیا را دوست می دارند ، و روز سخت و دشوار آخرت را پس پشت خود می افکنند .

و در سوره "المرسلات" بعد از تأکید و توثیق با ایراد قسم فرموده است: (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ)^۳.
ترجمه: قطعاً چیزی که از آن بیم داده می شوید (و قیامت نام دارد) به وقوع می پیوندد .
« مَا تُوعَدُونَ » : آنچه بدان مژده داده می شوید و بیم می گردید . مراد قیامت و آخرت است .
و سپس در آیات بعدی کیفیت وقوع قیامت که متضمن هول ناکی و شدت نیز میباشد به تفصیل بیان شده است .

و در خاتمه سوره "الانسان" فرموده است: (يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا)^۴ .

ترجمه: خداوند هر کس را بخواهد (مشمول رحمت خود می سازد و) به بهشت خویش داخل می گرداند ، ولی برای ستمکاران عذاب دردناکی را فراهم ساخته است .
یعنی کسانی که راه حق را پیمود با رحمت و رضوان الله نایل میگردند و کسی که راه ظلم و عدوان را پیمود خساره بزرگی را متحمل شده و مستحق عذاب درد آوری خواهد شده . و در آخر سوره المرسلات جزای منکرین و پاداش مؤمنان به تفصیل بیان شده است.^۵

۱ - سید قطب، ابراهیم حسین، الشاربی (ت ۱۳۸۵هـ) ط (۱۴۱۲) تفسیر فی ظلال القرآن هـ الناشر دار الشروق بیروت . ج ۶/ص ۳۷۹۴ .

۲ - سوره انسان آیه: ۲۷ .

۳ - سوره المرسلات آیه: ۷ .

۴ - سوره الانسان آیه: ۳۱ .

۵ - رازی ، التفسیر الکبیر ، ج ۱۶/ص ۲۷۸ ، و التفسیر الموضوعی لسوره القرآن الکریم، ج ۸/ص ۵۳۸ .

بخش دوم-

مقاطع سوره المرسلات

مقطع اول-

بیان شواهد برای وقوع وحقانیت ، وقت و بعض علامات قیامت(از آیه ۱-۱۵)
 (وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱) فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۱۱۲) وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (۳) فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا (۴)
 فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵) عُدْرًا أَوْ نُذْرًا (۶) إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ (۷) فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸) وَإِذَا
 السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹) وَإِذَا الْجِبَالُ سُفِفَتْ (۱۰) وَإِذَا الرَّسُلُ أُنقِذَتْ (۱۱) لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (۱۲) لِيَوْمِ
 الْفَصْلِ (۱۳) وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴) وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۵) .^۱
 موضوع اول- ترجمه آیات و تفسیر موضوعی.

فرع اول- ترجمه آیات این مقطع.

(وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا)

ترجمه : سوگند به آیه هائی که (توسط جبرئیل ، پیاپی بر محمد) فرو فرستاده می شود !
 برای پخش خوبیها و نیکیها .

(فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا)

ترجمه : و سوگند به آیه هائی که (سائر ادیان را) سخت در هم نوردیده و منسوخ می کند(نند).

(وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا)

ترجمه : و سوگند به آیه هائی که (حکمت و هدایت را در دل جهانیان) به گونه گسترده ای
 پخش می کنند !

(فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا)

ترجمه : و سوگند به آیه هائی که (حق و باطل را) کاملاً از هم جدا می سازند !

(فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا)

ترجمه: و سوگند به آیه هائی که یاد (خدا) و پند و اندرز (آسمانی) را (به مردم) می
 رسانند!

^۱ -سوره المرسلات آیه: ۱- ۱۵.

(عُذْرًا أَوْ نُذْرًا)

ترجمه: برای (اتمام حجت با بندگان و رفع) عذر ، و بیم دادن (ایشان از عذاب) .

(إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ)

ترجمه: قطعاً چیزی که از آن بیم داده می شوید (و قیامت نام دارد) به وقوع می پیوندد .

(فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ)

ترجمه: هنگامی که ستارگان محو و تاریک می گردند .

(وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ)

ترجمه: و هنگامی که آسمان شکافته می گردد .

(وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ)

ترجمه: و هنگامی که کوهها برکنده و پراکنده می گردند .

(وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْنِتْ)

ترجمه: و هنگامی که برای پیغمبران تعیین وقت می گردد (تا برای ادای شهادت بر ملت

خود ، حاضر شوند) .

(لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ)

ترجمه: (این کارها) برای چه روزی پس انداخته و در نظر گرفته شده اند ؟

(لِيَوْمِ الْفَصْلِ)

ترجمه: برای روز قضاوت (در میان مردم) و جدائی انداختن (میان حق و باطل ، و

صفوف مؤمنان از صفوف کافران ، و نیکوکاران از بدکاران ، و بالاخره بهشتیان از دوزخیان

.)

(وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ)

ترجمه: تو چه می دانی روز داوری و جدائی چیست ؟

(وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه: در آن روز ، وای به حال تکذیب کنندگان !

فرع دوم- بیان مناسبت در میان آیات افتتاحیه با محور سوره:

از اینکه سوره المرسلات در مورد وقوع قیامت و هول ناکی آن بحث کرده است لذا آیات افتتاحی این سوره با قسم به مخلوقاتی آغاز شده است که با وقوع قیامت در ارتباط میباشند یعنی در ابتدای این سوره به ملائکه و وباد ها قسم یاد شده و سپس حقانیت قیامت، مقسم علیه قرار داده شده است که آیه: (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ) میباشد، زیرا در بر پایی قیامت و همچنان در تنظیم امور محشر ملائکه موظف میباشند، و قیامت با دمیدن سور که از آن باد تند تولید شده نظام هستی را درهم و برهم میکند نیز کار(دمیدن سور) توسط ملک موظف (اسرافیل) انجام میشود، و چنانکه در آیات بعدی این سوره و سوره های دیگری آمده است انسانها توسط گروهی از ملائکه های موظف به محشر سوق داده میشوند، و همچنان در آیات افتتاحیه از فیصله و احضار پیغمبران به حیث شاهد بحث شده است.^۱

موضوع دوم- تفسیر موضوعی، شرح کلمات و ارشادات آیات این مقطع.

فرع اول- تفسیر موضوعی آیات این مقطع.

الله متعال از آیه اول الی هفت به اشیایی از مخلوقات بزرگش قسم یاد کرده است البته این روش در قرآن کریم از طرف الله متعال اغراضی را در پی دارد :

-دلالت بر عظمت خالق و قدرت کامله و علم آن .

-تأکید خبری که بر آن قسم یاد کرده شده است (وقوع قیامت)

-و در تعدد "مقسم به" و اقسام آن زیادت تشویق سامع بر معرفت مقسم علیه میباشد.

-و اینکه در عطف "مقسم به" به یکدیگر از تعدد حروف عطف استفاده شده است اشاره به مختلف بودن جنس موصوف محذوف میباشد مثلا مرسلات و عاصفات میتواند صفت برای باد ها و "ناشرات، فارقات و ملقیات" صفت برای ملائکه باشد.^۲

-در تعدد مقسم به با اوصاف متعدد در شش آیه اشاره به معانی میباشد که جواب قسم را تأیید میکند و در آنها دلیل و حجتی بر مضمون جواب قسم میباشد، که عبارت از وقوع حتمی جزای موعود بها است، زیرا مقصد فرستادن ملائکه با وظایف ذکر شده و جدایی آوردن در میان حق و باطل و القای "ذکر" و نشر آن است، یعنی کتاب آسمانی بمقصد بشارت و انذار مقتضی

^۱ -سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶/ص ۳۷۹۱.

^۲ - أبو السعود العمادی محمد بن محمد بن مصطفی (المتوفی: ۹۸۲هـ) الكتاب: تفسیر أبي السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۹/ص ۷۸.

تکلیف (مکلف ساختن) انسانها به پیروی از اوامری میباشد که بر ایشان فرستاده شده است و این تکلیف بدون وجود روزی که برای بازپرس آن تعیین شده باشد ممکن نمیشود تا اینکه اطاعت کننده ها مکافات و مخالفت کننده مجازات کرده شوند، و آن روز همان روز قیامت است که متضمن معاد (دوباره برگشتن) انسانها نیز میباشد و این همان "مقسم علیه" است که الله متعال برای تحقق آن بر اشیای متعددی از مخلوقاتش قسم یاد کرده و در اخیر فرموده است:

: (إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعٌ)

(وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا) «قسم به فرستادگان پیاپی» ابن کثیر.^۱ رحمه الله می گوید: «که مراد از فرستادگان پیاپی، بادهایی است که چون موی گردن اسب که پشت سر هم بر آن روییده است، پیاپی می آیند».^۲

قرطبی رحمه الله گفته است: «مراد از مرسلات، بادهاست، و این قول عبدالله بن عباس است، و سپس گفته و در قولی از ابوهریره، مقاتل و کلبی رحمهم الله آمده است مراد از "المرسلات" ملائکه میباشد».^۳

- ابن قیم رحمه الله^۴ گفته است: مراد از «مرسلات» فرشتگان فرستاده ای هستند که وحی و امر و نهی پروردگار را بر وجهی نیکو، یا به طور پیاپی می آورند.^۵

- و در یک قولی "المرسلات" آیه ها و سوره های قرآن کریم میباشند یکی که پی دیگری نازل میشوند تا انسانها را به راه هدایت سوق دهند.^۶

۱ - ابن کثیر، محمد بن اسماعیل بن عمر بن کثیر، أبو عبد الله، دمشقي، از علماء شافعي بوده در سال (۷۰۰ - به دنیا آمده و در سال (۷۷۴ هـ) وفات کرده است پدرش حافظ بن کثیر از مفسران و مؤرخان آن وقت بوده است او نیز یکی از مفسرین شهرت یافته، محدث و مؤرخ میباشد ابن حجر رح در مورد او گفته است: «سمع معي بدمشق . ثم رحل إلى القاهرة، فسمع من بعض شيوخنا، وتمهر في هذا الشأن» او با من در دمشق حدیث شنیده و سپس به قاهره سفر کرده و از بعض شیوخ آنجا نیز حدیث شنیده است، او بعد از پدرش به سرزمین ام صالح رفته و از نزد مشایخ آنجا علم آموخته است از تألیفات مشهور او در علم تفسیر (التفسیر القرآن العظيم) مشهور به تفسیر ابن کثیر میباشد. [شذرات الذهب / ۶ / ۳۵]

۲ - ابن کثیر (اسماعیل بن کثیر القرشي) تفسیر القرآن العظيم، مکتبه دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ هـ.، ج ۱۷ / ص ۱۶۰.

۳ - قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۹ / ص ۹۳۸.

۴ - ابن قیم، محمد بن ابي بكر بن أيوب بن سعد الزُّرْعِي، شمس الدين، أبو عبد الله، الدمشقي، الحنبلي، معروف به ابن قيم الجوزية این نسبت به خاطری آن است که پدرش سرپرست یکی از مدارس دینی دمشق به نام مدرسه جوزیه بوده و او به همین نام مشهور گردید او در علم تفسیر حدیث، فقه، اصول فقه و علم لغت شهرت داشت و از شاگردان ارشد ابن تیمیه رحمه الله بوده است او از نظریات ابن تیمیه عدول نمیکرد کتابها و افکار علمی و عقیدتی او را به نشر میسپرد از تصنیفاتش: «إعلام الموقعين عن رب العالمين» و « زاد المعاد في هدي خير العباد» و « الطرق الحکمية في السياسة الشرعية»، و « شفاء العليل في مسائل القضاء القدر والحكمة والتعليل» و « مفتاح السعادة»، و « التبيان في أقسام القرآن» میباشند: [شذرات الذهب / ۶ / ۱۶۸، و معجم المؤلفين / ۹ / ۱۰۶]

۵ - ابن جوزي، تفسیر زاد المسیر، ج ۶ / ص ۱۰۱.

۶ - أبو زيد عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف الثعالبي (المتوفى: ۸۷۵ هـ) ط (۱۴۱۸ هـ) تفسیر الثعالبي (الجواهر الحسان في تفسیر القرآن) المحقق: الشيخ محمد علي معوض والشيخ عادل أحمد عبد الموجود الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة: الأولى.، ج ۴ / ص ۱۹۰.

سعید حوی ،^۱ نویسنده تفسیر «الأساس» گفته است: «قول راجح این است که از پنج سوگند یاد شده در اینجا، فقط سوگند دوم یعنی (فالعاصفات) به بادهای تعلق دارد و سوگندهای دیگر مربوط به فرشتگان است». به قولی دیگر: سه سوگند اول به بادهای و سوگند چهارم و پنجم به فرشتگان تعلق دارد. در اینصورت وجه مناسبت میان بادهای و فرشتگان ، لطافت و سرعت حرکت آنهاست.^۲

پس الله متعال به ملائک که یکی بعد دیگری به غرض تحقق امرش فرستاده است قسم یاد کرده است آنها در تحقق امر الله متعال مثل بادهای سریع و چابک هستند و یا اینکه آنها به "عرف" یعنی انجام کارهای خیر و نیکو فرستاده شده اند و کلمه "عرف" بعد از "المرسلات" خلاف "نکر" بوده (الله آنها را برای تحقق بخشیدن احسان و امور معروف فرستاده است) اگر آن ملائک به خاطر تحقق رحمت الهی فرستاده شده اند پس معنای احسان واضح است و اگر بخاطر تحقق عذاب الهی فرستاده شده اند در اینصورت اگرچه امر عذاب برای کفار معروف نیست اما نسبت به انبیا و مؤمنان معروف میباشد چون الله متعال بخاطر ایشان از دشمنان شان انتقام گرفته است.^۳

(وَالنَّاسِرَاتِ نَشْرًا) الله متعال به ملائک در حالت باز وبسته کردن بال های شان بخاطر امتثال امرش قسم یاد کرده است و یا مراد از "نشر" پراکنده کردن علم در کناره های زمین است که مراد از آن وحی کتاب های آسمانی و قرآن کریم است ، الله به فرشته گان دستور داده است که در میان حق و باطل جدایی بیاورند، و بر پیغمبران آیات پند و نصیحت را فرود آورند که برای حق پرستان پند و نصیحت، و برای باطل پرستان انذار بوده و یا اینکه الله متعال به باد های فرستاده شده برای آوردن رحمت (باران) و باد های "عاصفه" یعنی تند و سرکش که

۱- سعید بن محمد دیب بن محمود حوی النعمی: در شهر بنام "حمات" در نواحی سوریه در ۲۸- ماه جمادی الآخر سال (۱۳۵۴هـ ق) به دنیا آمده و در سال (۱۴۰۹هـ) وفات کرده است، در دوساله گی مادرش وفات کرده و سرپرستی او را مادر کلانش بعهده داشته است او دوره طفولیت را به دشواری سپری کرده تعلیمات ابتدایی را در مدرسه ثانوی ابن رشد به پایان رسانیده و سپس جهت تحصیلات عالی در سال (۱۳۷۶هـ) شامل جامعه دمشق گردیده و در کلیه شرعیه این جامعه شرف شاگردی مصطفی زرقاء الشیخ محمد الحامد، و الشیخ محمد الهاشمی، و الشیخ عبد الوهاب دبس، و الشیخ عبد الکریم الرفاعی. را حاصل نموده است و در سال (۱۳۸۱هـ) از این جامعه فراغت حاصل کرده و پس از مدتی به عربستان سعودی رفته و مدتی پنج سال را در آنجا بحیث مدرس لغت عربی سپری کرده و سپس به سوریه برگشته و به تدریس و تألیف مصروف بوده است از تصنیفات مشهور او:

- الأساس في التفسیر که در ۱۱ مجلد به چاپ رسیده است.
- الأساس في السنة و فقهها، که در ۱۴ مجلد. به چاپ رسیده است. مکتبه الکترونیکی الشامله و رساله ماجستير، جامعة بغداد بعنوان «سعید حوی و منهجه في التفسیر» - الباحث سعدي الزيدان، ص ۱۲.

۲- سعید حوی (المتوفی ۱۴۰۹هـ) ط (۱۴۲۴هـ) الأساس في التفسیر الناشر: دار السلام - القاهرة الطبعة: السادسة، ج ۱/ص ۶۳۱۵.

۳- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۸/ص ۵۴۰.

پیام آور عذاب باشند و باد هایکه جمع کننده ابرها و متفرق کننده آنها هستند که بر وفق تقدیر الهی باران رحمت را بر زمین مرده منتشر کنند تا اینکه نباتات گوناگون در آن برویند، قسم یاد کرده است، زیرا همین وظیفه ملائک با به کارگیری بادها است چنانچه الله متعال در آیه فرموده است: (وَاللّٰهُ الَّذِيۡ اَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثْبِرُۙ سَحَابًاۙ فَسُقٰنٰهُۙ اِلٰىۙ بَلَدٍۙ مَّيِّتٍۙ فَاُحْيِيۡنٰۙاۙ بِهٖۙ الْاَرْضَۙ بَعْدَۙ مَوْتِهَاۙ كَذٰلِكَۙ النُّشُوْرُۙ) ^۱.

ترجمه: خدا کسی است که بادهای را روان می‌دارد، و بادهای ابرها را برمی‌انگیزند، و ما ابرها را به سوی سرزمینهای موات می‌رانیم و آن سرزمینهای موات را دارای حیات می‌گردانیم. زنده گرداندن (مردگان در گورها برای حساب و کتاب) نیز به همین منوال است.

بنا بر این در آیه سوره المرسلات (فَالْمُلْكِيَّاتِ ذِكْرًا) معنای القای ذکر این است که بادها سبب پند و نصیحت حاصل کردن است زیرا وقتی که انسان عاقل وزیدن بادها و آثار آن را مشاهده کند الله را بیاد آورده به کمال قدرت و رحمتش سر تسلیم خم میکند چنانکه الله متعال فرموده است: (وَهُوَ الَّذِيۡ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَۙ بُشْرًاۙ بَيْنَۙ يَدَيْۙ رَحْمَتِهٖۙ حَتّٰىۙ اِذَاۙ اَقْلَمَتِۙ سَحَابًاۙ ثِقَالًاۙ سُقٰنٰهُۙ لِبَلَدٍۙ مَّيِّتٍۙ فَاَنْزَلْنَاۙ بِهٖۙ الْمَآءَۙ فَاُخْرِجْنَاۙ بِهٖۙ مِنْۢ كُلِّۙ النَّمْرٰتِۙ كَذٰلِكَۙ نُخْرِجُۙ الْمَوْتٰىۙ لَعَلَّكُمْۙ تَذَكَّرُوْنَ) ^۲.

ترجمه: او کسی است که بادهای را به عنوان مژده رسانهای رحمت خود پیشاپیش می‌فرستد (تا مردمان را به باریدن باران که مایه حیات و بیانگر لطف یزدان است مژده دهند). هنگامی که بادهای ابرهای سنگین (و پر آب را بر دوش خود) برداشتند، آنها را به خاطر (آبیاری) زمینی (بی جنب و جوش و خشکیده همچون) مرده می‌رانیم و آب را در آنجا می‌بارانیم و با آن هر نوع میوه و محصولی را (از خاک تیره) پدید می‌آوریم. و همان گونه (که زمین مرده را پر جنب و جوش و زنده می‌کنیم) مردگان را (نیز از دل خاک) بیرون می‌آوریم (و زندگی دوباره می‌بخشیم). درباره این امثال که بیانگر نمونه معاد در این دنیا است بیندیشید (تا شما متذکر شوید و عبرت بگیرید).

^۱-سوره فاطر آیه: ۹.

^۲-سوره الاعراف آیه: ۵۷.

و نیز فرموده است: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)^۱.

ترجمه: از جمله نشانه های (دال بر قدرت) خدا این است که خداوند بادهای را به عنوان مژده رسان (به نعمتهای گوناگون، همچون نزول باران و تلقیح گیاهان و تکان دادن آبهای فراوان و تغییر هوا و غیره) می فرستد و تا شما را از رحمت خود بچشاند. کشتیها هم با اراده و اجازه او به حرکت درآیند، و شما نیز از لطف و فضل الهی برخوردار گردید و (خدا را) سپاسگزار باشید.

و در آیه ی فرموده است: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لُمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)^۲.

ترجمه: و از نشانه های (قدرت) خدا این است که تو زمین را خشک و برهوت می بینی، اما هنگامی که (قطره های حیات بخش) آب بر آن فرو می فرستیم، به جنبش درمی آید و آماسیده می گردد (و بعدها به صورت گل و گیاه و سبزه موج می زند). آن کس که این زمین خشک و برهوت را زنده می کند، هم او مردگان را نیز (در قیامت) زنده می گرداند. چرا که او بر هر چیزی توانا است.

میتواند مراد از "الملقیات" ملائکه باشد که وحی الهی را بر پیغمبران علیهم السلام میآورند که برای حق پرستان "عذر" و برای باطل پرستان "انذار" بوده باشد.^۳

(إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ) این آیت جواب قسم است و مناسبت در میان "مقسم به و مقسم علیه" آن است که الله متعال به ملائکه و یا بادها قسم یاد کرده است که هر دوی آن از مخلوقات بزرگ الله متعال و از دلایل قدرت و آثار رحمتش میباشند که ملائکه تابع امر او تعالی و بادها تابع قدرت و حکمت الله جلت عظمته میباشند پس در تابعیت این دو مخلوق دلیلی بر امکانیت زنده شدن پس از مرگ و فیصله در میان مخلوقاتش میباشند، و "مقسم علیه" که بر پایی قیامت است، کفار از آن انکار کرده اند پس الله متعال به غرض اثبات قدرتش به اشیایی از مخلوقاتش قسم یاد کرده است، بادهای پیهم به امر الله متعال ابرها را از یک جا به جای دیگر انتقال

۱ - سوره روم آیه: ۴۶.

۲ - سوره حم فصلت آیه: ۳۹.

۳ - مجموعه من العلماء، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۸/ص ۵۴۲.

میدهند و ریزش باران را سبب میشود که بواسطه آن الله زمین مرده را زنده میکند که این خود دلیل قدرت بر بعث و حساب است و همچنان "العاصفات" که باد های تند را گفته میشود گاهی به عذاب الهی تبدیل شده حتی درخت ها را از جایش میکند و طوفان ها را سبب میشود و خانه ها را ویران میکند که انسانها توان جلوگیری از آن را ندارند که این خود دلیلی بر قدرت خالق آن است.^۱

وسپس الله سبحان نشانه های این رخداد حتمی الوقوع را این گونه روشن می سازد:
(فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ) یعنی: نور و روشنی آنها محو گردد، وقوع حادثه قیامت نظام جهان هستی را شما در آن بسر میبرید در هم و برهم میسازد ، و آسمان شگفته و پاره پاره میگردد، (وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ) یعنی ، آسمان شگافته شود یا تکه و پارچه شود.

این تغییر و تحول در نظام هستی دنیوی هول ناکی چنین روزی را ثابت مینماید که در سوره های بسیاری از قرآن کریم در هم و برهم شدن نظام آسمان و زمین دنیا بیان شده است چنانچه الله متعال در سوره طه فرموده است: (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا، فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ، لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا).^۲

ترجمه: (ای پیغمبر ! حال که از قیامت صحبت کرده ای ، منکران رستاخیز) از تو درباره کوهها می پرسند (و می گویند : کوههایی بدین عظمت - که به عقیده ایشان قابل تزلزل نیست - به هنگام پایان گرفتن جهان چه سرنوشتی خواهند داشت ؟) . بگو : پروردگارم آنها را از جا می کند و (در هوا) پراکنده می دارد (و برباد می دهد) .

سپس زمین را به صورت فلات صاف و هموار و بی آب و گیاه رها می سازد . در آن هیچ گونه پستی و بلندی نمی بینی (انگار قبلاً آباد نبوده است و خانه و کاشانه و فراز و نشیبی نداشته است) .

(وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْنِتَتْ) یعنی ، به منظور داور و فیصله نهایی میان ایشان و امتهایشان «میعادی تعیین کرده شود» تا اینکه پیغمبران بمنظور شهادت بر امتان شان که این حقایق را به ایشان

^۱ - شنقیطی، محمد الامین بن محمد المختار بن عبد القادر الجکني الشنقيطي (المتوفى : ۱۳۹۳هـ) ط(۱۴۱۵هـ) أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن الناشر : دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع بيروت - لبنان، ج/۸، ص/۶۸۷ .

^۲ - سوره طه آیه: ۱۰۵-۱۰۷ .

بیان کرده اند حاضر شوند. یعنی: در آن هنگام همه ی آنچه که وعده داده شده اید وقوع آن حتمی است.^۱

(لَا يَوْمٌ أَجَلْتُمْ) و سپس الله متعال سوالی را مطرح مینماید و میفرماید: «برای چه روزی تعیین وقت شده است» تا پیامبران گواهی شان در مورد امت هایشان را برپا دارند؟ یعنی اگر چنین سوالی از طرف تکذیب کننده گان پیغمبران مطرح شود در جواب باید گفت: (لِيَوْمِ الْفَصْلِ) «برای روز فصل» که در آن میان مردم بر مبنای اعمالشان داوری و فیصله نهایی صادر می شود سپس به سوی بهشت یا دوزخ پراکنده می شوند. آنگاه حق و باطل آشکار گردیده و صف مؤمنان و کافران از هم جدا ساخته میشود.^۲

آن گاه حق تعالی برای افکندن تعجب در مورد هولناک بودن روز قیامت این سؤال را به پیغمبرش مطرح می کند و میفرماید: «و تو چه دانی که روز فصل چیست؟» یعنی: آن روز، روز وقوع رخداد هولناک و عظیمی است که وصف و مقدار هول و هراس آن در تصور بشر نمی گنجد لذا پاسخ این سؤال در درون آن نهفته است یعنی زمانی که این منظر را مشاهده نمائید خواهید دانست که آن روز چقدر روز سخت و دشواری خواهد بود، چنانچه الله متعال در سوره حج در مورد شدت و وحشت موقع وقوع قیامت فرموده است: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ، يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ).^۳

ترجمه: ای مردم! از (عقاب و عذاب) پروردگارتان بترسید (و به یاد روز قیامت باشید) . واقعاً زلزله (انفجار جهان و فرو تپیدن ارکان آن، در آستانه) هنگامه رستاخیز، چیز بزرگی (و حادثه هراس انگیزی) است. روزی که زلزله رستاخیز را می بینید (آن چنان هول و هراس سرتا پای مردمان را فرا می گیرد که حتی) همه زنان شیردهی که پستان به دهان طفل شیرخوار خود نهاده اند، کودک خود را رها و فراموش می کنند. و جملگی زنان باردار (از خوف این صحنه بیمناک) سقط جنین می نمایند، و (تو ای بیننده!) مردمان را مست می بینی، ولی مست نیستند و بلکه عذاب خدا سخت (وحشتناک و هراس انگیز) است

^۱ - ابن عاشور، التحریر و التتویر، ج ۴/۱ ص ۴۲۷.

^۲ - مجموعة من العلماء، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۸/ص ۵۴۲.

^۳ - سوره حج آیه: ۱-۲.

(که توازن ایشان را به هم زده است و لذا آنان را آشفته و خراب ، با چشمان از حدقه به در آمده و با گامهای افتان و خیزان ، و با وضع بی سر و سامان و حال پریشان می بینی) .
 «وای در آن روز» هولناک «بر تکذیب کنندگان» ویل در این آیت بمعنای وادی در جهنم نبوده بلکه، تهدید به نابودی و هلاکت است.^۱

فرع دوم- شرح کلمات و مصطلحات آیات این مقطع.

{ والمرسلات عرفا } : مرسلات صفت که موصوف آن بنا به تفاسیری که قبلا تذکر گردید ملائکه ها و یا باد ها بوده است و "عرف" این ماده در لغت به معنای زیادی اطلاق شده است که یکی از معنای آن پیهم و ته در ته بوده و به همین معنا در "یال" (موهای) گردن اسپ ها اطلاق شده است ، که همین معنا (پیهم متتابع) و معنای مقصودی در این آیت است و اگر مرسلات صفت باد ها قرار داده شود عرف بمعنای نرم و پیهم میباشد.^۲

{ فالعاصفات عصفا } : عصف بمعنای شدت و غلظت بوده و قتیکه صفت باد قرار داده شود بمعنای باد شدید و مضر میباشد.

{ والناشرات نشرا } : نشر بمعنی پراکنده شدن و پراکندن یعنی لازم و متعدی هر دو آمده است (اقراب) عرف بمعنی پی در پی است بنظر میاید مراد از دو آیه اول بادهائی است که از اقیانوسها و دریاها در اثر اختلاف حرارت هوا سرچشمه گرفته و پی در پی بطرف قاره ها روان میشوند و آنگاه شدت یافته و بصورت طوفان عاصفات یعنی شکننده در میایند و مراد از آیه سوم و چهارم بادهائی است که از قطبین میایند و سرد و بارطوبت اند و در کنار دریاها و قاره ها با بادهای گرم ملاقات میکنند و بهم میآمیزند (و ظاهرا مراد از ناشرات پراکنده

^۱ - شنیطی، اضواء البیان، ج ۸/ص ۶۸۸.

^۲ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۹/ص ۲۳۶.

شونده هاست) و آنها بادهای دیگر را از هم جدا میکنند و قسمت شهرها و بیابانها را از نفع و خسارت بمحل خود میرسانند.^۱

{ فالملقیات ذکرا } : صفت برای ملائکه میباشد "القا" بمعنای جا بجا کردن یک شیئی در جای معین نسبت آن به ملائکه بمعنای آوردن وحی میباشد، پس ذکر بمعنای وحی است (ملائکه وحی را به انبیا القا میکند)

اینها همه "مقسم علیه" میباشند، لازم است در میان هر قسم و آنچه که به قسم یاد میشود مناسبت وجود داشته باشد، مقسم به در این آیات اشیایی از مخلوقات الله متعال است و آنچه که برای اثبات و تحقق آن قسم یاد شده است وقوع قیامت میباشد، و الله متعال برای اثبات یک امر مهم به غرض ثبوت و اقعیت آن نسبت به انسانها قسم یاد میکند در حالیکه ثبوت قدرت الله متعال به تأکید به قسم نیاز ندارد و اما اینکه الله متعال به مخلوقتش قسم یاد کرده است زیرا الله به هر چه از مخلوقاتش که خاسته باشد به غرض تأکید امرش قسم یاد میکند، و اگر دقت کنیم در میابیم که مقسم علیه "قیامت" است و انسانها وقوع آن را تکذیب میکردند، پس الله متعال به اشیایی با عظمتی از مخلوقاتش قسم یاد کرده است تا اینکه قدرتتش را در برپا ساختن قیامت ثابت نماید، زیرا بادها تراکم ابرها را سبب میشوند که در نتیجه آن باران سرازیر میشود و زمین بعد مرده بودنش زنده میشود، که این امر از توان انسانها خارج است و این خود از دلایل قدرت الله متعال بر "بعث" (زنده کردن پس از مرگ) میباشد و همچنان در صورتیکه بادها از نوع "عاصفات" (تند و شدید) باشند عذاب را سبب میشود، که درختها را میکند و خانهها را منهدم مینماید و طوفانهای سیل آسا را باعث میشود، که جلوگیری آن از توان انسانها خارج است که این خود دلیلی بر قدرت الله متعال بر زنده کردن پس از مرگ میباشد.^۲

{ عذرا أو نذرا } : عذرا مصدر بمعنای شکوه و حجت مانع شونده معنای آن در آیت قطع شکوه و حجت مانع شونده میباشد و "نذراً" مصدر بمعنای اعلان مقارن با تهدید است. وحی آسمانی نسبت به متبعین "عُذْر" یعنی حجت مانع شونده از عذاب و نسبت به منکرین "نُذْر" یعنی تهدیدی بر عذاب است.^۳

۱ - قاموس قرآنی، ج ۱/ص ۸۲۴.

۲ - شنیطی، اضواء البیان، ج ۹/ص ۲۶.

۳ - مرجع قبلی، اضواء البیان، ج ۹/ص ۲۷.

{ إنما توعدون لواقع } : "توعدون" وعده عبارت از اطلاع امر بزرگ (وقوع قیامت ، بعث ، نشر ، حساب ، جزا و مکافات) است که از طرف الله متعال توسط پیغمبرانش برای مردم ابلاغ شده است "لواقع" لام برای تأکید است و وقوع یک شیئی بمعنای تحقق و حتمی بودن آن است یعنی ای کفار مکه و امثال شما در تمام زمانه ها که از وقوع قیامت و بعث انکار کرده اید لامحاله این امر واقع شدنی است.^۱

"طُمِسَتْ" طمس بمعنای تغییر حالت و الطّمس: از بین بردن و محو کردن اثر است. نسبت آن به ستاره ها در حین وقوع قیامت محو شدن نور و از بین رفتن آنها است یعنی این نظام نجومی دیگر باقی نمی ماند.^۲

"فُرِجَتْ" الفرجه الشقه ، فرجه در یک شیئی بمعنای ایجاد سوراخ و تغییر اصل آن است و یا "فرجه" بمعنای شق و تکه شدن یک چیز سالم است یعنی آسمان که شما به حالت منظم وبدون نقض میبینید به این وضعیت باقی نمی ماند بلکه شکافته شده و از هم میپاشد، { وإذا الجبال سیرت } : سیر بمعنای حرکت و انتقال است و به صیغه مجهول (سُيِّرَتْ) یعنی در روز وقوع قیامت کوهها که سبب استقرار زمین است از جای برکنده و حرکت داده میشود، تکان میخورد و از هم جدا و پراکنده میشود، که مقصد آن از بین رفتن نظام ارضی دنیا میباشد.^۳

"أُفَّتَتْ" از وقت بمعنای زمان میباشد و این امر به پیغمبران نسبت شده است یعنی پیغمبران پیام حقانیت قیامت و دین برحق را به شما ابلاغ کردند، بعد از وقوع قیامت زمانی تعیین میشود که در آن ابتداء پیغمبران به غرض شهادت بر ابلاغ شان خواسته میشوند.

(لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ؟) تأجیل بمعنای مهلت در انجام یک عمل و به تأخیر انداختن آن است گویا اینکه سوالی مطرح میشود که برای چه دلیلی شهادت پیغمبران بر امت هایشان به تأخیر انداخته شده است؟ در جواب گفته شده است" (لِيَوْمِ الْفَصْلِ) فصل بمعنای فیصله و قضاوت برای تطبیق حکم است در این فرموده الله متعال علت "تأجیل" بیان شده است یعنی دلیل

^۱ - وهبه الزحیلی ، تفسیر المنیر ، ج ۲۹ ، ص : ۳۱۴

^۲ - اصفهانی ، مفردات الفاظ القرآن ، ج ۱/ص ۱۳۷۰.

^۳ - جزایری ، جابرین موسی بن عبدالقادرین جابر ، ابوبکر ، الجزایری (ط ۱۴۲۴) ایسر التفاسیر طبع مکتبه العلوم والحکم المدینه المنوره المملكة العربية السعودية. ج ۴/ص ۳۴۸.

"تأجیل" به شهادت خواستن پیغمبران این است که در میان انسانها طبق اعمال شان فیصله شود ، منکرین جزای خود را ببینند و مؤمنان پاداش خود را بدست آورند.^۱

(وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ) این سوال برای بیان هول ناکی و عظمت قیامت است یعنی چگونه حقیقت قیامت را میدانند در حالیکه مثل آن را ندیده اند، لذا بعد از این جمله فرمود: (وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) کلمه ویل در آیه های زیاد قرآن کریم استعمال شده است که مفسرین این کلمه را به معانی چون ، عذاب ، خزی (رسوایی) هلاکت و نام مقامی در جهنم حمل نموده اند و در این آیت "ویل" بمعنای عذاب رسوا کننده بوده و مقصد از آن تهدید و وعید برای منکرین قیامت است.^۲

فروع سوم- بیان ارشادات مستفاد از آیات این مقطع.

۱- از روش اختیار شده در آیات این مقطع برای اثبات قیامت اسلوب تنوع در استدلال دانسته میشود، هرگاه اثبات یک امر مهم در نظر باشد باید از اسلوب های مختلف استفاده کرده شود، چنانکه الله متعال فرموده است: (وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا)^۳.

ترجمه : همچنین قرآن را به زبان عربی فرو فرستادیم و در آن بیم دادن و ترساندن را (به شیوه های گوناگون) بازگو کردیم ، تا این که (مردمان از کفر و معاصی) بپرهیزند ، یا باعث یادآوری و بیداری (و مایه پند و عبرت) ایشان شود .

۲- وجود تناسب در میان مقسم به و مقسم علیه (چیزی که به آن قسم یاد شده است و چیزی که برای آن قسم یاد شده است) از اساسات عام روش اثبات یک امر با قسم بوده که در قرآن کریم این اسلوب رعایت شده است.

۳- با قسم یاد کردن به ملائکه الله متعال ما را متوجه ساخته است که ملائکه از مخلوقات عجیب و با عظمتی است که خلقت آنها دلیل قدرت الله متعال و فرمان بردن آنها از اوامر الهی حجت قانع کننده برای انسانها میباشد.

۱- وهبه الزحیلی ، تفسیر المنیر ، ج ۲۹ ، ص : ۳۱۴ .

۲- شنفیطی، اضواء البیان، ج ۹/ص ۲۷. وهبه الزحیلی ، تفسیر المنیر ، ج ۲۹ ، ص : ۳۱۵ .

۳- سوره طه آیه : ۱۱۳ .

۴- بادها یکی از نعمت های الله متعال است که آثار این نعمت محسوس و قابل درک برای انسانها است که بر کمال قدرت و حسن تدبیر الله متعال دلالت میکند.

۵- ایجاز در عبارت، دقت در تعبیر و زیبایی در رانش کلام از هدایات شیوه تعبیر در آیات این مقطع میباشد.^۱

۶- الله متعال در قسم یاد کردن در میان دو مخلوقش یعنی ملائکه و بادها جمع نموده است دلیل آن سرعت حرکت در امتثال اوامر در جانب ملائکه و لطافت و سرعت در جانب بادها در انتظام رحمت الهی (باران) میباشد.

۷- مقصود از قسم یاد کردن از طرف الله متعال آگاهی بخشیدن بر عظمت شأن مقسم به و تأکید مقسم علیه میباشد.

۸- بادها از لحاظ تأثیر گذاری مسبب و پیام آور خیر و شر هر دو بوده میتوانند بادهای که پیام آور خیر باشد ابر و باران را انتظام میکنند و باد هایکه پیام آور شر باشند طوفانها را سبب میشوند، لذا الله متعال در آیات این مقطع بادها را به دو وصف (الناشرات و العاصفات) ذکر کرده است.

۹- شرف و برتری ملائکه از چند لحاظ ظاهر است:

- از جهت اهتمام و مواظبت بر اطاعت اوامر الله متعال.

- از جهت تنوع گروها در توظیف مأموریتها، برخی موظف به آوردن وحی بر انبیاء، و برخی موظف نوشتن اعمال انسانها در شب و روز، و برخی موظف بر قبض ارواح، و برخی موظف در نزول باران و تهیه ارزاق و...^۲

۱۰- بیان نشانه ها برای تحقق قیام قیامت مثل از بین رفتن نور ستاره، شکافتن آسمان، از بین رفتن کوهها، انهدام پستیها و بلندیهای زمین، زنده شدن همه ی انسانها و خواستن پیغمبران برای شهادت بر امت هایشان که اینهمه مقدمات روز قیامت و زنده گانی جاویدانی آخرت میباشد.

^۱ - التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۸/ص ۵۴۳.

^۲ - رازی جامع البیان: ج ۳۰/ص ۲۶۵.

۱۱ - الله متعال برای جمع نمودن پیغمبران میعاد تعیین نموده است و آن روز را یوم الفصل نامیده است که در آن روز الله متعال در میان مردمان با اعمال میبایشد که اهل جنت و جهنم مشخص میشود.

۱۲ - در این فرموده های الله متعال بزرگی و هول ناکی قیام قیامت بیان شده است : (لَا يَوْمٍ أَجَلْتُمْ لِيَوْمِ الْفَصْلِ وَقَوْلُهُ : وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ؟ وَقَوْلُهُ : وَيَوْمَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

۱۳ - وعده عذاب سخت برای کسانی که وحدانیت الله متعال، صداقت پیغمبران، کتابهای آسمانی و روز جزا را تکذیب نمایند.^۱

مقطع دوم-

تخويف كفار به هلاکت مکذبین در امم سابقه (از آیه ۱۶-۱۹)

(أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ) ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ (كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ) (وَيَوْمَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) .^۲

موضوع اول- ترجمه آیات و بیان مناسبات.

فرع اول- ترجمه آیات.

(أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ)

آیا ما پیشینیان (تکذیب کننده) را نابود نساخته ایم ؟.

(ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ)

ترجمه : سپس پسینیان را به دنبالشان روانه نکرده ایم ؟ .

(كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ)

۱ - وهبه الزحیلی ، تفسیر المنیر ج ۲۹ ، ص : ۳۱۷ .

۲ -سوره المرسلات آیه: ۱۶-۱۹ .

ترجمه : ما با گناهکاران چنین رفتار می کنیم . « كَذَلِكَ نَفْعَلُ . . . » : این آیه ، در حقیقت بیانگر این واقعیت است که عذابهای الهی دامنگیر آیندگان بزهار ، همسان گذشتگان گناهکار می گردد.

(وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه : در آن روز ، وای به حال تکذیب کنندگان ! «يَوْمَئِذٍ» : مراد روز رستاخیز است و تکرار برای تأکید مطلب میباشد .

فرع دوم- بیان مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی و محور سوره.

أ-مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی:

در آیات مقطع قبلی الله متعال حقیقت بعث(زنده شدن) پس از مرگ و قطعی بودن وقوع آن را بیان نموده و با قسم مؤکد ساخت پس در آیات این مقطع بصورت استفهام از هلاکت گذشته گان و در پی آمدن وضعیت آنان به موجودین خبر داده است (آنچنانی که گذشته گان شما هلاک شدند) که شما از این حقیقت تلخ انکار کرده نمیتوانید روزی شما نیز هلاک کرده میشوید و ذاتیکه قادر به خلقت اولی شما هست قطعا قادر به خلقت بار دوم شما نیز میباشد.^۱

و یا اینکه الله متعال در آیات قبل به بعض آیات کونی برای اثبات یوم الفصل(روز فیصله و باز پرس) قسم یاد کرد و فرمود: { إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ } بیقین آنچه که وعده داده شده اید واقع شونده است، و سپس برخی از احوال(هول ناکی و شدت) وقوع آن روز را بیان نموده فرمود: (فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸) وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹) وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ) یعنی در آن روز ستاره ها ورشکسته شده فرو میریزد و نور و روشنایی خود را از دست میدهد و آسمان که شما در زیر سقف آن زندگی میکنید سوراخ و پارچه میشود و کوها که سبب استقرار زمین است برکنده شده و نابود میشود، یعنی الله مخلوقاتش را آنچنانی که خلق کرده است فنا و نابود کرده میتواند، و سپس در آیات این مقطع بر تحذیر و تخویف کفار و منکرین پرداخته فرموده است: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ) (۱۶) (ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ) یعنی آیا نمی بینید که الله منکرین قبل از شما را چگونه

^۱-مجموعه من العلماء ، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ، ج ۸/ص ۴۳۲ .

هلاک کرده است و به تعقیب آنها منکرین دیگری را نیز هلاک کرده است پس چه چیزی شما را به تکذیب بعث (زنده شدن پس از مرگ) و روز فیصله و باز پرس واداشته است.^۱

ب-مناسبت آیات این مقطع با محور سوره:

محور سوره که عبارت از بحث از احوال قیامت و زنده شدن پس از مرگ است در آیات این مقطع از هلاکت مکذبین قیامت خبر داده شده است.

در آیه های مقطع اول الله متعال بر وقوع وضعیت که بر مکذبین از عذاب روز قیامت قسم یاد کرد و سپس زمان وقوع و علامات آن را تذکر نمود و همچنان یاد آور شد که آن روز، روز فیصله و باز پرس از منکرین است که در آن موقع پیغمبران نیز حاضر کرده میشوند و از ظالمان انتقام گرفته میشود و برای نیکوکاران پاداش عمل نیک و برای بدکاران جزای عمل زشت شان داده خواهد شده و به تعقیب آن و عیدی برای مکذبین ذکر کرد و فرمود: (أَلَمْ نُهَكَ الْأُولَئِينَ) یعنی از منکرین در دنیا انتقام گرفته ایم و سپس فرمود: (كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ) و بعدا فرمود: (وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) در آن روز، وای به حال تکذیب کنندگان! که مراد از "یومئذ" روز قیامت است یعنی وقوع روز قیامت برای جزا و پاداش حتمی است، و همچنان قدرت الله متعال بر مواخذه منکرین در دنیا اساس قدرت او تعالی بر زنده کردن مرده ها و حتمی بودن جزای مجرمان و پاداش مؤمنان خواهد بود.^۲

در آیات این مقطع از هلاکت امت ها به اثر تکذیب پیغمبران و انکار از حق به عذاب الهی و درگذشت ملیارد ها انسان در قرون گذشته اطلاع داده شده است که این امر دلیلی بر تثبیت عقیده به "بعث" (زنده شدن پس از مرگ) و حتمی بودن روزی برای جزا و پاداش است.

موضوع دوم-تفسیر موضوعی، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع.

فرع اول-تفسیر موضوعی آیات این مقطع.

«مگر پیشینیان را هلاک نکردیم؟» یعنی: آیا کفار امتهای گذشته چون اقوام نوح، عاد، ثمود و دیگران را از زمان آدم - علیه السلام - تا کفار ستیزه جوی زمان محمد ص با عذاب دنیا هلاک نکردیم؛ آن گاه که پیامبرانشان را تکذیب کردند؟

^۱-بقاعی، نظم الدرر فی تناسق الآی و السور، ج ۹/ص ۲۹۴.

^۲-مجموعه من العلماء التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۸/ص

الله متعال در این آیات از وضعیت کفار در امم گذشته خبر داده فرمود (أَلَمْ نُهَلِكِ الْأُولِينَ) مراد از اولین از آغاز آبادی زمین توسط آدم علیه السلام تا آخرین پیامبران (محمد ﷺ) میباشد مقاتل رحمه الله در مورد نوعیت هلاکت و چگونگی آن فرموده است: بالعذاب في الدنيا حين كذبوا رسلهم» یعنی آن گاه که آنان در دنیا پیغمبران مبعوث شده بسوی ایشان را تکذیب کردند به عذاب دنیوی هلاک و نابود شان کردیم.^۱

(ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْأَخْرِينَ) و مراد از آخرین کفار مکه و کسانی اند که در کفر و تکذیب با آنها موافق بوده اند البته این جمله عطف به ماقبل نبوده و جمله مستأنفه میباشد زیرا در صورت عطف معنا چنین میشود که: «أهلکنا الأولین ثم أتبعناهم الآخرین فی الإهلاک» (پیشینیان را هلاک کردیم سپس به تعقیب آنان بعدینیان را نیز هلاک کردیم، در حالیکه چنین نیست زیرا هلاکت آخرین که عبارت از کفار مکه و امثال آنان است به تعقیب هلاکت امتان پیشین صورت نگرفته است و همچنان نوعیت اهلاک هر امت و زمانه آنها زیاد تفاوت میکند: { كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ } اشاره به نوعیت عذاب و دشوار بودن آن است یعنی آنچنانی که مکذبین گذشته را با عذاب های فجیع و متنوعی هلاک و نابود کردیم میتوانیم عین وضعیت را بالای این مجرمین بیاوریم و "کاف" در موضع نصب صفت برای مصدر محذوف میباشد: (مثل ذلك الإهلاک نفعل بكل مشرک إما فی الدنيا أو فی الآخرة) مثل این هلاکت با هر مشرکی معامله میکنیم یا در دنیا و یا در آخرت.^۲

و (المجرمون) از القاب مشرکین در اصطلاح قرآن کریم است چنانچه در آیات متعدد راجع به معرفی مشرکان از همین واژه استفاده شده است: (إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ).^۳

«گناهکاران پیوسته (در دنیا) به مؤمنان می خندیدند و ایشان را ریشخند می کردند .
(وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) تکرار این جمله در این سوره یا برای تأکید است و یا بعد از هر بحثی معنیا جدا گانه ی را افاده میکند پس "ویل" در ختم آیات مقطع اول برای بیان عذاب آخرت

۱- شوکانی، تفسیر فتح القدير، ج ۷/ص ۳۸۷.

۲- وهبه الزحيلي، تفسیر المنير، ج ۲۹، ص: ۳۱۶.

۳- سوره مطففين آیه: ۲۹.

و در پایان اطلاع از هلاکت امتان گذشته و تحذیر مشرکین مکه برای اطلاع از عذاب دنیوی است.^۱

(معامله الله سبحان با کفار متمرّد تنها به عذاب دنیا منحصر نبوده بلکه در آخرت نیز با ایشان چنین معامله ی انجام میشود)

این دو آیه: (أَلَمْ نُهَلِكِ الْأَوَّلِينَ ، ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ؟) به صورت استفهام و عید شدید و تحدیدی برای تمام کفار و مکذبین پیغمبران بخصوص پیغمبر آخری محمد ص در تمام زمانه میباشد و سپس الله متعال از دوام این سنت خود خبر داده فرمود: (كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ) یعنی این شیوه مجازات مکذبین منحصر به تعداد امت ها و گروه ها نبوده بلکه با هر تکذیب کننده کتاب الله و پیغمبرش تا برپایی قیامت در دنیا و مجازات آنها برای همیشه در آخرت میباشد و در مورد اشاره به عذاب آخرت فرمود: (وَيَوْمَئِذٍ يُؤْمِنُ لِلْمُكَذِّبِينَ) یعنی رسوایی و عذاب درد آور دیگری برای این مکذبین در روز آخرت است.^۲

چنانچه در آیات دیگری از اسباب و صورت هلاکت اقوام مکذبه اطلاع داده است:

أسبب هلاکت قوم لوط و عذابکه توسط آن این قوم هلاک شدند:

سبب هلاکت این قوم تکذیب پیغمبر و عمل زشت لواط و همجنس گرایی بوده است، آنان پیغمبر الهی را در دعوت به توحید و یکتا پرستی و عدم اجتناب از عمل زشت و شنیعی که سابقه تاریخی نداشته است تکذیب نمودند، چنانچه قرآن کریم از نبوت لوط علیه السلام و هلاکت قومش و نجات او اطلاع داده فرموده است: (وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَرِيَّةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ)^۳.

ترجمه: و به لوط شناخت (اسرار اشیاء) و دانش (سودمند) عطاء کردیم ، و او را از شهر و دیاری که (مردمان آن) کارهای زشت و پلید انجام می دادند رهائی بخشیدیم . آنان مردمان بدی بودند و (از طاعت خدا و عمل طبع پسند) سرکشی می کردند .

۱- شوکانی، تفسیر فتح القدير، ج ۷/ص ۳۸۷.

۲- وهبه الزحيلي التفسير المنير، ج ۲۹، ص: ۳۲۰

۳-سوره انبياء آیه: ۷۴.

و در مورد دعوت لوط و تکذیب آنان فرموده است: (وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأْتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ، أَنْتُمْ لَأْتَأْتُونَ الرَّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ)^۱.

ترجمه: لوط را (هم به سوی قوم خود فرستادیم و او) زمانی به قوم خود گفت: شما کار بسیار زشتی را انجام می دهید، کار زشتی که کسی از جهانیان پیش از شما مرتکب آن نشده است! آیا شما با مردان آمیزش می کنید، و راه (تولید و تکثیر نسل) را می بندید، و در باشگاهها و مجالس خود (اشکارا و در میان جمع، بدون ترس و خوف از یزدان، و حیا و شرم از مردمان) کارهای زشت انجام می دهید؟! (و دامن عصمت به گناه می آلودید؟!) پاسخ قوم او جز این نبود که بگویند: اگر راست می گوئی، عذاب خدا را بر سر ما بیاور (و ما مردمان آلوده را امان مده!)

و در مورد عذاب ونحوه هلاکت آنان فرموده است: (فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابًا مِّن سَجِيلٍ مِّنْ مَّنْضُودٍ)^۲.

ترجمه: هنگامی که فرمان ما (مبنی بر هلاک قوم لوط) فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو نمودیم و آنجا را با گلهای متحجر و پیاپی سنگباران کردیم. (بدین ترتیب شهر و دیار کسانی که همه چیز را وارونه کرده بودند، واژگونه شد و در زیر سنگها مدفون گردید).

ب- سبب هلاکت قوم شعیب علیه السلام و عذاب که توسط آن این قوم هلاک شدند:

سبب هلاکت این قوم تکذیب پیغمبر و اسرار بر عمل زشت (حق تلفی در وزن و پیمانها) بوده است چنانچه الله متعال در مورد رسالت شعیب علیه السلام و تکذیب قومش فرموده است: (وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْفُسُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَأَيْكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ، وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ)^۳.

^۱-سوره عنکبوت آیه: ۲۸-۲۹.

^۲-سوره هود آیه: ۸۲.

^۳-سوره هود آیه: ۸۴-۸۵.

ترجمه: شعیب را (نیز) به سوی قوم مدین فرستادیم که از خود آنان بود. (شعیب بدیشان) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید (و بدانید که) جز او معبودی ندارید. و از پیمانۀ و ترازو مکهاید. من شما را خوب و بی نیاز (از کاستن از مقادیر و اوزان) می بینم (و شایسته نیست با وجود ثروتمندی از چیزهای مردم بدزدید و کم فروشی بکنید. اگر ایمان نیاورید و شکر نعمت را نگزارید) من بر شما از عذاب روز فراگیر می ترسم. ای قوم من! پیمانۀ و ترازو از روی عدل و داد، به تمام و کمال بسنجید و بپردازید و از چیزهای مردم نگاهید و در زمین تباہکارانۀ تباہی نکنید.

و در مورد عذاب که توسط آن این قوم هلاک شده اند فرموده است: (وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ، كَانُوا لَمَّا يَخُونُوا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِّمُذِينَ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ)^۱.

ترجمه: هنگامی که فرمان ما (مبنی بر هلاک قوم مدین) در رسید، شعیب و مؤمنان همراه او را در پرتو مهر خود (از عذاب و هلاک) نجات دادیم و صدای (وحشتناک صاعقه و زلزله)، ستمکاران را دریافت و (بر اثر آن قالب تهی کردند و نقش زمین شدند و) در خانه و کاشانه خود کالبدهای بی جانی گشتند. بدان گونه که انگار هرگز از ساکنان آن دیار نبوده اند (و در آنجا نزیسته اند و روزگاری در آن بسر نبرده اند. نه خود ماندند و نه اثری از ایشان ماند) . هان! نابود (و دور از رحمت خدا) باد قوم مدین! همان گونه که قوم ثمود نابود (و دور از رحمت خدا) شدند.

ج- سبب هلاکت فرعون و فرعونیان و عذاب که توسط آن آنها هلاک شدند:

سبب هلاکت فرعون و پیروانش را قرآن کریم تکذیب پیغمبر، دوام بر ادعای الوهیت و تمرد و طغیان خوانده است:

چنانچه در مورد سبب هلاکت فرعون و فرعونیان الله متعال فرموده است: (وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى، قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى، فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى)^۲.

^۱-سوره هود آیه: ۹۴.

^۲-سور طه آیه: ۵۶-۵۷-۵۸.

ترجمه: ما همه معجزات خود را (که مؤید رسالت موسی و صدق او در اموری بود که از سوی خدا ابلاغ می کرد) به فرعون نشان دادیم ، ولی او (همه آنها را) تکذیب کرد و (از ایمان بدانها) سرپیچی کرد . (فرعون) گفت : ای موسی ! آیا آمده ای که ما را با این جادوی خویش از سرزمین خودمان بیرون کنی ؟ (ما می دانیم که مسأله نبوت ، و دعوت به توحید ، و ارائه این کارهایی که می کنی ، همگی توطئه است ، و مراد حکومت و سیطره قوم خود بر مصر است) . یقیناً ما هم جادویی همسان جادوی تو را برای تو می آوریم (و سحر تو را با سحر خود باطل و بی اثر می گردانیم . پس هم اکنون) موعد آن را معین کن . موعدی که نه ما و نه تو از آن تخلف نکنیم ، و وعده گاه مکان صاف و مسطح ، و فاصله آن نسبت به همگان یکسان باشد . فرعون دعوت به توحید را توطئه قدرت طلبی و معجزات موسی علیه السلام را سحر و جادو خطاب کرده و از پذیرش آن امتناع ورزید.^۱

و در مورد عذاب و نحوه هلاکت فرعون و پیروانش فرموده است: (وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ ، فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ)^۲.

ترجمه : (مدت‌ها به این منوال گذشت و حوادث تلخ و شیرینی میان موسی و فرعون روی داد . سرانجام) ما به موسی پیام دادیم که شبانه بندگانم را (از مصر به سوی فلسطین) کوچ بده ، و آن گاه (که به کرانه نیل رسیدید ، با عصا به رودخانه دریاگون نیل بزن و) راهی خشک برای آنان در این دریا بگشا . (راهی که چون در آن گام بگذاری) نه از فرعونیان می ترسی که به تو برسند و نه (از غرق شدن در آب) هراسی داری . (موسی فرمان خدا را اجرا کرد و) فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کردند (و در کنار دریا بدیشان رسیدند و در عقبشان وارد جاده ای شدند که با کنار رفتن آب پدید آمده بود . در این هنگام) دریا آنان را به گونه شگفتی در میان (امواج خروشان) خود گرفت .

^۱-ابن عاشور ،التحریر والتنوير ،ج ۶ /ص ۷۷ .

^۲-سوره طه آیه: ۷۷-۷۸ .

[كذلك نفعل بالمجرمين] اشاره به هلاکت اقوام که مورد عذاب قرار گرفته اند یعنی مثل اینکه اقوام مکذب گذشته را در نتیجه تکذیب شان هلاک کردیم با شما ای کفار مکه بنسبت تکذیب سید المرسلین اینگونه معامله خواهیم کرد.

[ويل يومئذ للمكذبين] معنای این آیت به حسب موقع فرق میکند "ویل" اینجا بمعنای هلاکت و نابودی میباشد یعنی برای هر مکذب توحید، نبوت، بعث و حساب هلاکت و تباهی است.^۱

فرع دوم- شرح کلمات بارز و مصطلحات آیات این مقطع.

[ألم نهلك الأولين] ؟ الهلاک به معنای موت یا عذاب است که سبب موت و نابودی انسان شود، و به معنای تلف کردن، نابود کردن اشیاء، نیستی و فنا آمده است.^۲، و در قرآن کریم این ماده به صیغه های چون (نهلك، أهلكنا، تهلكه، هلك ..) استعمال شده است که همه معنای فنا و نابودی را افاده میکند، و مراد از اولین اقوام سابق چون "قوم نوح، عاد و ثمود میباشد که به سبب تکذیب شان از پیغمبران توسط عذاب های مختلف سماوی نابود شده اند.^۳

چنانچه در آیه های متعددی الله متعال به لفظ { أَهْلَكْنَا } از هلاکت اقوام سابق و سبب هلاکت ایشان خبر داده است که هدف از آن پند حاصل کردن و عبرت گرفتن میباشد:
- این فرموده الله متعال: (أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ تُمَكِّنْ لَّهُمْ)؛^۴

ترجمه : آیا ندیده اند (و آگاهی پیدا نکرده اند) که پیش از ایشان چقدر از اقوام و ملتها را هلاک کرده ایم ؟ اقوام و ملتهاي که در زمین (اسباب و ابزار) قدرت و نعمت بدیشان دادیم ، قدرت و نعمتي که آن را به شما نداده ایم.

- و در آیه الله متعال از هلاکت مردمان قرون گذشته بسبب تکذیب پیغمبران فرموده است:
(وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ) .^۵

۱- صابونی، صفوة التفاسیر، ج ۳/ص ۴۸.

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۸/ص ۲۲۲ ماده (هلاک)

۳- جزایری، ایسر التفاسیر، ج ۴/ص ۳۴۲. صابونی، محمد علی الصابونی صفوة التفاسیر ط (۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م) الناشر: دار الصابونی للطباعة والنشر والتوزيع - القاهرة الطبعة: الأولى، ج ۳/ص ۴۷.

۴- سوره انعام آیه: ۶.

۵- سوره یونس آیه: ۱۳.

ترجمه: ما گروهها (و نسلهاي زيادي) را هلاك کرده ايم که پيش از شما بوده اند ، بدان گاه که ستم کرده اند (و راه گناه سپرده اند) و پيغمبران نشان براي آنان دلانل روشن و معجزات آشکاري آورده اند و ارائه نموده اند ، ولي آنان جزو کساني نبوده اند که ايمان بياورند (و سخنان پيغمبران را بشنوند و به دنبال ايشان روند . آري در گذشته و حال و آينده) اين چنين گروه بزهکاران را سزا مي دهيم . (پس خويشتن را بپائيد و نافرمانی ننمائيد) .

-و در آيه بهمين لفظ(اهلکنا) از نابودی قراء و قصابات خبر داده فرموده است: (وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ)^۱.

ترجمه: ما هيچ شهر و روستائي را نابود نکرده ايم مگر (پس از انقضاي) مدت معيني (که) داشته است .

-ونيز فرموده است: (وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا)^۲.

ترجمه: و چه بسيارند مردماني که در قرون و اعصار بعد از نوح مي زيسته اند و ما آنان را (طبق همين سنت ، به سبب تمرّد و سرکشيشان) نابود گردانده ايم . (مثل : خود قوم نوح ، قوم عاد ، قوم ثمود ، قوم لوط ، قوم فرعون .) همين کافي است که پروردگارت از گناهان بندگانش آگاه و نسبت بدانها بينا است (و لذا هيچ گونه کاري از ديد او مخفي ، و بي سزا و جزا نمي ماند) .

-ونيز فرموده است: (وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرِئِيًّا)^۳.

ترجمه: ما اقوام بيشماري را نابود کرده ايم که پيش از آنان (در روزگاران کهن) مي زيسته اند و از اينان ، مال و ثروت و وسائل زندگي بهتري داشته اند و هم ظاهر و هيئت و سيمائشان آراسته تر و پيراسته تر بوده است .

^۱-سوره حجر آيه: ۴.

^۲-سوره اسراء آيه: ۱۷.

^۳-سوره مريم آيه: ۷۴.

-و در آیه از هلاکت اقوام قبل از موسی علیه السلام بجهت عبرت از وضعیت آنان فرموده است: (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ) ^۱.

ترجمه: ما بر موسی کتاب آسمانی (تورات) نازل کردیم بعد از آن که اقوام روزگاران پیشین را (بر اثر کفر و ظلم و زورشان) نابود کردیم، تا برای مردم مایه بینش و وسیله هدایت و رحمت باشد، و ایشان (در پرتو اوامر و نواهی آن، راه را از چاه باز شناسند و) پندپذیر گردند.

-و در مورد عبرت گرفتن از باز دید مکان های هلاک شده گان فرموده است: (أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ) ^۲.

ترجمه: آیا برای ایشان روشن نشده است که پیش از آنان ما مردمان نسلهای فراوانی را هلاک کرده ایم و (ایشان هم اینک) در مسکن و (مأوی و جا و) مکان آنان راه می روند (و در سفرهای خود ویرانه های منازلشان را می بینند؟). واقعاً در این (دیدار دیار متروک و خالی از سکنه جباران و تبهکاران تاریخ) نشانه هائی (از قدرت خدا، و درسهای عبرتی از گذشتگان) است. آیا (این اندرزهای الهی، و پندهای عبرت را از زبان حال کاخهای ویران و کنگره های سر به فلک سایان) نمی شنوند؟

در تمام این آیه ها از اسباب و انگیزه هلاکت اقوام گذشته اطلاع داده شده است.

سبب هلاکت و عذابیکه توسط آن قوم نوح هلاک کرده شدند:

نوح علیه السلام از پیغمبران بوده که زمانه دعوتش نسبت به سایر پیغمبران متفاوت بوده است که قرآن کریم زمانه دعوت نوح علیه السلام را نه صد پنجاه سال گفته است البته در این مدت قوم نوح علیه السلام جز تعداد اندکی ایمان نیاوردند و در نتیجه تکذیب آنها توسط طوفان سرازیر شده از آسمان وزمین هلاک کرده شدند الله متعال در این آیت از سبب هلاکت و عذابیکه آنها توسط آن هلاک شدند بیان نموده است: (وَقَوْمِ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا لَهُمُ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا) ^۳.

^۱-سوره قصص آیه: ۴۳.

^۲-سوره سجده آیه: ۲۶.

^۳-سوره فرقان آیه: ۳۷.

ترجمه: قبل از موسی نیز چنین کردیم (و قوم نوح را غرق نمودیم و ایشان را عبرت مردمان ساختیم ، بدان گاه که پیغمبران را تکذیب کردند . ما برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساخته ایم .

و در آیه دیگری الله متعال سبب هلاکت قوم نوح را فسق خوانده فرموده است: (وَقَوْمٌ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ)^۱.

ترجمه : پیش از آنان ، ما قوم نوح را هلاک ساخته بودیم . چرا که ایشان قوم فاسقی بوده و (با انجام کفر و معاصی) از فرمان خدا خارج شده بودند .

و در آیه سبب هلاکت قوم نوح را ظلم و سرکشی ایشان خوانده فرموده است: (وَقَوْمٌ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطَى)^۲.

ترجمه : و نیز قوم نوح را قبل از آنان هلاک ساخت . چرا که ایشان از همگان ستمگرتتر و سرکش تر بودند .

و در مورد سبب هلاکت و عذاب که عاد و ثمود هلاک کرده شدند فرموده است: (كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ)^۳.

ترجمه : قوم ثمود و قوم عاد (رخداد راستین) در هم کوبنده را تکذیب کردند . (فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ)^۴.

ترجمه : در نتیجه قوم ثمود با عذاب سرکش و سهمگین (صاعقه) نابود گشتند . (وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ)^۵.

ترجمه : و قوم عاد به وسیله تندباد سرد و سرکش و پر سر و صدای ویرانگری نابود شدند . « عَادٌ » : قوم پیغمبری به نام هود بودند . « صَرْصَرٍ » : باد تند و ویرانگر و سرد و پر سر و صدا . « عَاتِيَةٍ » : سرکش . سخت ویرانگر . در آیه فرموده است: (سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَازِيَةً أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ)^۶.

۱-سوره ذاریات آیه: ۴۶.

۲-سوره نجم آیه: ۵۲.

۳-سوره الحاقه آیه: ۴.

۴-سوره الحاقه آیه: ۵.

۵-سوره الحاقه آیه: ۶.

۶-سوره الحاقه آیه: ۷.

ترجمه: خداوند چنین تندبادی را هفت شب و هشت روز پیاپی بر آنان گمارد. (اگر در آنجا می بودی) در این مدت مردمان را می دیدی که روی زمین افتاده اند و انگار تنه های پوک و درون خالی درختان خرمایند.

در این آیه ها الله متعال سبب هلاکت و چگونگی اهلاك قوم عاد و ثمود را بیان نموده است سبب هلاکت آنان تکذیب روز قیامت گفته شده و عذاب که نمودی ها را هلاک کرد "صاعقه" صدای وحشت ناکی که در این آیت آن را "الطاغية" الصيحة التي جاوزت الحد في الشدة فرجفت منها الأرض والقلوب" یعنی صدای تند و وحشت ناکی که در شدت از حد گذشته که زمین و قلب ها از وحشت زده شده بود که آن وحشت و شدت تکان قلب سبب هلاکت و نابودی آنان گردید.^۱

و عذاب که قوم عاد باثر آن هلاک گردید "ریح" (باد) بوده است و آن باد در آیه فوق به سه صفت توصیف شده است:

۱-الصرصر : به معنای شدید و در نهایت تند که دارای صدای مثل سرازیر شدن سنگ های بزرگ.

۲- العاتية: طغیانگر و تبهکار و اصل "عاتیه" شدت تکبر و سرکشی را گویند که به شیئی متجاوز بصورت استعاره استعمال شده است.

۳-(حسوم) به معنای پیهم، کامل و نابود کننده بوده است.^۲

[ثم نتبعهم الآخريين] بتبعهم" بمعنای در پیهم آمدن چیزی و پیوستن مابعد به ماقبل و مراد از "آخرین" قوم لوط، قوم شعیب و قوم موسی، و فرعونیان میباشد یعنی سپس در هلاکت به اولین اقوام دیگری را پیوستیم و به تعقیب آنان اینها را نیز هلاک کردیم زیرا که اینان در تکذیب و عصیان مثل آنها بودند.^۳

فرع سوم- دروس و ارشادات آیات این مقطع.

۱- عبرت گرفتن از وضعیت هلاک شده گان امم سابقه.

^۱-بقاعی، نظم الدرر في تناسب الأی والنور، ج ۹/ص ۱۴۴.

^۲-ابن جوزي، تفسیر زاد المسیر، ج ۶/ص ۶۴.

^۳-صابونی، صفوة التفسیر، ج ۳/ص ۴۴۷.

۲- تأمل در سنت الهی در مورد گذشته گان، تغییر زمانه ها و تبدیل اوضاع زنده گی گذشته گان پند و عبرت برای آینده گان است.

چنانچه شاعری گفته است:

فی الذاهبین الاولین من القرون لنا بصائر
لما رأیت مواردا للموت لیس لها مصادر
ورأیت قومی نحوها یمضی الاصاغر والاکابر
ایقنت انی لامحالة حیث صار القوم صائر.^۱

در گذشته گان از قرن های اولی برای ما درس عبرت است، هرگاه موت بجای وارد شود نجاتی از آن نخواهد بود، قوم های خود و امثال آن را دیدم که خورد بودند یا بزرگ گذشتند، یقین کردم البته که مردمان رفتند و هرگز بر نمیگردند.^۲

۳- عاقبت و انجام تکذیب و انکار از حق هلاکت، زیان، حسرت و محرومیت خواهد بود.

۵- بیخکن ساختن مکذبین و انتقام گرفتن از آنان برهان قاطعی بر کمال قدرت الله متعال میباشد.

۶- در هلاکت امت ها به عذاب الهی و درگذشت ملیارد ها انسان در قرون گذشته تثبیت عقیده به "بعث" (زنده شدن پس از مرگ) میباشد.

۷- قدرت الله متعال بر مواخذه منکرین در دنیا دلیلی بر قدرت او تعالی بر زنده کردن مرده ها و حتمی بودن جزای مجرمان و پاداش مؤمنان خواهد بود.^۳

مقطع سوم-

^۱ - این شعر منسوب به قیس بن الساعده الایادی یکی از حکماء عرب قبل از اسلام بوده است: که ماوردی رحمه الله آن را در تفسیرش النکت والعیون، ج ۴/ص ۱۷۲ آورده است.

^۲ - مجموعه من العلماء التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۸/ص ۴۴۵.

^۳ - جزایری، ایسر التفسیر، ج ۴/ص ۳۴۲.

تأمل در خلقت انسان و کائنات، تذکیر با ارشاد و هدايات. آیه : ۲۰ - الی ۲۸.

(أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ) (فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ) (إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ) (فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ) (وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا) (أَحْيَاءَ وَأَمْواتًا) (وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِي سَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَّاءً فُرَاتًا) (وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) ۱.

موضوع اول- ترجمه آیات و بیان مناسبت.

فرع اول- ترجمه آیات این مقطع.

(أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ)

ترجمه : آیا ما شما را از آب حقیر و ناچیزی (به نام منی) نیافریده ایم ؟

(فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ)

ترجمه : و آن را در جایگاهی استوار قرار داده ایم (که رحم مادر است و آن اندازه مناسب و جالب و عجیب است که هر انسانی را در شگفتی فرو می برد) .

(إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

ترجمه : تا مدت زمانی مشخص (که دوران ماندگاری جنین در شکم پایان می گیرد ، و روز ولادت فرا می رسد) .

(فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ)

ترجمه : ما توانائی (این کار را) داشته ایم (که از نطفه ناچیز و حقیری چنان انسان شریف و کاملی بسازیم) و ما بهترین توانا بوده و هستیم .

(وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه : در آن روز ، وای به حال تکذیب کنندگان !

(أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا)

ترجمه : آیا ما زمین را گردآورنده (مردمان در حال حیات بر روی خود ، و در حال ممات در دل خود) نساخته ایم ؟

(أَحْيَاءَ وَأَمْواتًا)

ترجمه : هم در حال حیات و هم در حال ممات ؟

۱-سوره المرسلات آیه: ۲۰-الی-۲۸.

(وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا)

ترجمه: در آن کوههای استوار و بلند پدید نیاورده ایم، و از آب گوارا به شما ننوشانده ایم؟
(وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه: در آن روز، وای به حال تکذیب کنندگان!

فرع دوم- بیان مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی و محور سوره.

ا-مناسبت آیات مطع با مقطع قبلی.

بعد از دعوت به تأمل و عبرت گرفتن از وضعیت ظالمان و ترس از عاقبت و انجام زشت راه که آنها تعقیب نموده اند که منجر به هلاکت آنان شده بود در آیه های این مقطع به موعظه های قانع کننده ی پرداخته شده است که برای انسانهای بعدی واقف شدن از آثار آنان و تفکر نمودن در بقایای مخروبه های آنان و سپس در خلقت و وضعیت زندگی خود شان موعظه و عبرت خواهد بود.

-در مقطع قبلی الله متعال بعد از اطلاع از هلاکت مکذبین سابقین به اثر تکذیب شان فرمود (كَذَلِكَ نَفْعُ الْإِنْسَانِ بِمَا كَفَرَ) یعنی نتیجه تکذیب پیغمبران ما مواجه شدن به سر نوشت کسانی است که در گذشته بنسبت تکذیب حق به آن مواجه شده اند و این امر دلیلی بر قدرت الله متعال به انتقام از مجرمین است و در آیات این مقطع الله متعال صفت خالقیت خود را بیان نموده است چنانکه فرمود { أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ } آیا ما شما را از آب حقیر و ناچیزی (به نام منی) نیافریده ایم؟

(أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا) آیا زمین را برای زنده شما نیافریده ایم، و آیا کوهها را برای ثبات زمین خلق نکرده ایم؟ و آیا آب که ماده حیات است در زمین نیافریده ایم؟^۱

ب-مناسبت آیات این مقطع با محور سوره.

محور سوره که بحث از احوال قیامت و زنده شدن پس از مرگ است در آیات این مقطع در یک قسمت اول الله متعال از نحوه خلقت انسانها خبر داده فرموده است: (أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ) یعنی شما را از قطره آبی با تغییر نظام خلقت که در اختیار تان نیست نیافریده ایم پس

^۱-مجموعه من العلماء، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج۸/ص ۴۲۳.

با تفکر در این خلقت سزاوار نیست که شما از زنده شدن پس از مرگ، قیامت، حساب و جزا انکار کنید ذاتی که شما را ابتداء با این وضعیت آفرید قطعاً میتواند بار دیگری نیز زنده کند، و در پایان این بحث فرموده است: (فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ) یعنی ما تمام نیاز های زنده گی شما را در همین مرحله ابتدایی خلقت مقدر نموده ایم و چه خوب ذات توانا و صاحب قدرت بوده ایم پس شما را بعد از ختم این مرحله زنده گی بار دیگر زنده کرده مورد باز پرس قرار خواهیم داد پس وای بر حال کسانی که آمدن آن روز را تکذیب کرده اند.

-و در قسمت بعدی فرموده است: (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا) آیا ما زمین را برای رفع نیاز های زندگی با همه امکانات زندگی نیافریدیم؟ و این زمین محل زندگی و مرگ شما نیست؟ پس با تفکر در مورد این خلقت بزرگ دوباره زنده کردن شما کاری بس دشوار است؟ و در پایان این بحث نیز میفرماید، وای بر حال کسانی که وقوع قیامت و زنده شدن پس از مرگ را تکذیب کرده اند.^۱

موضوع دوم- تفسیر موضوعی، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع.

فرع اول- تفسیر موضوعی آیات این مقطع.

در این آیات دعوت به تفکر و عبرت گرفتن است و هر آنچه که بالای انسان از نشانه های قدرت الله متعال سپری میشود دلیل گواه و ناطق و حجت قاطعی برای حقانیت بعث (زنده شدن پس از مرگ) خواهد بود اگر انسانها در اصل خلقت و وسیله های زندگی خود فکر کند البته که کمال قدرت و لطایف حکمت الله متعال را درک خواهند نمود: (أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ)

«مگر شما را از آبی بی مقدار» از آبی ضعیف و حقیر که همانا آب نطفه (منی) است «نیافریدیم؟» پاسخ این سوال جز اعتراف به این وضعیت خلقت چیزی دیگری نخواهد بود! پس اینهمه غرور و تکبر و ورزیدن در برابر حق برای چیست!

و سپس الله متعال از وضعیت این خلقت خبر داده فرمود: (فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ) «پس آن را در جایگاهی استوار قرار دادیم» (در جایگاهی محفوظ و محکم که همانا رحم است. و هر کس از چگونگی محیط امن و حمایت شده ای که برای جنین قرار داده شده است آگاه شود،

^۱ -سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶/ص ۲۳۳۱.

دقت اعجاز این آیه را درمی یابد. و این وضعیت تا تکمیل شدن مراحل خلقت ادامه میابد، و تا زمانی که جنین در این محل امن وقت و زمان تعیین شده برای بیرون آمدن را کامل نکند جنین انسان زنده و درست برای زندگی بعدی (حیات دنیوی) نخواهد بود لذا الله متعال فرمود:

(إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ) «تا مدتی معین» که همانا مدت بارداری است، چنانکه طب امروزی دریافته است که جنین اگر به اثر عوارضی ساعاتی قبل از میعاد به دنیا بیاید خطری او را تهدید خواهد کرد.^۱ لذا الله متعال فرمود: (فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ)

«پس به اندازه سامان دادیم و چه نیک تواناییم» یعنی: مدتی بقای او در بطن مادر اعضا و اوصاف جنین و همه احوال و اطوار آن را بر همان وصفی قرار دادیم که خواسته ایم پس ما نیکو سامان دهنده و آفریننده ای هستیم، پس تقدیر اول تعیین میعاد بقای جنین در بطن مادر و تقدیر دوم تعیین عمر، رزق، عمل، شقاوت و سعادت او میباشد چنانچه در حدیثی بروایت انس آمده است رسول الله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَلَّ بِالرَّحْمِ مَلَكًا يَقُولُ يَا رَبِّ نطفة يا رب علقة يا رب مضغة فإذا أراد أن يقضي خلقه قال أذكر أم أنثى شقي أم سعيد فما الرزق والأجل فيكتب في بطن أمه».^۲

ترجمه: الله متعال به رحم مادر "مَلَك" را توظیف میکند، میگوید ای رب نطفه است و بعدا میگوید ای رب خون بسته است و میگوید ای رب گوشت پاره است، پس وقتی که الله بخواند خلقت او را (بحیث انسان زنده) فیصله نماید (آن ملک) میگوید: پسر باشد یا دختر، نیک بخت باشد و بدبخت، و سپس میگوید رزق آن چه مقداری باشد و اجل او (زمان زنده گی و مرگ) او چه مقداری باشد، پس اینهمه در بطن مادرش نوشته میشود.

«وای در آن روز بر تکذیب کنندگان» قدرت ما بر این ساماندهی، یا بر تکذیب کنندگان تجدید آفرینش.^۳

«مگر زمین را جمع کننده نگردانیده ایم؟» به طوری که همگان را فرا می گیرد و در خود جمع می کند؟ کفات: بمعنای فرا گرفتن و جمع کردن است استفهام در این آیه نیز مثل سابق برای تقریر بوده و تذکیر بعض از نعمات الهی بوده است که عبارت از منافع زمین و کوها

^۱ - شوکانی، تفسیر فتح القدیر، ج ۷/ص ۳۸۷. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶/ص ۲۳۳۱.

^۲ - محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری کتاب التفسیر، باب قول الله عزوجل مخلقة و غیر مخلقة. ج ۲/ص ۲۶ شماره حدیث (۳۰۷)

^۳ - التناسق الموضوعی فی سور القيامة والانسان والمرسلات، ص ۲۰۱.

برای حیات دنیوی انسان ها میباشد و آن منافع را به زندگی و مرگ انسان ربط داده فرمود (أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتٌ). و یا اینکه مراد از "امواتا" منت گذاشتن بر این باشد که زمین را محل مناسب برای دفن میت انسان پس از مرگش قرار داده ایم، یعنی: زمین در سطح خود فراگیر زندگان است و زندگان بر روی آن در منازل و جایگاههای خویش به سر می برند. همچنین زمین فراگیرنده و جمع کننده مردگان است در بطن خود: و یا اینکه «کفات» برگردانیدن يك چیز از پشت به رو یا از رو به پشت است پس معنی کفات این است که انسان ها از خاک زمین به وجود می آیند، سپس به عنوان زندگان بر روی آن حیات می گذرانند آن گاه مجدداً به صورت مردگان در آن بر می گردند»^۱.

وسپس الله متعال به بیان برخی از منافع زیست محیطی زمین پرداخته فرمود: (وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا) «و در آن کوههای پایدار و بلند پدید آوردیم و به شما آبی شیرین» و گوارا «نوشانیدیم» پس این همه، شگفت انگیزتر از رستاخیز و احیای مردگان است و یا اینکه این خود دلیلی برای قدرت اوتعالی برای برپا ساختن قیامت وزنده کردن مردگان است، و در اینکه دو لفظ (رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ) که به صیغه جمع تکسیر آورده شده اشاره به کسرت کوها با این دو وصف در روی زمین میباشد و اینکه پیوسته به بیان منافع کوه ها فرمود: (وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا) اشاره به آن است که آبهای گوارا و شیرین به اثر باریدن باران و برف در همین کوها زخیره شده و چشمه ها و دریا ها از همین کوها سرچشمه میگیرد. (وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ^۲)

«وای در آن روز بر تکذیب کنندگان» نعمتهای ما، که نعمتهای یادشده نیز از جمله آنهاست.

مراحل خلقت جنین از نظر قرآن کریم:

^۱- شوکانی، تفسیر فتح القدیر، ج ۷/ص ۳۸۸،

^۲- ابن عاشور، التحریر والتتویر، ج ۱۶/ص ۵.

در آیه الله متعال مراحل تغییر خلقت جنین در رحم مادر را چنین بیان کرده است: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ)^۱.

ترجمه: ما انسان را از عصاره ای از گِل آفریده ایم. سپس او را به صورت نطفه ای درآورده و در قرارگاه استوار (رحم مادر) جای می دهیم.

سپس نطفه را به صورت لخته خونی، و این لخته خون را به شکل قطعه گوشت جویده ای، و این تکه گوشت جویده را بسان استخوانهای ضعیفی درمی آوریم، و بعد بر استخوانها گوشت می پوشانیم، و از آن پس او را آفرینش تازه ای بخشیده و (با دمیدن جان به کالبدش) پدیده دیگری خواهیم کرد. والا مقام و مبارک یزدان است که بهترین اندازه گیرندگان و سازندگان است.

{ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا } لفظ "کفت" بمعنای ضم و جمع آمده است یعنی انسان ها را در حال حیات در سطح خود گرد آورده و جمع نموده است و پس از مرگ در بطن خود جای داده است.^۲

{ احياء وامواتا } یعنی زمین را با نبات ها و عمارت ها زنده کرده ایم و به تخریب عمارت ها و خشک شدن نباتات میرانیده ایم.

زمین ماده حیات و خلقت انسان ها بوده و از خاک آفریده شده اند و پس از مرگ در زمین دفن میشوند و بار دیگر برای حساب و باز پرس، جزا و پاداش زنده میشوند، چنانچه الله متعال فرموده است: (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى).^۳

ترجمه: ما شما را از زمین آفریده ایم، و بدان باز می گردانیم، و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم (برای حساب و کتاب و جزا و سزا بر میگردانیم).

{ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِي شَامَخَاتٍ } « رَوَاسِي » : جمع راسی و راسیة، یعنی کوههای ثابت و استوار.

^۱-سوره مؤمنون آیه: ۱۲-۱۳-۱۴.

^۲-ابن عاشور، التحرير والتنوير، ج ۱۶/ص ۲۳۱.

^۳-سوره طه آیه: ۵۵.

{ شامخات } : جمع شامخ ، بلند و سربه فلک کشیده .

خلقت کوهها سبب استوار نگهداشتن زمین برای زندگی بوده لذا در آیات متعددی این مقصد خلقت کوهها به لفظ "رواسی" تذکر شده است: (و اسقیناکم ما ان فراتا) ^۱ در این جمله اشاره به آنست که آبهای گوارا شدیم به اثر باریدن باران و برف در همین کوهها ذخیره شده و چشمهها پذیراها از همین کوهها سر چشمه میگیرد (وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ) ترجمه: ما زمین را گسترانیده ایم و در زمین کوههای استوار و پابرجائی را پدید آورده ایم ، و همه چیز را به گونه سنجیده و هماهنگ و در اندازه های متناسب و مشخص در آن ایجاد کرده ایم .

و در آیه فرموده است: (وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَاراً وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) ^۲ ترجمه: و در زمین کوههای استوار و پابرجائی را قرار داد تا این که زمین شما را نلرزاند (و با حرکت خود شما را مضطرب نگرداند) و رودخانه ها و راههایی را پدیدار کرد تا این که (به مقصد خود) راهیاب شوید.

{ و اسقیناکم } سقی آنست که مشروب را بشخص بدهی و اسقاء آنست که در اختیار وی بگذاری تا هر طور خواست میل کند.

اسقاء) از سقی ابلغ است زیرا مشروب را در اختیار طرف قرار میدهی خواه خودش بنوشد یا دیگری باو بنوشاند. ^۳

تدبیر در آیات قرآن نشان میدهد که اسقاء بمعنی گذاشتن آب در اختیار شخص است مثل این فرموده الله متعال: (فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ ...) ^۴.

ترجمه: از (ابرهای به هم پیوسته و تلقیح شده) آسمان آب می بارانیم و شما را بدان سیراب می گردانیم (و آن گاه به شکل برف و یخ و چشمه ها و رودخانه ها و دریاها و اقیانوسها در زمین جمع آوری و اندوخته اش می نمائیم ، و دوباره آن را تبخیر و به جو زمین می بریم و سپس به زمین برمی گردانیم) و شما توانائی اندوختن (و نگهداری) آن را (بدین گونه در فضا و زمین) ندارید .

^۱-سوره حجر آیه: ۱۹.

^۲-سوره نحل آیه: ۱۵.

^۳-اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱/ص ۱۶۹۹.

^۴-سوره حجر آیه: ۲۲.

وآیه: (وَ نُسْقِيهِ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَ أَنْاسِيًّا كَثِيرًا)^۱.

ترجمه: و آن را برای نوشیدن در اختیار مخلوقاتی که آفریده ایم ، از جمله چهارپایان زیاد و مردمان فراوان ، قرار دهیم .

و سقی در نوشاندن آمده است نظیر آن این فرموده الله متعال است: (أَمَّا أَحَدُكُمْ فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا ...)^۲.

ترجمه : ای دوستان زندانی من ! (اینک تعبیر خواب خود را بشنوید) اما یکی از شما (که در خواب دیده است که انگور برای شراب می فشارد ، آزاد می گردد و دوباره ساقی مجلس می شود و) به سرور خود شراب می دهد .

فرع دوم- شرح وتوضیح کلمات بارز آیات این مقطع.

در آیه های قبل الله متعال هلاکت منکرین بعث را به حیث اثبات قدرتش بر بعث ذکر نمود به تعقیب آن به بیان ابتداء خلق انسان پرداخت زیرا ماده خلقت و نحوه آن را اقرار کننده بعث و منکر آن را میپزیرند:

{ أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ } استفهام تقریری بوده و خطاب برای مکذبین بعث میباشد.

{ من ماء مهین } کلمه مهین که به همراه لفظ "ماء" ذکر شده مراد از آن نطفه میباشد.^۳

این کلمه در قاموس ها بمعنای حقیر وضعیف وگاهی هم که استعمال آن همراه لفظ "ماء" (آب) شده باشد بمعنای قلیل واندک بوده و مراد از آن نطفه (منی) میباشد.^۴ و به معنای فاجر انسان فاسد ، چیز وضعیف و سبک وبی ارزش (هان الامر) - آن کار سبک شد، و انسان زحمت کش نیز بکار رفته است.^۵

و در قرآن کریم این کلمه در وصف انسانها نیز استعمال شده است، در این فرموده الله متعال: (وَ لَا تُطْعَمُ كُلُّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ).^۶ «مطیع هر سوگند خورنده خوار و زبون نباش. یعنی کسیکه زیاد سوگند می خورد و ذلیل، زبون و وضعیف است از آن پیروی نکن.»^۷

^۱-سوره فرقان آیه: ۴۹.

^۲-سوره یوسف آیه: ۴۱.

^۳-جزایری، ایسر التفاسیر، ج ۲/ص ۲۳۴.

^۴-قاموس المحيط، ماده (مهین) ج ۱/ص ۴۵۵.

^۵-ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳/ص ۴۲۴. ماده (مهین)

^۶-سوره قلم آیه: ۱۰.

^۷- اصفهانی الراغب (ت ۴۲۵ هـ) ط (۱۴۲۳)، مفردات الفاظ القرآن تحقیق صفوان عدنان داودی دار القلم دمشق، ج ۱/ص ۸۲۰.

و فرعون که حق را در داشتن مادّیات و انباشتن طلا و قدرت و غلبه و تسلط بر نهرها می داند به طرفداران خود می گوید: (یا قَوْمَ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَ فَلَا تُبْصِرُونَ؟ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَ لَا يَكَادُ يُبِينُ فَلَوْ لَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ).^۱

«آیا این من نیستم که همه این وسایل رفاهی را دارم، آیا نمی بینید، و آیا من از موسی که خوار و ذلیل است و درست نمی گوید برتر و بهتر نیستم.

و در وصف عذاب جهنم نیز استعمال شده است: (وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ).^۲ «برای کفار (همانند ایشان) عذاب خوارکننده و دردناکی است.

(وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ).^۳ «و کسانی که (در جهان عاجل) کافر بوده اند و آیات (خواندنی یا دیدنی) ما را تکذیب نموده و دروغ خوانده اند، عذاب خوارکننده ای خواهند داشت.

و در آیتی این لفظ به صیغه مضارع در مقابل کرم و عزت ذکر شده است: (وَ مَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّكْرِمٍ).^۴

«و خدا هر که را بی ارزش کند، هیچ کسی نمی تواند او را گرامی دارد (و مشمول عنایت و سعادت آسمانی کند.

{ فجعلناه } آن آب کم ارزش را در رحم مادر قرار می دهیم.

{ في قرار مکین * } قرار محل مکین جای محفوظ که اثابت هوا آن را فاسد نسازد و در مراحل تغییر خلقت آن را محفوظ و مصون داشتیم { إلی قدر } و برای تکمیل ادوار خلقت زمانه ی را مشخص کردیم تا اینکه به شکل انسان زنده ی درآوریم { معلوم } مراد از لفظ "معلوم" همان زمانه نه ماه و بیشتر از آن برای ولادت است.^۵

{ فَقَدَرْنَا } به تخفیف و تشدید هردو آمده است و در مورد اینکه این لفظ (فَقَدَرْنَا) با لفظ بعدی (الْقَادِرُونَ) در معنا فرق داشته یا هردو یک معنا دارد در این مورد دو قول آمده است:

^۱-سوره زخرف آیه: ۵۴.

^۲-سوره بقره آیه: ۹۰.

^۳-سوره حج آیه: ۵۷.

^۴-سوره حج آیه: ۱۸.

^۵- بقاعی، نظم الدرر، ج ۹/ص ۲۹۷.

قول اول اینکه: این دو لغت (دو اصطلاح و لهجه) بوده اما معنای هر دو یکی است. و بقول فراء رحمه الله.^۱ «عرب ها گاهی در میان دو لغت از یک اصل در یک جمله جمع میکنند مثل این فرموده الله متعال: (فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا)^۲. «پس به کافران مهلت بده ، بدیشان مختصر مهلتی بده.

و در این قول شاعر: وَأَنْكَرْتَنِي وَمَا كَانَ الَّذِي نَكَّرْتِ ... مِنَ الْحَوَادِثِ إِلَّا الشَّيْبَ وَالصَّلَاةَ.^۳ ای: ما آنکرت إلا ما یکون فی الناس منکرا «من چیزی را نا پسند دانستم که مردم آن را نا پسند میدانند.

قول دوم اینکه: اول که مخفف (فَقَدَّرْنَا) باشد بمعنای قدرت و ملک است و در صورت مشدد بودن بمعنای تقدیر و قضاء میباشد یعنی ما دارای قدرت و مالک هر چیزی هستیم و چه خوب قدرتمندی میباشم و به شد "د" یعنی ما آن نطفه را در رحم مادر در موردش همه چیز را فیصله نموده ایم و چه خوب فیصله کننده ی استیم.^۴

فرع سوم- دروس و ارشادات آیات این مقطع.

۱- وجود انسان و حیات اولی آن دلیل واضح و حجت قاطع برای بعث و حیات دوباره او است زیرا ذات که او را از آب حقیر و ضعیف آفریده است و روزی این زندگی او را پایان میبخشد قطعاً قادر است که او را دوباره زنده نماید.

۲- آیات کونی (تغییر در خلقت) شواهدی برای امکان بعث (زنده شدن پس از مرگ) و درس برای آماده گی زندگی پس از مرگ میباشد.

۳- تفکر در اصل خلقت: به اینکه انسان در اصل نطفه حقیر و ضعیف بیش نیست، این تفکر دواء کبر و خود پسندی میباشد. زیرا که اصل انسان قطره آبی است که از آن ساخته شده است، و آنهم با تغییر مراحل که قطعاً در اختیار انسان نیست، آفریده شده است.

۱ - فراء محمد بن عبد الوهاب بن حبيب بن مهران ، أبو أحمد نیشاپوری مشهور به فراء . (بعد ۱۸۰ - ۲۷۲ هـ) از مشایخ شهرت یافته نیشاپور میباشد و از حفص بن عبد الرحمن فقیه معروف نیشاپور و جعفر بن عون و عبید الله بن موسی و یعلی بن عبید و غیره علم آموخته و حدیث روایت کرده است و از او بشرین الحکم و أحمد بن الأزهر و امام نسائی فی " سننش " و امام ابن خزیمه ، قال الحاکم نیشاپوری حدیث روایت کرده اند: در مطابقت به حدیث و فقه فتوا صادر میکرد و به مردمان عصرش به غرض فتوا به او مراجعه میکردند از روایان با اعتماد بوده امام مسلم او را تفه گفته و ابن حبان در جمع روایان معتمد شمرده است: [تهذیب التهذیب ۹ / ۳۸۸ ، ۳۱۹ ، و شذرات الذهب ۲ / ۱۶۳ ، و سیر أعلام النبلاء ۱۲ / ۶۰۶ ، و طبقات الحفاظ ص ۲۶۲]

۲-سوره طارق آیه: ۱۷.

۳-شاعر بنام اعشی از شعرای عصر جاهلیت بوده است ، دیوان الاعشی ، جزء ۳۱/ص ۱.

۴- ابن جوزی ، تفسیر زاد المسیر ، ج ۶/ص ۱۰۹ .

۴- یاد آوری اصل خلقت برای این است که انسان ها با حالات پست بالای زنده گی شان متعجب نشوند زیرا آنان در ابتدای خلقت نطفه و در وسط جسمی که زیبایی و افتخارش در لباس و در پایان زندگی جیفه بیش نیستند.^۱

۵- از این فرموده الله متعال: (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ، أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا) وجوب دفن میت در زمین ثابت میشود مگر در صورتی که این کار متعذر باشد مثل اینکه کسی در آب غرق شود و جسد او یافت نشود و یا اینکه کسی در کشتی بمیرد و در نگاه داشتن جسد تا رسیدن به ساحل نسبت تعفن جسد را کبین کشتی متضرر شوند، در اینصورت جایز است که جسد آن در بحر انداخته شود که در حکم غریق میباشد، پس سوزاندن میت انسان ولو اینکه مسلمانهم نباشد آنچنانی که هندوها اینکار را میکنند، جایز نمی باشد و خوردن آن به درنده گان یا پرنده گان لاش خوار نیز حرام و اهانت برای انسانیت است، چنانکه مجوسی ها و پیروان دین بودا انجام میدهند.^۲

مقطع چهارم-

و عید برای مکذبین به برگشت زشت در روز قیامت از آیه: ۲۹ الی ۴۰

^۱-مجموعه من العلماء ، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ، ج ۸/ص ۵۴۶.

^۲-ابن عاشور ، التحریر والتتویر ، ج ۴/ص ۴۳۲.

(انطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ) (انطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ) (لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ
اللَّهَبِ) (إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ) (كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ) (وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (هَذَا يَوْمٌ لَا
يَنْطِقُونَ) (وَلَا يُؤَدِّنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ) (وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ) (فَإِنْ
كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ) (وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (۱).

موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبت.

فرع اول- ترجمه آیات این مقطع.

(انطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ)

ترجمه: (به آنان گفته می شود :) به سویی همان چیزی رهسپار شوید که پیوسته دروغش
می شمردید .

(انطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ)

ترجمه: بروید به سویی سایه سه شاخه (دودهای خفقان بار و نفس گیر وبر خواسته از آتش
جهنم) .

(لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ)

ترجمه: نه سایه دار خنک و آسایش بخشی است ، و نه از سوزندگی شعله های آتش جلوگیری
می کند . (چرا که خود برخاسته از آتش است) .

(إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ)

ترجمه: آتشی که (چنین دود مرگباری از آن برمی خیزد) آتشپاره هایی از خود بیرون می
دهد که انگار کوچک (بزرگ و برافراشته ای) هستند .

(كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ)

ترجمه: آتشپاره هایی که انگار (از لحاظ رنگ و حرکت و سرعت) همچو شتران زردرنگی
هستند .

(وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه: در آن روز ، وای به حال تکذیب کنندگان !

(هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ)

۱-سوره المرسلات آیه: ۲۹-الی ۴۰ .

ترجمه: امروز ، روزی است که (تکذیب کنندگان آیات الهی ، دم نمی زنند و) سخن نمی گویند (چرا که خداوند بر دهانشان مهر سکوت می نهد) .

(وَلَا يُؤَدُّنَ لَهُمْ فَيْعَنْدُرُونَ)

ترجمه : و به ایشان اجازه داده نمی شود تا پوزش بطلبند و عذرخواهی بکنند .

(وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه : در آن روز ، وای به حال تکذیب کنندگان !

(هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ)

ترجمه: (بدیشان گفته می شود :) امروز ، روز داوری (در میان مردم) و جداسازی (مؤمنان از کافران و حق از باطل و بالاخره بهشتیان از دوزخیان) است ، شما را با همه پیشینیان گرد آورده ایم .

(فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا)

ترجمه: اکنون اگر حيله و چاره ای (برای گریز از چنگال عقاب و عذاب من) دارید ، نسبت به من انجام دهید(و با هر طرح و نقشه ای که می توانید خویشتن را از دست من برهانید) .

(وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه : در آن روز ، وای به حال تکذیب کنندگان !

فرع دوم- بیان مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی و محور سوره.

أ-مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی:

در آیات قبل دلایل اثبات قیامت بیان کرده شد تا آنجا که وقوع قیامت بعد ظهور رسید که برای اثبات آن دلیلی بیشتر از این نمیباشد لذا برای مکذبین به ویل (هلاکت و تباهی) حکم کرده شد و این حکم هلاکت سه بار تأکید کرده شد پس حق مخاطب این بود که بعد از این وضاحت و تخویف به قیامت و حساب ایمان بیاورد اما با وصف آن ایمان نیاورد در آیات این مقطع امر تذکر گردید که بر قهر و غضب دلالت میکند چنانچه به جهت تحذیر و تحدید الله متعال از وضعیت قهر و غضب خود خبر داده فرمود: { انطلقوا } شما ای کسانی که آمدن این روز را

تکذیب می‌کردید بروید: { إلی ما کنتم به تکذبون } بسوی چیزیکه تکذیب می‌کردید تا آنجا که تکذیب این روز به امر فطری شما تبدیل شده بود و آمدن این روز را کالعدم فکر می‌کردید.^۱

- در مقطع قبلی کفار و مکذبین بعذاب "یوم الفصل" (روز فیصله و حساب) تهدید کرده شد در آیات این مقطع کیفیت عذاب آنها در قیامت با افتضاح آنان در حضور داشت همه ی خلائق و با سوق دان شان بسوی جهنم و به اینکه هیچ عذری از آنها پذیرفته نمیشود، بیان شده است و این سه نوع تخویف و تهدید کفار است که در آیات این مقطع بیان شده است.^۲

ب- مناسبت آیات این مقطع با محور سوره:

محور سوره که عبارت از: "بعث، معاد" (زنده شدن پس از مرگ)، حتمی بودن وقوع آن، بیان حالات قیامت و هول ناکی آن میباشد که در مقطع قبل ادله بعث (یقینی بودن زنده شدن پس از مرگ) بیان شد در آیات این مقطع وضعیت وقوع بعث و حالات مکذبین بعث بیان شده است بصورتی که آن را مثل حاضر و مشاهد قرار داده شده تحذیرا برای منکرین گفته میشود:

{ انطلقوا الی ما کنتم به تکذبون }.

- در آیات این مقطع چهار وصف از اوصاف روز قیامت بیان کرده شده است:

- حشر و وضعیت انسان ها بخصوص کسانی که آمدن این روز را تکذیب میکردند.

- جهنم و بیان کیفیت آن از حیث محل عذاب به تولید دود که سبب تعذیب مکذبین در محشر میشود و تولید شراره های آتشین با تشبیه آن به قصرها و شتران زرد رنگ.

- بیان وصف روز قیامت به نفی نطق از منکرین و عدم توان آنان به عذر خواهی، یعنی در این روز مکذبین دلیلی بر عذر خواهی به غرض نجات شان ندارند.

- بیان عجز کفار و مکذبین از حيله و تدبیر برای نجات از عذاب .

و بعد از بیان هریک از این اوصاف جمله: (وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ) تکرار شده است که تهدیدی برای کفار و مکذبین در امر تکذیب پیغمبران و انکار از روز قیامت بوده است.^۳

موضوع دوم- تفسیر موضوعی، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع.

^۱ - بقاعی، نظم الدرر، ج ۹/ص ۲۹۸.

^۲ - مجموعة من العلماء، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۸/ص ۵۴۹.

^۳ - محمد حبیب مختار، المبارک، ط (۱۴۳۳هـ) التناسق الموضوعی لسور القيامة والانسان والمرسلات، الرسالة لنیل الدرجة (المجستير) فی التفسیر وعلوم القرآن بجامعة ام القرى السعودية. ص: ۲۰۸.

فرع اول - تفسیر موضوعی آیات این مقطع.

در این آیه ها زجر و توبیخ برای کفار و تکذیب کننده گان بعث (زنده شدن پس از مرگ) و برپایی قیامت و جزا و پاداش است، بعد از اینکه از قبرها بر میخیزند فرشته گان موظف آنان را بسوی محشر سوق میدهند و توبیخا به آنها میگویند «به سوی همان چیزی که آن را در دنیا مسخره کنان دروغ می شمردید بروید» این سخن را نگهبانان جهنم از سر تحکم و کوبیدن تکذیب کنندگان و منکران به آنان می گویند، مراد از: (إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكذِّبُونَ) همان حساب و عذاب جهنم است چنانچه در آیه دیگری از سوق دادن کفار به طرف جهنم اطلاع داده شده است: (يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً) ^۱ «در آن روز اینان بسوی آتش جهنم سوق داده میشوند. زیرا بعث و نشور متحقق شده است و چیزی که پیشرو است حساب و جزا میباشد یعنی: بروید به سوی عذاب دوزخ که آن را در دنیا دروغ می شمردید. وضعیت کفار در آن روز طوری است که کفر و بار گران گناهان آنان را وحشت زده ساخته و غم و اندوه چهره های شان را سیاه گردانیده است و این فرمان ملائکه غم و وحشت شان را میافزاید و به حال شرم ساری و اندوه یکدیگر را سرزنش کنان پیش میروند. ^۲

(انظَلُّوا إِلَىٰ ظِلٍّ ..)

لفظ "انظلقوا" بقصد از دیداد توبیخ، سرزنش و اهانت کفار تکرار شده است، مقتضای ظاهر این بود که بدون تکرار عامل (الی) گفته میشد: «انظلقوا إلی ما کنتم به تکذبون ظلل» اعاده عامل برای تأکید سرزنش آنان است و مراد از "ظل" (سایه) دود جهنم است، از آن به سایه تعبیر شده است بجهت اظهار خشم بر آنان است، زیرا آنان در این وضعیت بد و شدت گرما در محشر میخوانند سایه ی باشد که لحظه ی راحت حاصل نمایند. ^۳

پس برایشان گفته میشود: «بروید به سوی سایه ای دارای سه شاخه» (به سوی سایه ای از دود جهنم که با پیکر های کوه مانند چنان بلند گردیده که به سه شاخه جداگانه تقسیم شده است؛ در زیر آن سایه ها بروید تا کار حساب پایان یابد.

^۱ -سوره طور، آیه: ۱۳.

^۲ -شوکانی، تفسیر فتح القدر، ج ۷/ص ۳۸۹.

^۳ -ابن عاشور، التحریر والتتویر، ج ۱۶/ص ۷.

واینکه مراد از این «ظل» سایه دود جهنم است نه سایه دیگری در آیات دیگر چنین آمده است : (وَظِلٌّ مِّنْ يَحْمُومٍ ، لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ)^۱.

ترجمه : و در سایه دودهای بسیار سیاه و گرم قرار خواهند گرفت . نه خنک است و نه مفید فایده ای . « يَحْمُومٍ » : دود پرحرارت و بسیار غلیظ و سیاه که در فضا منتشر شود و در زمین سایه ی را ایجاد کند.^۲

(ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ) خاصیت دود های سیاه و غلیظ همیگونه است و قتیکه به فضا منتشر شود شکل ابر را به خود گرفته و به شاخه های کوه مانندی تقسیم میشود و اینکه این شاخه ها به عدد سه تخصیص داده شده، اشاره به وضعیت تکذیب آنان در دنیا است، زیرا آنان الله سبحانه – کتاب آسمانی – و پیغمبران را تکذیب نمودند و به قولی از خصوصیت های زیانه آتش جهنم این است که هرگاه بلند شود سه شاخه میکشد و از آن سه چیز (نار، نور و دخان) نشأت میکند ، نور پیش روی مؤمنان در محشر قرار میگیرد و آنان را روشنایی میبخشد و آتش و دود آن به کفار و منافقان میرسد که گرم و اذیت کننده میباشد و این وضعیت تا زمان ختم محاسبه در محشر ادامه میابد.^۳

به تعقیب اینکه از سایه دود تذکر گردید فرمود: (لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ) «که نه سایه آن سرد است و نه گرمی آتش را بازمی دارد، مراد از "لهب" شعله آتش میباشد و قتیکه بلند شود در اطراف خود گرمای زیادی تولید میکند یعنی: آن دود نه مانند سایه های دنیا سرد است و نه گرمای سوزان جهنم را از شما بازمی دارد.^۴

و یا اینکه کفار توسط همین دود در محشر از سه جانب احاطه میشوند (از جانب بالا، و طرف راست و چپ) و پیشروی ایشان جهت سوق دادن به محل محاسبه باز میباشد و یا اینکه از یک عذاب به عذاب دیگر منتقل میشوند و مؤمنان در زیر سایه عرش قرار دارند و این وضعیت تادم ختم حساب ادامه میابد.^۵

^۱ -سوره واقعه آیه: ۴۳-۴۴ .

^۲ -مجموعه من العلماء، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۸/ص ۵۴۹ .

^۳ -بقاعی، نظم الدرر، ج ۹/ص ۲۹۹ .

^۴ -ابن عاشور، التحریر و التئیر، ج ۱۶/ص ۹ .

^۵ -نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین القمی النیشابوری، المتوفی (۸۵۰هـ) ط (۱۴۱۶هـ) غراب القرآن و رغایب الفرقان، التحقیق شیخ زکریا عمیرات الناشر دار الکتب العلمیة بیروت الطبعة الاولى، ج ۲۹/ص ۳۳۷ .

و در آیه دیگری آمده است الله متعال میفرماید: (وَقَلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَنْغِثُوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا) ^۱.

ترجمه: بگو: حق (همان چیزی است که) از سوی پروردگارتان (آمده) است (و من آن را با خود آورده ام و برنامه من و همه مؤمنان است) پس هرکس که می خواهد (بدان) ایمان بیاورد و هرکس می خواهد (بدان) کافر شود. ما برای ستمگران آتشی را آماده کرده ایم که (از هر طرف ایشان را احاطه می کند و) سراپرده آن، آنان را در بر می گیرد، و اگر (در آن آتش سوزان) فریاد برآورند (که آب)، با آبی همچون فلز گداخته به فریادشان رسند که چهره ها را بریان می کند! چه بد نوشابه ای! و چه زشت منزلی!

زحیلی رحمه الله ^۲ گفته است: مراد از "سرادق النار" دود میباشد که از آتش جهنم نشأت میکند و اینکه آتش "ظل" (سایه) نامیده شده مجازا بوده است زیرا که آتش آنان را از هر جانب احاطه میکند آنچنانی که دود اشیای ماحول خود را تحت پوشش قرار میدهد. ^۳
چنانچه در آیه دیگری "ظل" (سایه) به "نار" تفسیر شده است: (لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلٌّ مِنَ النَّارِ، وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلٌّ) ^۴.

ترجمه: بالای سرشان سایبانهایی از آتش و در زیر پاهایشان سایبانهایی از آتش دارند (و بلکه از هر سو آتش بر آنان خیمه زده است و طبقات آتش ایشان را فرا گرفته است).
و از جهت اینکه سایه که از دود جهنم نشأت کرده است نوعی از عذاب است نه سایه ی که در آن راحت و آسایش باشد، لذا الله متعال فرمود: (لَا ظَلِيلٍ، وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ)

^۱-سوره کهف آیه: ۲۹.

^۲-زحیلی، دکتور وهبه مصطفی الزحیلی در سال (۱۹۳۲)م در یکی از قریه های نواحی دمشق به دنیا آمده است از پدر پنج برادر بودند که چهار ایشان در حیات پدر شان به سوپه دکتورا تحصیل نمودند او تعلیمات ابتدائی را در زاد گاهش به پایان رسانیده و سپس دوره تحصیلی لسانس را مدت شش سال در کلیه شرعیه جامعه دمشق سیری نموده و سپس او سند تحصیلی لسانس را با اجازه تدریس به دست آورده و در جامعه دمشق بعد از فراغتش مصروف تدریس میشود و ماستری اش را از کلیه حقوق جامعه قاهره در سال (۱۹۵۹)م گرفته است و در جامعه از هر شامل مرحله دکتورا میشود و سند تحصیلی این مرحله را در سال (۱۹۶۳)م در رشته حقوق شرعی به دست آورده است او یکی از علماء بزرگ و فقهاء معاصر میباشد که تألیفات زیادی از او به چاپ رسیده است که از مشهورترین آن در علم تفسیر (تفسیر المنیر) و در فقه مقارنه کتاب «الفقه الاسلامی وادلته میباشد. المعجم الجامع فی تراجم الفقهاء وطلبة ج ۱/ص ۳۶۸.

^۳- وهبه الزحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۱۵.

^۴-سوره زمر آیه: ۱۶.

یعنی این سایه که آنها را احاطه میکند، سایه آرام بخش نیست که فکر میکنند زیرا معنای « ظَلِيلٍ » سایه ای است که آرام بخش و خنک باشد و واقعاً سایه به حساب بیاید .

زیرا این سایه که از دود جهنم نشأت میکند در داخل جهنم نیز مییابد لذا در این آیه نوعی زجر دادن به کفار است باینکه الله اسباب راحت را نیز برای آنها به عذاب تبدیل مینماید یعنی در محشر و جهنم سایه وجود دارد البته مثل سایه مؤمنان نیست ، به اینکه نه حرارت آفتاب را منع میکند و نه خنکی و راحت در آن وجود دارد.^۱

(إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ .)

«هرآینه دوزخ شراره هایی مانند قصر می افکند» یعنی: هر شراره ای از شراره های دوزخ که آن را می افکند، در بزرگی خود مانند کاخی از کاخهاست . شرر: شعله ای است که از آتش پراکنده می شود. قصر: بنایی عظیم و برجی آسمان خراش را گویند.

البته از اینجا وضعیت دیگری کفار و مکذبین بیان شده است: یعنی اینها بعد از محاسبه به اصل جهنم فرستاده میشوند که در آنجا آتشی چون کوهای آتش فشان مییابد و دوزخ شراره های آتش را به شدت میافکند و سپس دو وصف آتش فشانی جهنم بیان میشود:

- كَالْقَصْرِ (در بزرگ و ارتفاع) همانند قصر چند طبقه ی بوده است.

- كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ (در رنگ و کثرت تتابع پیهم آمدن و سرعت) مثل شتران زرد رنگ است.^۲ در این آیت زبانه های آتش جهنم به دو چیز تشبیه شده است که مقصد از تشبیه اول بیان عظمت و بزرگی آتش جهنم است و مقصد از تشبیه دوم ، بیان شدت اشتعال آتش جهنم مییابد و هدف از این تشبیه نسبت به کفار زجر و توبیخ بوده است گویا اینکه گفته شده است: شما مطابق عقیده و ثنیت و آتش پرستی آتش را کرامت ، نعمت و زیبایی فکر میکردید حالا ببینید که آن کرامت و زیبایی همین شعله و زبانه ها است.^۳

نیشاپوری ، رحمه الله.^۴ گفته است: از لطایف این تشبیه این است که یک بار به قصر تشبیه داده شده است که محل امن بوده و از مهمترین مکان زندگی است که انسان ها به آن فخر

۱- وهبه الزحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۱۶.

۲- مرجع قبلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۲۷.

۳- مجموعة من العلماء، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۸/ص ۵۴۹.

۴- نیشاپوری، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین القمی النیشاپوری معروف بنظام أعرج یکی از پیشوایان پیشتاز در علم تفسیر بوده در قم ایران دنیا آمده و از علماء قرن نهم هجری و درجه علمی اش قریب به جلال الدین دوانی و ابن حجر عسقلانی بوده است و از تصنیفات

کرده و دارایی خود را در اعمار آن بمصرف میرساند پس در این تشبیه توبیخ بزرگی برای کفار بوده است به اینکه آنها در همین مکان امن و آسایشی که در دنیا از آن لذت میبردند مورد عذاب الهی قرار میگیرند.

و در بار دوم به شتر های زرد رنگ تشبیه داده شده است ، شتران که رنگ سیاه مایل به زردی داشته باشد از عمده ترین شتران است که عربها به آنها افتخار میکنند و همچنان در مورد همین شترها به این باور بودند که این شترها ناگهانی وحشت زده شده فرار کنند مالک آن دچار مصیبت بزرگی خواهد شد لذا شراره آتش جهنم در سرعت و شدت عذاب به همین شتر ها تشبیه داده شد تا اینکه مطابق زعم شان به فهم شان نزدیک باشد.^۱

چون شراره آتش به هوا پراکنده شده فروافتد و در آن باقی مانده ای از رنگ آتش باشد، شبیه ترین چیز به شتر سیاه رنگ است که مایل به زردی میباشد.

(وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) یعنی افسوس به حال این تکذیب کننده گان پیغمبر و روز آخرت بعد از مشاهده این شرم ساری ،رنج و عذاب.

وسپس الله متعال نوع دیگری عذاب آخروی کفار و مکذبین را بیان نموده است و آن عبارت از بطلان حجت و عدم قبول عذر از طرف آنان است زیرا در جرم های دنیوی دلیل و حجت پذیرفته شده و عذر مورد قبول قرار میگیرد لذا فرمود: (هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ) یعنی این روزی است که کافران از هول و هراس آنچه که در محشر روی داده است توان سخن گفتن ندارند، ویا اینکه برای آنان اجازه داده نمیشود که برای تکذیب و ارتکاب معاصی که در دنیا انجام داده اند دلیل و حجتی بیان کنند، ویا اینکه آنان قدرتی بر دفع عذاب از خود ندارند.(وَلَا يُؤَدِّنُ لَهُمْ فَيْعَتْرُونَ) «و نه به آنان اجازه داده می شود که عذرخواهی کنند» یعنی: الله عزوجل به آنان این اجازه را نیز نمی دهد که عذری را پیشکش کنند بلکه حجت بر آنها تمام گردیده و دیگری عذری برایشان باقی نمانده است.^۲

مشهور او - شرح شافیه الإمام ابن الحاجب - طبع فارس - غرائب القرآن و رغائب الفرقان - که بتفسیر نیشاپوری معروف بوده است. شذرات الذهب / ۲ / ۱۶۳ (روضات الجنات ص ۲۲۵)

^۱-نیشاپوری ، نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی النیشاپوری (المتوفی: ۸۵۰هـ)ط(۱۴۱۶هـ) غرائب القرآن و رغائب الفرقان المحقق: الشيخ زکریا عمیرات الناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت الطبعة: الأولى، ۲۹۰/ص ۱۳۹.

^۲-زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۲۸.

پس وای بر حال این کفار تکذیب کننده روز قیامت که دچار شرم ساری شده و توان اقامه حجت و عذر خواهی را ندارند.

و یا اینکه مراد از عدم نطق به اقامه حجت و عدم اجازه برای عذر خواهی این است که آنان حجتی برای دفع مفساد و منکراتی که مرتکب شده اند ندارند و قدرت و توانی برای دفع آن را نیز ندارند چنانچه الله متعال در مورد عذر خواهی کسانی که بعد از ایمان کفر ورزیده اند فرموده است: (لَا تَعْتَذِرُوا ، قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ)^۱.

ترجمه: (بگو: با چنین معذرت‌هایی بیهوده) عذر خواهی نکنید. شما پس از ایمان آوردن، کافر شده اید.

و در مورد عذر خواهی کفار فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ ، إِنَّمَا تُجْرَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)^۲.

ترجمه: (در روز قیامت خطاب به بی دینان گفته می شود) : ای کافران ! امروزه پوزش نخواهید و عذر خواهی نکنید ، چرا که تنها در برابر کارهایی که (در دنیا) می کرده اید کیفر داده می شوید.

و اینکه برای آنان در این مرحله به عذر خواهی اجازه داده نمیشود زیرا الله متعال انذار را در دنیا مقدم کرده است چنانچه در ابتدای این سوره فرمود: (فَأَلْمُفِيَاتِ ذِكْرًا ، عُذْرًا أَوْ نُذْرًا) . «برای (اتمام حجت با بندگان و رفع) عذر ، و بیم دادن (ایشان از عذاب) .

و سپس الله متعال از یک نوع دیگری تهدید کفار خبر داده فرمود: (هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ، جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ)

«این همان روز فصل» و داوری «است ، شما را با پیشینیان گردآوردیم» یعنی: به کفار گفته می شود: این همان روز داوری و فیصله نهایی است که در آن میان خلائق فیصله می شود و در آن حق از باطل جدا می شود پس ای کفار قریش و ای تکذیب کنندگان این امت ! ما شما را در این روز با کفار امتهای گذشته در یک محل واحد و برای جزای واحد گردآورده ایم^۳.

^۱-سوره ،توبه آیه: ۶۶ .

^۲-سوره تحریم آیه: ۷ .

^۳-وهبه الزحیلی ،التفسیر المنیر ، ج ۲۹/ص ۳۲۸ .

(فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا) یعنی: اگر هم اکنون در دفع کردن عذاب از خود بر نیرنگی توانایی؛ آن را عملی نمائید البته به هیچ وسیله قدرت دفع عذاب را ندارید، پس این آیه مفید نهایت تحقیر، تخجیل، تعجیز و توبیخ کفار است که نوعی از عذاب روحی میباشد.^۱

(وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) «وای در آن روز بر تکذیب کنندگان» عذاب روز قیامت زیرا در آن روز هیچ حيله و تدبیری در نجات از عذاب آن روز ندارند.

فرع دوم- شرح کلمات بارز و مصطلحات آیات این مقطع.

{انْطَلِقُوا} انطلاق مصدر "انطلق" بمعنای سیر و حرکت است یعنی راه رفتن و راه پیمودن و رها کردن چیزی از بند "والانطلاق: الذهاب" (راه رفتن) و این ماده در برطرفی عقد نکاح نیز بکار رفته است.^۲

این لفظ خطاب برای مکذبین و اخبار از امتثال امر در حالت اضطرار است، یعنی پیوسته با وقوع بعث مکذبین به این لفظ مورد خطاب قرار میگیرند و در این موقع ناگزیرند امر را بپذیرند و بسوی جای که امر به حرکت داده شدند بروند "إِلَى ظِلٍّ" ظل ظلال در مقابل "حَرِّ" (گرمی) قرار دادرد چنانچه در آیه ی آمده است: (وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ).^۳ «و سایه و گرمای سوزان هم یکی نیست» و سایه از قرار گرفتن جسمی در برابر شعاع آفتاب حاصل میشود و لفظ هم معنای آن "فیئ" است.^۴

و آن سایه از بلند شدن دود جهنم در فضای محشر حاصل میشود، شوکانی رحمه الله گفته است: «المراد بالظل هنا هو السرادق» مراد از "ظل" در این آیه "سرادق" میباشد و "سرادق" دودی است با گرمای شدید که از جهنم نشأت میکند و آن دود در جهنم بصورت کامل کفار و مجرمان را احاطه میکند و در محشر از سه جهت کفار را احاطه می نماید.^۵

و در آیه آمده است: (إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا).^۶

۱- ابن عاشور التحرير والتنوير، ج ۱۶/ص ۱۲. وهبه الزحيلي، التفسير المنير، ج ۲۹/ص ۳۲۹.

۲- جوهري، الصحاح في اللغة، ج ۱/ص ۴۲۸.

۳-سوره فاطر آیه: ۲۱.

۴- فيومي، احمد بن احمد بن علي ط (۱۴۰۹) هـ مصباح المنير في شرح غريب الحديث، المكتبة العلمية بيروت. ج ۵/ص ۴۸۵.

۵- شوکانی، تفسیر فتح القدير، ج ۷/ص ۳۸۹.

۶-سوره كهف آیه: ۲۹.

ترجمه: ما برای ستمگران آتشی را آماده کرده ایم که (از هر طرف ایشان را احاطه می کند و) سرپرده، آنان را در بر می گیرد.

(ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ) دودی که از جهنم بلند میشود و به سه قسمت بزرگ تقسیم میشود.

{شعب}: جمع شعبه قسمت از یک شیئی را گویند، مراد از آن در آیت فروع و شاخه های است که از دود جهنم تشکیل شده است، زیرا آتش و قتیکه اشتعال آن بزرگ شود دود آن از دو طرف و وسط بلند میشود، و احاطه این دود و توصیف آن به حیث سایه تحذیری بوده و نوعی از عذاب میباشد نه راحت و آسایش. آن چنانی که مؤمنان در زیر سایه عرش میباشند.

{لَا ظَلِيلٍ} ظلیل سایه که حرارت و گرما را دفع نکند و این لفظ توهم ناشی از لفظ "ظل" را برطرف میکند زیرا سایه که از دود جهنم تشکیل میشود سایه دفع کننده حرارت نیست و "ظلیل" سایه ی را گفته میشود که از حرارت آتش تشکیل شده خنکی و دفع گرما در آن نباشد و مراد از تقسیم شدن آن به سه قسمت احاطه کفار از سه جهت (بالای سر و دو طرف راست و چپ) در محشر است تا اینکه محاسبه تمام شود.^۱

(وَلَا يُغْنِي مِنَ الْهَبِّ) الإغناء: غیر محتاج قرار گرفتن یک شیئی یعنی برای آنان غرض اظلال که دفع گرما است حاصل نمیشود، زیرا از این سایه خصوصیت "اظلال" سلب شده است مثل این فرموده الله متعال به حکایت از یعقوب علیه السلام: (وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ)^۲.

ترجمه: ای فرزندانم! از يك در (به مصر) داخل نشوید ، بلکه از درهاي گوناگون وارد شويد (تا از حسادت حسودان و چشم زخم پلیدان در امان بمانید . ولي بدانید که من با این تدبیر) نمی توانم چیزی را که خدا مقرر کرده باشد از شما به دور سازم .

{لهب} شعله ی که از آتش زبانه زند و در اطرافش گرمای شدیدی را تولید کند، جرقه هایکه از قوغ آتش نشأت کرده و به فضا پرواز کند در این فرموده الله متعال: (سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ)^۳. «به آتش بزرگی در خواهد آمد و خواهد سوخت که زبانه کش و شعله ور خواهد بود.

^۱-ابوسعود، تفسیر ابوسعود، ج ۶/ ۴۳۰.

^۲-سوره یوسف آیه: ۶۷.

^۳-سوره مسد آیه: ۳.

بعد از اینکه کفار مشاهد قیامت را که به آن تکذیب می‌کردند مشاهده نمودند، اضطراب، یأس و نومیدی آنان را فرا گرفت گفته شد به سوی آنچه که تکذیب می‌کردید بروید مثل این است که کسی را برای کشتن سوق داده میشد ناگهان در مسیر راه کسی را دید که شمشیر بدست دارد به او گفته شد که این شخص همان جلاد است خوف و اضطراب او چند برابر میشود لذا به تعقب آن الله متعال فرمود: (إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّرٍ كَالْقَصْرِ)

وشرر: اسم جمع بوده که مفردش "شَرَّرَة" است وشرر عبارت از جرقه های آتشی است که در حین سوختن چوب در آتش همراه با "لهب" (شعله) بیرون شده در هوا منتشر میشود که شدت التهاب آتش را نمایان میکند که همین "شراره ها" در بزرگی به قصر و در رنگه، سرعت و پرکنده شدن به شتران زرد رنگ در حین دوش تشبیه شده است.^۱

ماده "شرر": بمعنای بد و ضرر است راغب اصفهانی گفته است: شر آنست که همه از آن اعراض میکنند چنانکه خیر آنست که همه بآن مایل میشوند و خیر نفع خوب و شر ضرر قبیح است. در آیه ی آمده است: (وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ)^۲. «بسا اوقات شما چیزی را (به نفع خود) می‌پسندید در حالیکه آن چیز به ضرر شما است.

و در آیات گاهی معنی ضرر مناسب است مثل آیه فوق و گاهی معنای قبیح و بد مثل این آیه (أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا)^۳. «شما مقام و منزلت بدی (در پیشگاه خدا) دارید.

در اقرب الموارد گوید: شرّ اسمی است جامع تمام رذائل و خطایا و چنانکه گفته میشود «فلان شرّ النَّاسِ» اسم تفضیل است "همزه" آن در اثر کثرت استعمال حذف شده چنانکه در «فلان خیر النَّاسِ» نیز همین گونه است.

و (شریر): مضرّ، مفسد، ظالم. جمع آن اشرار است در آیه آمده است: (وَ قَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ)^۴.

«ماچرا کسانی را نمی بینیم که (در دنیا) ایشان را از زمره بدان و بدکاران به حساب می آوردیم ؟

۱ - شوکانی، تفسیر فتح القدير، ج ۷/ص ۳۸۱.

۲-سوره بقره آیه: ۲۱۶.

۳-سوره یوسف آیه: ۷۷.

۴-سوره ص آیه: ۶۲.

"رجل شریر" (مرد شرور و فتنه انگیز.

اصفهانی رحمه الله^۱ در مورد ریشه یابی لفظ "شرر" و معانی آن گفته است: قوم اشرار: مردمی فتنه انگیز.

اشرته: او را به شرّ و بدی نسبت دادم.

گفته اند- اشررت کذا- مثل- اظهرته- است، یعنی آشکارش کردم.

و از- اشرته- باشد وقتی که او را به شرّ و بدی نسبت دهی. (الشّرّ: با ضمّه حرف (ش) مخصوص عیب و ناپسند و مکروه است.^۲

(شرّه شرّاً: او را عیبی کرد و ناروا گفت) شرار النار: فروزش و شعله آتش که زبانه می کشد، علّت تسمیه شعله آتش به شرار برای این اعتقاد است که از آتش، شرّ و بدی تصوّر می کردند.

که در آیه: (تَرْمِي بِشَرِّرٍ كَالْقَصْرِ) شرر به همین معنا بکار رفته است.^۳

و آتش جهنم به این وصف معرفی شده است اشاره به شدت انزجار کافران از عذاب روز قیامت و بد حال بودن آن است.

(كَالْقَصْرِ) تعمیر و بنای بزرگ و محکم که در ارتفاع بلند و چند طبقه اعمار شده باشد تشبیه

در بزرگی و ارتفاع (شاخه های آن دود در بزرگی و ارتفاع چون قصر بوده است)

{جِمَالَتْ} جمع جمل شتر قرمز رنگ مایل به زردی، تشبیه در شکل، رنگ و سرعت حرکت

بوده است و مرجع ضمیر "کانه" لفظ "شرر" میباشد.^۴

و تأکید خبر به (إِنَّ) به جهت اهتمام (بیان اهمیت این امر) است زیرا کفار در آن وقت هیچ شکایتی کرده نمیتوانند.

. وَالصُّفْرَةَ : عبارت از رنگ آن شراره های جهنم است البته در وقتیکه از شعله آتش جدا شود.

۱ - الراغب حسین بن محمد بن المفضل، أبو القاسم الأصفهانی، تاریخ تولدش معلوم نیست در سال (۵۰۲) هـ در اصفهان ایران وفات کرده یکی از علماء همعصر امام غزالی رحمه الله میباشد اُدیب، لغوی، حکیم، مفسر. میباشد از اهل " اصفهان " بوده در بغداد، سکونت کرده است و در تألیف و تصنیف شهرت یافته است از تصنیفات آن ((الذریعة إلى مکارم الشریعة " ، و " حل متشابهات القرآن " و جامع التفسیر والمفردات فی غریب القرآن ")) میباشد. [الأعلام ۲ / ۲۷۹، ومعجم المؤلفین ۴ / ۵۹].

۲- این منظور، لسان العرب، ج ۴/ص ۴۰۰.

۳- اصفهانی، مفردات القرآن، ج ۲، ص: ۳۱۱.

۴- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۲۹.

و در قرائتی: { جُمالات } بضم "جیم" همراه با "الف" بعد از "لام" آمده است مفردش "جمالة" بضم "جیم" و ألف بعد از "لام" آمده است معنای آن بنا به این قرائت ریسمانی است که توسط آن کشتی در ساحل بسته میشود یعنی آن دود جهنم در فضاء مثل ریسمان تابیده شده است و لفظ "صفر" در اینصورت صفت برای "جمالات" میباشد.^۱

(هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ) اگر اشاره به "هذا" به ظاهرش حمل شود مشار الیه آن "یوم الحاضر" است که همان یوم الفصل میباشد پس جمله تنمیه آنچه هست که در آن روز بعد از "انطلقوا.." به آنان گفته میشود پس انتقال از یک خطاب به خطاب دیگر است یعنی: (هذا یوم یقال لهم انطلقوا..) و (هذا یوم لا ینطقون) که این روش یکی از روش های تحسینی در کلام است یعنی این کفار بعد از اهانت به سوق دادن بسوی جهنم مستحق اهانت رفع صلاحیت سخن گفتن نیز هستند و این توجیه با آیه بعدی آن (هَذَا يَوْمٌ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَئِیْنَ). (به ایشان گفته می شود:) امروز، روز داوری (در میان مردم) و جداسازی (مؤمنان از کافران و حق از باطل و بالاخره بهشتیان از دوزخیان) است، شما را با همه پیشینیان گرد آورده ایم.

و موقع این جمله در اینصورت تکرار این جمله "توبیخ" (سرزنش کفار) میباشد.^۲ و اگر اشاره در این آیه به مذکور (یوم الفصل ..) قبلی باشد این آیت (هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ) پس مخاطب آن کسانی اند که توسط قرآن مخاطب قرار گرفته ان یعنی مشرکان مکه و سایر منکرین رسالت پیغمبر آخری (محمد ص) است و این خطاب نوعی انذار برای آنان است یعنی شما ای مشرکان مکه و کسانی که بعث و قیامت را تکذیب کرده اید بدانید: (هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ). امروز، روزی است که (تکذیب کنندگان آیات الهی، دم نمی زنند و) سخن نمی گویند.^۳

و {یوم} مضاف و جمله { لا ینطقون } مضاف الیه میباشد (آن روز است به مدلول این جمله شناخته میشود) و دلیل عدم تنوین (هَذَا يَوْمٌ ..) این است که به جمله مضاف شده است، و جمله بعدی { ولا یؤذن لهم فیعتذرون } عطف بر جمله { لا ینطقون } میباشد یعنی، "لا یؤذن إذناً یتفرع علیه اعتذارهم" به آنان اجازه سخن گفتن داده نمیشود که عذر خواهی کنند،

^۱- شوکانی، تفسیر فتح القدر، ج ۷/ص ۳۹۲.

^۲- طبری، تفسیر الطبری (جامع البیان) ج ۲۴/ص ۱۴۱. وزحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۰.

^۳- ابن عاشور، التحریر والتنویر، ج ۱۶/ص ۲۳۱.

و بهمین دلیل لفظ { فیعندرون } مرفوع آمده است نه منصوب زیرا که مقصود نفی اذن نیست بلکه نفی عذر میباشد یعنی به آنان اجازه عذر خواهی داده نمیشود تا اینکه آنان از کفر و انکار شان عذر خواهی^۱.

پس در میان این آیت و آیات دیگری که از عذر خواهی کافران خبر داده شده است تعارضی نیست زیرا در این آیت اعتذار بعد از قضا و صدور حکم نفی شده است مثل این فرموده الله تعالی: (قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ)^۲.

ترجمه: کافران می گویند: پروردگارا! ما را دوبار میرانده ای و دوبار زنده کرده ای، و ما (در این مرگها و حیاتها به قدرت تو پی برده ایم و همه چیز را فهمیده ایم، اکنون) به گناهان خود اعتراف می کنیم، آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ و بازگشت به دنیا و جبران مافات) وجود دارد؟!

این اعتذار قبل از فرارسیدن روز صدور حکم و فیصله الهی است و همین جواب ابن عباس ت برای نافع بن ازرق بوده است، در روایتی آمده است نافع ت میگوید: «إني أجد في القرآن أشياء تختلف علي قال الله: { ولا يتساءلون } [المؤمنون : ۱۰۱] ، وقال: { وأقبل بعضهم على بعض يتساءلون } [الصافات : ۲۷] فقال ابن عباس: لا يتساءلون في النفخة الأولى حين نُفخ في الصور فصعق من في السماوات ومن في الأرض فلا يتساءلون حينئذٍ ، ثم في النفخة الثانية أقبل بعضهم على بعض يتساءلون»^۳.

(هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ) (۳۸) فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا (۳۹)

تکرار این جمله (هذا يوم الفصل) برای سرزنش مشرکان بعد سرزنش به { انطلقوا الى ما كنتم به تكذبون } بوده است و اشاره در این جمله به مشاهداتی است که در آن روز آنان می بینند، از قبیل زنده شدن انسانها و حضور شان در محشر، صورت عملی حساب و فیصله، دوزخ و جنت میباشد. و خبر دادن توسط اسم اشاره که " این روز فیصله " است باعتبار این است که کفار آنچه را که در دنیا با دلیل برای شان گفته شده بود و آنان انکار میکردند بخاطر میاورند

^۱- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۱.

^۲- سوره غافر آیه: ۱۱.

^۳- تفسیر بغوی، ج ۲/ص ۲۱۸ و تفسیر الخازن، ج ۲/ص ۹۴ و حدیث ابن عباس رض را، الطبری فی التفسیر: ۳۷۳ / ۸ - ۳۷۴. آورده است.

و بهمین دلیل معذرتی هم کرده نمیتوانند پس گویا اینکه صورت زنده این روز هم اکنون متصور است که در دنیا کفر ورزیده بودند و حالا جز یقین کردن به آن مجال دیگری برایشان نیست.^۱

{الفصل}: جدا شدن و آشکار شدن یکی از دو چیز از دیگری است تا اینکه میانشان شکاف و فاصله ایجاد شود و از این معنی واژه- مفاصل- است مفردش- مفصل میباشد.

فصلت الشاة: مفاصل گوسفند را قطع کردم.

فصل القوم عن مکان کذا: آن مردم از آن مکان جدا و دور شدند.

انفصلوا: جدا شدند.^۲

در آیه: (وَ لَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ)^۳ (هنگامی که کاروان (از مصر به سوی شام) حرکت کرد ، پدرشان (به کسانی که پیش او بودند) گفت : اگر مرا بی خرد و بی مغز ننماید ، (به شما می گویم) من واقعاً بوی یوسف را می بویم ! .

معنی جدا شدن در واژه فصل در کارها و گفتارها هر دو بکار میرود مثل آیه: (إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ)^۴.

فصل الخطاب: سخن یا نوشته ای است که در آن، حکم و قضیه ای قطعیت پیدا می کند.

حکم قضایی را فیصله گفته شده زیرا حق به صاحب حق سپرده شده و متخاصمین از هم جدا میشوند، «یوم الفصل» که در آیات متعدد قرآن کریم استعمال شده است یکی از نام های روز قیامت بوده و در میان خلائق داوری صورت میگیرد: و آیه: (هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ)^۵. (یعنی روزی که حق از باطل تبیین و روشن میشود و با حکم و داوری میان مردم فیصله میشود).^۶

وجمله (جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَئِينَ) جمله بیانیه بوده فصل را توضیح میدهد به اینکه فیصله در میان همه ی انساها اولین و آخرین و نیکوکاران و بدکاران صورت میگیرد پس ضرور است که

۱- وهبه الزحیلی ، تفسیر المنیر ، ج ۲۹ ، ص : ۳۱۷ .

۲- اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج/۱ ص/۱۷۳۰. وابن منظور، لسان العرب، ج/۱۱ ص/۵۲۱.

۳-سوره یوسف آیه: ۹۴.

۴-سوره دخان آیه: ۴۰.

۵-سوره الصافات آیه: ۲۱.

۶- اصفهانی ، مفردات الفاظ القرآن ، ج/۱ ص/ ۱۷۳۰-۱۷۳۱. قیومی، مصباح المنیر ، ج/۷ ص/۲۰۶.

همه ی ایشان جمع شوند، چنانچه در آیه دیگری الله متعال فرموده است: (قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ) .^۱

ترجمه : بگو : پیشینیان و گذشتگان ، و پسینیان و آیندگان . قطعاً جملگی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می شوند.

و مرجع ضمیر {جمعناکم} مشرکین و مکذبین است که در آیات قبل در مورد شان بحث شده است زیرا که اولین نیز از جمله مکذبین بودند و جمع خاص برای مکذبین اولین و آخرین نیست بلکه اولین و آخرین همگی جمع کرده میشوند پس مرجع ضمیر "کم" در "جمعناکم" مشرکین و مکذبین استند یعنی شما را ای کسانی که قرآن و پیغمبر ما را تکذیب کرده اید با سایر امت های گذشته و کسانی که بعد از شما می آیند جمع میکنیم.^۲

و به همین اعتبار در آیه بعدی عین ضمیر آمده است که مخاطب آن تکذیب کننده گان امت محمدیاز عصر نبوت تا زمانه های بعدی میباشد لذا گفته شد: { فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونَ } پس این مطالبه توبیخ و سرزنش برای حاضرین است که در برابر رسول اللهاز کید و مکرهایی استفاده میکردند چنانچه الله متعال به صورت تسلی به رسول الله فرموده است : (إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ، وَأَكِيدُ كَيْدًا ، فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا) .^۳

ترجمه : آنان (که دشمنان اسلامند ، درباره قرآن) پیوسته به نیرنگ می پردازند و (برای جلوگیری و نابودی اسلام) نقشه می کشند . و من هم (در برابر آنان) همیشه نیرنگ می زنم و نقشه می ریزم (و نیرنگ آنان را بی اثر ، و نقشه ایشان را نقش بر آب می سازم) . پس به کافران مهلت بده ، بدیشان مختصر مهلتی بده (تا نسبت به ایشان اتمام حجت گردد ، و بعدها کارشان زار و نزار ، و خودشان در دنیا و آخرت شرمسار شوند) .

لذا در روز آخرت برای شان گفته میشود: { فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونَ } ، یعنی در دنیا شما در برابر کتاب و پیغمبر ما مکر و تدبیری می سنجیدید حال اگر چنین کاری را کرده میتوانید پس انجام بدهید. البته امر برای تعجیز است و شرط برای توبیخ و یادمانی این عمل زشت که در

^۱-سوره واقعه آیه: ۴۹-۵۰.

^۲-زحلی ، التفسیر المنیر ، ج ۲۹ / ص ۳۳۲.

^۳-سوره طارق آیه: ۱۵-۱۶-۱۷.

دنیا انجام میدادند و با اختیار این روش عجز آنها ثابت می‌گردد که این خود نوعی از عذاب روحی است مثل عذاب جسمانی برای علقمندان مؤثر می‌باشد.^۱

فرع سوم- دروس و ارشادات آیات این مقطع.

۱- ذکر انواع عذاب ها برای کفار با وصف اینکه حسی بوده و اثر حسی دارد اثر معنوی و روحی نیز دارد پس قلب ، وجدان ، روح و حواس از آن متأثر خواهد شد ، لذا در بیان عذابها زجر ، توبیخ ، مسخره کردن و سرزنش بوده است که در امر دنیوی موعظه و پند گرفتن برای همگان و برحذر بودن از کفر می‌باشد.^۲

۲- آتش جهنم دارای اوصاف خاص خود بوده که با آتش دنیا قابل مقایسه نیست.

۳- دود که از آتش جهنم نشأت میکند دارای سایه است که در شکل و نوعیت همچو دود های غلیظ آتش دنیا است اما نه سایه ی که حرارت آفتاب را دفع کند و راحت و آسایش بیافریند.

۴- تصویر قرآن کریم از مناظر قابل مشاهده قیامت و هول ناکی آن بمقصد آن است که انسانها این منظره ها را با تمام ابعادش به بصارت قلبی ببینند و به صورت حسی آزمایش کنند و برای آن روز (قیامت) آمده گی بگیرند، زیرا همین اوصاف در اشیای دنیوی وجود دارند که انسانها با آن سرکار دارند.

۵-مقارنه وعده و وعید و یکجا ذکر ترغیب و ترهیب از اسلوب های بلیغ و دارای تأثیر در امر دعوت می‌باشد که در آیات این مقطع از این شیوه استفاده شده است.

۶-دعوتگران باید از اسلوب های قرآنی و منهج آن که با رعایت حالت مدعوین در امر دعوت استفاده نمایند.^۳

۷-استعمال صیغه امر در شأن کفار در روز قیامت برای بیان عجز است و شرط برای توبیخ (سرزنش) و یاد دهانی به بد رفتاری آنان در دنیا می‌باشد زیرا تحقق شرط که عبارت از قدرت است تحقق آن از طرف کفار محال می‌باشد.

^۱ - ابن عاشور ، التحرير والتنوير، ج ۱۶/ص ۷.

^۲ -مجموعه من العلماء ، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ، ج ۸/ص ۵۵۴.

^۳ -سید قطب ، فی ظلال القرآن ، ج ۶/ص ۳۷۹۲.

۸- تکرار "ویل" در هر موضع برای بیان مفهوم خاصی است که مناسب به موقع آیه های آن موضع میباشد و هدف از آن موعظه و پند گرفتن و یا هم توبیخ و سرزنش برای کفار میباشد.^۱

مقطع پنجم-

ذکر پاداش نیکو کاران با تقابل به جزای منکرین از آیه : ۴۱ الی ۵۰.

(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ) (وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ) (كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) (إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) (وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ) (وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ) (وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ) (۲).

موضوع اول-ترجمه آیات و بیان مناسبت.

فرع اول- ترجمه آیات این مقطع.

(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ)

ترجمه : پرهیزگاران در زیر سایه ها و در کنار چشمه ساراند .

(وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ)

ترجمه : و در میان میوه هائی که بخواهند و آرزو کنند .

(كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)

ترجمه : در برابر کار هائی که می کرده اید ، خوش بخورید و خوش بنوشید ، گوارا باد .

(إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ)

ترجمه : ما این گونه به نیکوکاران پاداش می دهیم .

۱- محمد حبیب مختار ، التناسق الموضوعی لسور القيامة والانسان والمرسلات ، ص: ۲۱۰.

۲-سوره المرسلات آیه: ۴۱- ۵۰.

(وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه : در آن روز ، وای به حال تکذیب کنندگان !

(كُلُوا وَتَمَتُّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ)

ترجمه : (در این چند روز کوتاه دنیا) کمی بخورید و چندی لذت ببرید (ولی بدانید که عذاب الهی در انتظار شما است ، چرا که) شما گناهکارید .

(وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه : در آن روز ، وای به حال تکذیب کنندگان !

(وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ)

ترجمه : (چنان از باده غرور سرمست هستند که) وقتی بدانان گفته می شود : (در برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و کرنش ببرید خضوع نمی کنند و کرنش نمی برند !

(وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

ترجمه : در آن روز ، وای به حال تکذیب کنندگان !

(فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ)

ترجمه : (اگر به این قرآن که دلایل صدق و نشانه های حَقَانِيَّتِ آن در تمام آیات و تعبیراتش آشکار است ، ایمان نیاورند) پس به کدام سخن دیگر - غیر از قرآن - ایمان می آورند ؟

فرع دوم- بیان مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی و محور سوره.

أ-مناسبت آیات این مقطع با مقطع قبلی:

-بعد از اینکه الله سبحان حالت کفار در محشر و وضعیت آنان را با انواع عذاب های روحی ، جسمانی و عبرت انگیزی برای آنان بیان نمود در آیات این مقطع جهت تقابل ، به هدف موعظه و عبرت به بیان حالات و وضعیت زنده گی مؤمنان در آخرت پرداخته شده است و برای مؤمنان انواع از سعادت و کرامت بیان کرده شد تا اینکه حسرت ، غم و هم کافران چند برابر شود که این نوعی از عذاب روحانی برای آنان است.^۱

^۱-ابن عاشور ،التحریر والتنوير ،ج ۱۶/ص ۱۹ .

-در آیات مقطع قبلی الله متعال کفار را در ضمن بیان وضعیت آنان در آخرت به کوتاه مدت بودن زندگی و ناز و نعمت دنیا تهدید میکند و آگاهی میدهد که نباید با این زندگی کوتاه مدت زندگی ابدی و نعمات دایمی را از دست داد، پس در آخر این مقطع بعد از بیان فلاح و رستگاری مؤمنان، یک بار دیگر کفار را وادار میسازد که راه رسیدن به فلاح و کامیابی در ایمان، طاعت و عبادت است که آسان ترین راه سعادت اخروی میباشد لذا فرمود: (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ) چون در دنیا به آنان گفته میشود که سر طاعت و بندگی به الله خم کنید (که آسان ترین راه فلاح اخروی) بود این کار را نمیکردند و به کفر و تکذیب کتاب آسمانی ادامه میدادند و اخیراً فرمود: (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ) پس از این راه نمایی سود مند توسط کتاب الله (قرآن کریم) به کدام سخن دیگری باور میکنید.^۱

-در آیات اولی مقطع قبلی در مورد وضعیت مکذبین در محشر الله متعال فرمود: (انطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ) یعنی از سایه نامبرده شده که آن سایه از دود آتش جهنم نشأت کرده هیچ نوع راحت و آسایش در آن نیست و در آیه اولی این مقطع به صورت تقابل از عین چیز (سایه) نامبرده فرمود: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ) تقوی پیشه گان و مؤمنان در زیر سایه ها و چشمه های ظلال جنت بسر میبرند که سایه های آن راحت بخش و آب چشمه های آن گوارا است.

-همچنان در سه آیه اخیر این مقطع یک بار دیگر به زجر و تخویف کفار پرداخته شده است به اینکه الله متعال در مورد مؤمنان فرمود: (كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) و در مورد کفار فرمود: {كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ}.^۲

ب-مناسبت آیات این مقطع با محور سوره:

۱-در مقطع قبلی قیامت و بعث با بیان وضعیت مکذبین توضیح داده شد در این مقطع اثبات بعث، حساب و جزا با ذکر انعامات الله متعال برای متقین بیان شده است.

۲-برپایی قیامت به غرض حساب، پاداش و جزاء است چنانچه در مقطع قبل الله متعال فرمود: {انطلقوا الی ما کنتم به تکذبون} که مراد از آنچه تکذیب کرده بودند بعث، حساب

^۱-زحلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۵.

^۲-سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶/ص ۲۳۳۳۸.

و جزاء میباشد و در آیات بعدی آن حساب و جزاء مکذبین بیان شده است و در این مقطع فرمود : (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ) که در آیات قبل اثبات بعث و جزاء با بیان وضعیت منکرین بود که موضوع محوری سوره است و در آیات این مقطع اثبات بعث و جزاء با ذکر پاداش متقین بیان شده است.^۱

۳- مقصد اصلی و موضوع محوری در این سوره اثبات بعث و برپایی یوم الفصل بوده پس آنچه که بعد از بعث و فیصله باید واقع شود این است، که باید به مکذبین جزاء و به مؤمنان اجر و پاداش داده شوند و هر یک در مقر جزاء و پاداش خود قرار بگیرند لذا بعد از بیان حقانیت بعث از مقر مکذبین و جزای آنان خبر داده شد و سپس از مقر مصدقین و پاداش آنان اطلاع داده شد یعنی بعث و جزا حق است و هر کس مطابق عمل خویش محاسبه شده و سپس یا در جنت با آسایش و نعمت و یا در جهنم با عذاب و نقت قرار هند گرفت.^۲

موضوع دوم- تفسیر موضوعی، شرح کلمات بارز، و ارشادات آیات این مقطع.

فرع اول- تفسیر موضوعی آیات این مقطع.

الله سبحان به تعقیب بیان وضعیت کفار مکذب در قیامت، از وضعیت بنده های مؤمن و پرهیز گارش خبر میدهد، که الله را با ادای واجبات و ترک منکرات و اجتناب از محرّمات عبادت و پرستش کرده اند میفرماید: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ) «هرآینه متقیان (در آخرت) در سایه (باغ های بهشت و قصر ها) و در کنار چشمه های (جاری که آن باغ ها را احاطه کرده است) و از هر طرف به صورت جویباره جریان دارند با همه آسایش زندگی میکنند، نزد شان انواع از میوه و هر چه بخواهند برایشان مهیا است، چیزی را طلب کنند همان لحظه در میابند، که این وضعیت زندگی آنان بر خلاف تکذیب کنندگان مشرک - در سایه های درختها و قصرهای بهشت قرار دارند، نه همچون سایه ای که برای کفار از دود گرمازا و خفقان آور جهنم پدید آورده شده است.^۳ ، چنانچه در آیه های بیشماری این وضعیت مؤمنان بیان شده است که نظیر

^۱- ابن عاشور ، التحرير والتنوير ، ج ۱۶ / ص ۱۷-۱۸ .

^۲- بقاعی ، نظم الدرر ، ج ۹ / ص ۳۰۲ .

^۳- زحیلی ، التفسیر المنیر ، ج ۲۹ / ص ۳۳۳ .

آن این فرموده الله سبحانه است: (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ ، هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكَبِرُونَ ، لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مِمَّا يَدَّعُونَ ، سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ)^۱

ترجمه :بهشتیان در چنین روزی ، سخت سرگرم خوشی ، و شادانند (و بی خبر از غم و اندوه دیگران ، و خندان از نعمتهای یزدانند) . آنان و همسرانشان در زیر سایه های پر و فراخ ، بر تختها تکیه زده اند . برای آنان در بهشت ، میوه های لذت بخش و فراوانی است . و هر چه بخواهند در اختیار ایشان خواهد بود، از سویی پروردگاری مهربان ، بدیشان درود و تهنیت گفته می شود.

{وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ} «و» همچنین متقیان «در میوه هایی» هستند «که دلخواهشان است» و بدان رغبت دارند. «زدناهم علی ما کان لهم من النعم من بفاکهة متنوعه ، و من أنواع اللحمان مما تشتهیه أنفسهم» (در جمع آسایش هارفاهی) نعمت های دیگری را به آنان میافزاییم از قبیل میوه های متنوع ، و از انواع دو نوع گوشت (گوشت حیوانات و گوشت پرنده گان) از هر نوعی که دل هایشان می خواهد در دست رس شان قرار میگیرد، این آیه دلالت می کند بر این که نعمتهای بهشت بر طبق رغبت و میل بهشتیان در دسترس است ، برخلاف نعمتهای دنیا که وجود آنها به امکانات دست داشته انسانها بستگی دارد.^۲

در آیه های دیگر در جمع "مایشتهون" از گوشت و گوشت پرنده ها نامبرده شده است چنانچه در سوره واقعه آمده است: (وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ، وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ)^۳.

ترجمه : و هر نوع میوه ای را که برگزینند . و گوشت پرنده ای که بخواهند و آرزو کنند . لذا به تعقیب این پیشکش ها فرمود: (كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) به ایشان گفته می شود: «به پاداش آنچه می کردید» در دنیا از اعمال شایسته «بخورید و بنوشید، خورد و نوشی خوش و گوارا». تعارف به خوردن و نوشیدن از شیوه مهمان نوازی میباشد یعنی در آخرت به متقیان بر سبیل احسان و تکریم گفته میشود از میوه ها و نعمات جنت که خوردنی و نوشیدنی است، خوش و گوارا بخورید و بنوشید این در پاداش اعمال صالحه ی است که در دنیا انجام داده بودید البته این امر برای اکرام و اعزاز است نه برای تکلیف و بیان انعام و تکریم مؤمنان

^۱-سوره یس آیه: ۵۶- ۶۰.

^۲-شوکانی، تفسیر فتح القدیر، ج ۷/ص ۵۷.

^۳-سوره واقعه آیه: ۲۰-۲۱.

از جنس عذاب روحانی برای کفار است زیرا آنها مؤمنان را به این وضعیت میبینند رنج میبرند و حسرت میکشند.^۱

توصیف نعمات جنت به لفظ (إِنَّ الْمُتَّقِينَ)

در آیات متعددی نعمات و آسایش های جنت برای متقین بیان شده است:

۱- (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ، ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ أَمِينٍ، وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ).^۲

ترجمه: بی گمان پرهیزگاران در میان باغها و چشمه ساران (بهشت) بسر می برند. پروردگارشان بدانان می گوید: با اطمینان خاطر و بدون هیچ گونه خوف و هراسی به این باغها و چشمه سارها در آئید. و کینه توزی و دشمنانگی را از سینه هایشان بیرون می کشیم، و برادرانه بر تختها رویاروی هم می نشینند.

۲- (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ، فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ، يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ، كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ، يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ).^۳

ترجمه: پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند. در میان باغها و چشمه سارها. آنان لباسهایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند، و در مقابل یکدیگر می نشینند (و به شادی می پردازند). بهشتیان این چنین هستند و زنان بهشتی سیاه چشم با چشمان درشت را نیز به همسری آنان درمی آوریم. آنان در آنجا هر میوه ای را که بخواهند (با کمال راحت) می طلبند (و مشکلاتی که در بهره گیری از میوه های دنیا وجود دارد برای آنان وجود نخواهد داشت، و از بیماریها و ناراحتیهایی که گاه بر اثر خوردن میوه ها در این دنیا پیدا می شود در آنجا وجود ندارد، و همچنین بیمی از فساد و کمبود و فناي آنها نیست) و از هر نظر در امانند.

۳- (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ، فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ، كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ، مُتَّكِنِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ).^۴

^۱- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۳.

^۲-سوره حجر آیه: ۴۵ - ۴۷.

^۳-سوره ذاریات آیه: ۱۵ - ۲۰.

^۴-سوره طور آیه: ۱۷ - ۲۰.

ترجمه : اما پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و نعمتهای فراوان جای دارند . و در برابر چیرهائی که خدا بدیشان داده است شاد و خوشحالند ، و (نعمت بزرگتر از این ، این که) خدای ایشان ، آنان را از عذاب دوزخ محفوظ و مصون داشته است . به پاداش کارهایی که کرده اید بخورید و بیاشامید ، نوش و گوارایتان باد ! این در حالی است که بر تختهای ردیف و کنار هم چیده تکیه زده اند ، و زنان سیاه چشم و درشت چشم زیبایی بهشتی را همسرشان نموده ایم (و در کنارشان قرار داده ایم) .

۴- (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ، فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ) .^۱

ترجمه: قطعاً پرهیزگاران در باغها و کنار جویباران بهشتی جای خواهند داشت . در مجلس راستینی (که یاوه سرائی و بزهکاری در آن جایی ندارد . . . در) پیشگاه پادشاه بزرگ و توانائی (که آفریدگار و خداوندگار همه کائنات است) .

وبه غرض ازدیاد (تحسر مشرکان) در آیه بعدی فرمود: (إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) «یعنی: ما نیکوکاران را در برابر اعمالشان به مانند این پاداش بزرگ جزا می دهیم پس ای انسانها! عمل خود را نیکو سازید تا چنین پاداشی را دریافت دارید زیرا ما پاداش نیکوکاران را هدر نمیکنیم ، چنانکه در آیه دیگری فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا) .^۲

ترجمه : کسانی که ایمان آورده اند (به خدا و دین حقی که به تو وحی شده است) و کارهای شایسته کرده اند (پاداششان در پیشگاه آفریدگارشان محفوظ است) . ما پاداش کسی را هدر نمی دهیم که کار نیکو کرده باشد .

وبعد از بیان وضعیت مؤمنان و تذکیر نعمات در برابر اعمال صالحه نیز فرمود: (وَيَلَّيْلُ يَوْمًا ذِي لُؤْلُؤٍ يَبِينُ) یعنی در مقابل نعمات جنت عذاب و رسوایی روز قیامت نصیب تکذیب کننده گان به الله سبحان ، کتاب و پیغمبرش خواهد شد چرا که آنان در آن روز در بدبختی بزرگی قرار دارند در حالی که مؤمنان در نعمتی پایدار و سعادت خوشگوار به سر می برند، و این نوع دیگری تخویف و تهدید برای کفار و تکذیب کننده گان است.^۳

^۱-سوره قمر آیه: ۵۴-۵۵ .

^۲-سوره کهف آیه: ۳۰ .

^۳-زحلی ، التفسیر المنیر ، ج ۲۹ / ص ۳۳۴ .

و سپس الله سبحانه بار دیگر مکذبین قیامت و میعاد را مخاطب قرار داده و بر سبیل و عید دستور میدهد: (كُلُوا وَتَمَتُّعُوا قَلِيلًا ، إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ) البته این خطاب مخصوص کفار در زندگی دنیا است یعنی محل آسایش در زندگی برای شما مجرمان همین دنیا است پس بخورید و از لذایذ دنیا لذت ببرید و آسایش و زینت آن یک مدت کوتاهی بهره ببرید بدانید که این لذایذ دنیا اندک و گذرا است که به انتهای عمر شما پایان میابد و هیچ قابل مقایسه با نعمات و آسایش جنت در آخرت نیست.

-و یا اینکه این خطاب در آخرت بوده و بصورت توبیخ و سرزنش و یاد دهانی حالت دنیوی کفار آنان اینگونه مخاطب قرار داده میشوند، یعنی شما ای مشرکان و تکذیب کننده گان روز قیامت در دنیا از لذایذ نا پایدار آن بهره مند شدید و از کفر و شرک دست بردار نگردید و پیغمبران و کتاب ما را مسخره کردید، پس با پایان عمر دنیا آنهمه لذایذ آن خاتمه یافت و هم اکنون شما مجرمین استید «چرا که شما مجرمید» بنابراین ، شایستگی انعام و تکریم دائمی را ندارند. زیرا که با ترجیح متاع اندک بر نفس خود جنایت کردید و نعمت دایمی را از دست دادید.^۱

«وای در آن روز بر تکذیب کنندگان» به خدا، پیامبران و روز آخرت که خود را در برابر بهره ای اندک در معرض عذاب همیشگی قرار داده اند. تکرار این آیه برای افزودن بر سرزنش و کوبیدن آنهاست، و نیز این خطاب مکذبین تسلی برای رسول الله ه است، زیرا که الله متعال در آیه دیگری بصورت مستقیم پیغمبرش را تسلیت داده و خبر داده است که به کفر و بهره مندی آنان در زندگی دنیا غمگین نشود زیرا که بهره زندگی دنیا اندک و نا پایدار است چنانچه فرموده است: (وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ، نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ)^۲.

ترجمه: کسی که کافر شود (و این حقائق روشن را انکار کند) کفر او تو را غمگین نسازد . بازگشت آنان به سویی ما است و ما ایشان را از کارهایی که کرده اند آگاه می سازیم (و نتایج تلخ و شوم اعمالشان را بدیشان خواهیم چشاند) . خدا مسلماً از آنچه در درون سینه ها (از نیات و رازها) است ، کاملاً آگاه است .

^۱-ابوحنان، تفسیر البحر المحیط، ج ۸/ص ۴۰۸.

^۲-سوره لقمان آیه: ۲۳- ۲۴.

ما ایشان را اندکی (در دنیا از زندگی) بهره مند می سازیم ، سپس آنان را وادار (به دخول) به عذاب سخت و شدیدی می گردانیم (و به آتش دوزخشان می کشانیم) .

« و چون به آنان» یعنی: به آن گروه نادان کافر «گفته شود: نماز بگزارید، نماز نمی گزارند» مفسران در بیان سبب نزول گفته اند: این آیه کریمه درباره قبیله ثقیف که از نمازگزاردن امتناع کردند، نازل گردید. مقاتل می گوید: «رسول خدا ص به آنان فرمودند: مسلمان شوید و آنان را به ادای نماز دستور دادند اما آنها گفتند: خم نمی شویم زیرا خم شدن بر ما ننگ و رسوایی است . پس رسول الله ه فرمودند: «لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَيْسَ فِيهِ رُكُوعٌ وَ لَا سُجُودٌ»^۱: در دینی که رکوع و سجده نداشته باشد، در آن خیری نیست».

و سپس الله متعال با بیان وسیله نجات از عذاب آخرت ، بار دیگر کفار و مکذبین را مخاطب قرار داده فرمود: (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ : ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ) یعنی برای اینان وسیله نجات از عذاب آخروی بیان شده بود که عبارت از ایمان و طاعت است اما اینان نه ایمان آوردند و نه هم به طاعت و بندگی الله آماده شدند چون به ایشان گفته میشد که سر طاعت و بندگی به الله سبحان خم کنید نه اینکه این کار را نمیکنند بلکه به مسخره میگرفتند و تکبر می ورزیدند پس در این آیت وعید دیگری برای کفار است که آنان در دنیا بقبول امر الله و اطاعت پیغمبرانش آماده نشدند لذا فرمود : «پس وای بر حال حال تکذیب کننده گان اوامر الله و ترک کننده گان طاعت او».

پس در مجموع ده نوع از انواع بیم دهی و تهدید در این سوره بیان شده است که خداوند متعال کفار را بدانها هشدار داده است .^۲

و این سوره را الله متعال به تعجب از حال کفار که با وصف آگاهی دادن از وضعیت زندگی کافران در آخرت و کوتاه مدت بودن زندگی دنیا ایمان نمیآورند لذا الله متعال بیان اظهار تعجب از آنان فرمود: (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ) یعنی: اگر کفار به قرآن باور ندارند، به کدامین سخن غیر از قرآن باور می کنند؟ زیرا قرآن خود معجزه و مشتمل بر حجتیهای روشن و

^۱-مسند احمد، حدیث عثمان بن ابی العاص .. ج ۳/ص ۵. و شیخ البانی آن را ضعیف گفته است ، صحیح وضعیف جامع الصغیر ، ج ۴/ص

۶۴

^۲-زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۵.

معانی و مضامین بزرگ و برتر است پس اگر به این معجزه درخشان ایمان نیاورند، قطعاً بعد از آن دیگر کتب الهی را به هیچ حال تصدیق نمی‌کنند.^۱

مراد از "حدیث" قرآن کریم است یعنی چون اینان با اینهمه وضاحت که در قرآن است و دلایل توحید و صداقت نیز در آن وجود دارد و همه چیز را با وضاحت تمام و دلیل قانع کننده بیان کرده است و راه های خیر و سعادت دارین را نیز توضیح داده است، باور نمیکنند پس بغیر از قرآن به سخن و منطقی میتوان قناعت ایشان فراهم کرده شود و یا اینکه اطر به این قرآن تصدیق و باور نمیکنند پس به کدام کتاب بعد از قرآن باور دارند در حالیکه بعد از قرآن تا قیامت قیامت کتاب دیگری نمیآید.^۲

ابن کثیر رحمه الله^۳ در تفسیرش به روایت ابن ابی حاتم از ابوهریر هت آورده است: **إِذَا قُرَأَ { وَالْمُرْسَلَاتُ عُرْفًا } [المرسلات : ۱] فَقَرَأَ (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ) فليقل : أمنت بالله وبما أنزل .»^۴**

« کسیکه سوره (و المرسلات) را قراءت کرد و به این آیت رسید: (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ) باید بگوید به الله و به آنچه که نازل کرده است ایمان آوردم.

و فی الختام أنا اقول : أمنت بالله وبكتابه وبرسوله كما أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم.

فرع دوم- شرح کلمات بارز آیات این مقطع.

(إِنَّ الْمُنْتَفِيْنَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ) متقین کسانی که از عقوبت و عذاب الله متعال برحذر بوده و در مقابل تصدیق او امر، کتاب و پیغمبرش رحمت الله متعال را امید داشته باشند.^۵

^۱-سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶/ص ۲۳۳۸.

^۲-ابن قیم، تفسیر زاد المسیر، ج ۶/ص ۱۱۱. و زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۵.

^۳ - ابن کثیر، محمد بن اسماعیل بن عمر بن کثیر، أبو عبد الله، بصروي، ودمشقي، از علماء شافعي بوده در سال (۷۵۹ به دنیا آمده و در سال ۸۰۳ هـ) وفات کرده است پدرش حافظ بن کثیر از مفسران و مؤرخان آن وقت بوده است او نیز یکی از مفسرین شهرت یافته، محدث و مؤرخ میباشد ابن حجر رح در مورد او گفته است: «سمع معي بدمشق . ثم رحل إلى القاهرة، فسمع من بعض شيوخنا، وتمهر في هذا الشأن» او با من در دمشق حدیث شنیده و سپس به قاهره سفر کرده و از بعض شیوخ آنجا نیز حدیث شنیده است، او بعد از پدرش به سرزمین ام صالح رفته و از نزد مشایخ آنجا علم آموخته است از تألیفات مشهور او در علم تفسیر (التفسیر القرآن العظيم) مشهور به تفسیر ابن کثیر میباشد.[شذرات الذهب / ۶ / ۳۵،

^۴-ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۱۷/ص ۱۴۶.

^۵-شوکانی، تفسیر فتح القدر، ج ۱/ص ۲۳.

ومراد از متقین در این آیت کسانی که به وحدانیت الله متعال ایمان آوردند و کتاب و پیغمبرش را تصدیق کردند و قیامت، معاد و حساب را باور نمودند.^۱ ابن ابی حاتم^۲ روایتی را از معاذ بن جبل نقل کرده است: «أنه قيل له: من المتقون؟ فقال: قوم اتقوا الشرك وعبادة الأوثان وأخلصوا لله العبادة»^۳.

«از معاذ بن جبل (رض) پرسیده شد: متقین چه کسانی هستند؟ در جواب گفت: مردمی که از شرک و عبادت بت ها اجتناب کردند و عبادت و بندگی را خاص برای الله نمودند.

پس شرط اساسی در تقوی و شامل شدن در صف متقین، عقیده توحید، اجتناب از شرک، ایمان به کتاب های آسمانی و پیغمبران، باور به قیامت، معاد و حساب و اخلاص در عبادت می باشد و همین گروه متقین استند که در موردشان الله متعال فرمود: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (

(فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ) و "ظلال" جمع ظلّ، استعمال جمع به نسبت کثرت سایه ها و کثرت درختان سایه دار و کثرت "مستظلمین" (استفاده کننده ها) از سایه است.

الظّل: سایه و تاریکی، ضدّ روشنایی و نور آفتاب، که اعمّ از واژه- فی- و- و فراگیرتر از آن است. (فی-ء: سایه آفتاب از ظهر تا غروب و- ظلّ- سایه از پگاه تا شامگاه). گفته می شود. "ظلّ اللیل و ظلّ الجنّة" سایه و تاریکی شب و سایه درخت. "ظلّ فی النهار" بهر کجایی که نور خورشید نمی رسد "ظلّ" و سایه گفته می شود، ولی- فی-ء- جز از زوال خورشید به بعد گفته نمی شود (از نیمروز ببعد تا شامگاه) و از واژه- ظلّ- به عزّت، خوش حالی طبیعی و فراخی زندگی نیز تعبیر می شود، در آیه سوره مرسلات: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ- ۴۱/ مرسلات) یعنی در عزّت و خوش حالی بسر میبرند.^۴

^۱- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۶.

^۲- ابن ابی حاتم عبد الرحمن بن محمد بن ابی حاتم بن ادریس، شیخ الإسلام، أبو محمد التمیمی الحنظلی الرازی - از بزرگان محدثین و حافظ حدیث بوده در سال (۲۴۰هـ) به دنیا آمده و در سال (۳۲۷هـ) وفات کرده است پدرش نیز از محدثین عصر بوده او با همراهی پدرش به بلاد متعددی جهت فراگرفتن حدیث سفر کرده است از اساتید و محدثین چون "أبا سعید الأشجّ و ابن وارة و أبا زرعة و خلائق بالأقالیم . و روی عنه کثیرون، و یکی از امام های پیشتاز در علم معرفة الرجال بوده است. أبو الولید الباجی گفته است: ابن ابی حاتم ثقة حافظ. از تصنیفاتش: "الجرح و التعديل" بوده و این کتاب مراتب اتقان در حفظ حدیث را بیان کرده است "والتفسیر" عدة مجلدات؛ و "الرد علی الجهمیة". و در علم فقه و اختلاف و تابعین کتابی نوشته است. [تذکره الحفاظ ۳/ ۴۶؛ و طبقات الحنابلة ۲/ ۵۵؛ و الأعلام للزکلی ۴/ ۹۹].

^۳- تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱/ص ۱۶.

^۴- ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۱۶/ص ۳۲۳.

و در آیه "ظل" بمعنای آسایش در زندگی میباشد: (أَكُلْهَا دَائِمًا وَ ظِلُّهَا ..).^۱ (خوردنی در آن بهشت و آسایش آن دائمی است).

و در آیه "ظل" همان سایه ایست که از درخت ها تولید میشود: (هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكَبِّرُونَ).^۲ «آنان و همسرانشان در زیر سایه های پر و فراخ، بر تختها تکیه زده اند

ظَلَّلْنِي الشَّجَرِ وَ اظْلَلْنِي: آن درخت بر من سایه انداخت.

و در آیه ظل بمعنای سایه دنیوی است که از قرار گرفتن ابرها در برابر آفتاب تولید میشود: (وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ...)^۳ (خطاب به بنی اسرائیل است که می گوید در آن بیابان سوزان ابرها بر شما سایه انداختند).

اظللتنی فلان: مرا فلان شخص حفظ و پاسداری کرد و مرا در سایه عزت و بزرگواری خود قرار داد.^۴

{وَعْيُونٍ} عیون جمع مفرد آن "عین" است این کلمه دارای معانی متعددی میباشد البته در صورتیکه در مقابل "جنات" و "ظل و ظلال" استعمال شود مراد از آن منبع آب و چشمه است، (عیون) جمع (عین): چشمه سارها. من عیون الماء: چشمه آب گوارا و فراوان. معین): جاری آشکار یا جاری بسهولت.

«ماء معین و معیون» آبیکه آشکار و جاری است. علت این تسمیه چنانکه "راغب اصفهانی" و دیگران گفته اند آشکار و پیش چشم بودن آنست.^۵

در این فرموده الله متعال: معین در صفت آب ذکر شده است: (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ).^۶

ترجمه: بگو اگر آبتان در زمین فرو رود که آبی آشکار و جاری یا آب سهل الجریان برای شما میآورد.

۱-سوره رعد آیه: ۳۵.

۲-سوره یس آیه: ۵۶.

۳-سوره بقره آیه: ۵۷.

۴-اصفهانی، مفردات القرآن، ج ۲، ص: ۵۲۵.

۵-مرجع قبلی، مفردات، ج ۱/ ص: ۱۵۷۵.

۶-سوره ملک آیه: ۳۰.

و «ماء معین» یعنی آبیکه دیده شده و پیش چشم است و آب چشمه و گوارا و زلال و جاری.^۱
(كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا)

وجمله: { کلو و اشربوا } در جواب محذف بوده که در موقع حال از متقین قرار دارد (مقولاً لهم کلو و اشربوا).

و مقصود از استعمال این دو لفظ آنهم به صیغه امر برای نوازش و تکریم متقین است چنانچه که در دنیا صاحب خانه برای نوازش مهمان از آنها تقاضای خوردن و نوشیدن میکنند.^۲
{ هنیئاً } این لفظ نیز برای اعزاز و تکریم استعمال شده است.

"هنیئ" گوارا و آن چه که بی رنج و بی زحمت به دست آید، در اشیای خوردنی و نوشیدنی استعمال میشود و معنای لذت و کیفیت را دارا میباشد "هنیء" یعنی گوارا در چیزی که زحمتی ندارد و پایان آنهم وخیم و ناگوار نیست بکار میرود، اصلش در غذاها و نوشیدنیها بکار رفته است، میگویند- "هنیء الطعام فهو هنیء"- آن طعام گواراست (لذیذ است و تهیه و بدست آوردنش) زحمتی ندارد.^۳

این لفظ در قرآن کریم بیشتر در نعمات آخروی (جنت) استعمال شده است و در استفاده چیزی به خوشی و بدون کراهت در اشیای دنیوی نیز استعمال شده است، چنانچه الله متعال در مورد مهریه زنان فرموده است: (وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا)^۴.

ترجمه: و مهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای دینی بپردازید. پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید.

(بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)

^۱- مرجع قبلی مفردات، ج ۲، ص: ۲۱۲۷.

^۲- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۲۳۵.

^۳- اصفهانی، مفردات القرآن، ج ۱/ص ۲۳۵۹.

^۴- سوره نساء آیه: ۴.

و "با" در { بما کنتم تعملون } برای سببیت بوده زیرا جمله بعدی آن مسبب است یعنی بخورید و بنوشید بسبب اینکه شما در دنیا به این روز باور داشتید و اعمال صالحه انجام دادید و این اعزاز و اکرام ایشان است به اینکه این انعام را حق آنها قرار داده شده است.^۱

(إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ)

در این جمله دو توجیه جایز است:

ا- ادامه خطاب اول است یعنی بعد از اینکه برای متقین بغرض اعزاز و تکریم گفته شد: { کلاوا و اشربوا } برای بیان زیادت تکریم و توصیف آنان گفته شد (إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) یعنی این نعمات که بر شما کردم سنت من در پاداش نیکو کاران است پس اینکه شما نیکو کار استید پاداش شما هم همین گونه است که دریافت خواهید کرد، این جمله یا برای هر یک از متقین گفته میشود و یا برای جماعه های آنان تا اینکه بدانند که امثال ایشان در باغ های دیگر قسمت های جنت این چنین پاداش داده میشوند.

ب- و یا اینکه این جمله متوجه مکذبین موجوده است یعنی بعد از اینکه وصف نعمات متقین بیان کرده شد بصورت تعریض برای مکذبین و افزودن ندامت و حسرت آنان گفته شد این چیزی است که شما خود را از آن محروم ساختید و ابا و ورزید اینکه از جمله نیکوکاران باشید.^۲

اشاره به "کذلک" در صورتیکه جمله متوجه متقین باشد به نعمات مشاهد است که متقین در جنت از آن استفاده میکنند و در صورتیکه جمله متوجه مکذبین باشد اشاره به نعمت های است که در لفظ تذکر گردیده است.^۳

{ کُلُوا وَ تَمَتَّعُوا قَلِيلًا } تعلق این جمله به کفار موجود و مراد از "تمتعوا" بهره مندی از نعمات دنیوی است یعنی هر چه میخواهید بخورید و بدانید که این بهره مندی از نعمات و سهولت های دنیوی کوتاه مدت است ، این خطاب برای مشرکین موجوده (مشرکین مکه و کفار و مشرکین زمانه های دیگر) است که قبلاً به آنان گفته شده بود: { إن ما توعدون لواقع } و این جمله مستأنفه بوده که از جمله قبلی نشأت کرده است زیرا زمانکه گفته شد "ما نیکوکاران را اینچنین پاداش

^۱- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۱.

^۲- ابن عاشور، التحریر و التتویر، ج ۱۶/ص ۱۷-۱۸-۱۹.

^۳- ابوحیان، تفسیر بحر المحيط، ج ۱۰/ص ۴۱۸.

میدهم" در ذهن کفار خطور کرد که ما هم اکنون میخوریم و مینوشیم و در آسایش زندگی میکنیم لذا برای آنان گفته شد: { کَلُوا وَتَمَتُّعُوا قَلِيلًا } پس صیغه امر برای مهلت و انداز است یعنی خورد نوش شما و بهره مندی تان به لذایذ دنیوی کوتاه مدت و ناچیز است.^۱ و سپس جای شما جهنم و عذاب دایمی آن است: (إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ) زیرا شما به الله شریک آوردید ، و کتاب و پیغمبرش را تکذیب نمودید حالا مستحق این اعزاز و اکرام نیستید ، چنانچه در آیه دیگری فرموده است: (لَا يَغْرَنَّاكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ، مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ)^۲.

ترجمه : رفت و آمد (پیروزمندانه ، و اشتغال به کسب و کار و تجارت و بسر بردن در ناز و نعمت) کافران در شهرها ، تو را نفریبید . (این) متاع ناچیزی است ، سپس (به دنبال این نعمت و قدرت ناچیز ظاهری) جایگاهشان دوزخ است ، و چه بد جایگاهی است !

(وَتَمَتُّعُوا) "تمتع" بمعنای برخوردار شدن ، بهره مند شدن و از چیز دو استفاده بردن است.^۳ - متاع- بهره مندی دراز مدت در قرآن کریم به لفظ "حین" و بهره مندی کوتاه مدت به لفظ "قلیل" مقید شده است مثل این فرموده الله متعال: (فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَةً أَمَنْتَ فَنَفَعَهَا إِيْمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَعَّمْنَا لَهُمْ إِلَى حِينٍ)^۴.

ترجمه : هیچ قوم و ملّتی (که در شهرها در گذشته زندگی می کرده اند به طور دسته جمعی در برابر پیغمبران الهی به موقع) ایمان نیآورده اند تا ایمانشان بر ایشان سودمند باشد ، مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند ، عذاب خوارکننده را در دنیا از آنان به دور داشتیم و ایشان را تا مدت زمانی (که خواسته ایم بمانند ، از زندگی) برخوردار کردیم .

و بهره مندی کوتاه مدت مثل این فرموده الله متعال: (نَمَتُّهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضَطُّهُمْ إِلَى عَذَابٍ غَلِيظٍ)^۵.

ترجمه : ما ایشان را اندکی (در دنیا از زندگی) بهره مند می سازیم ، سپس آنان را وادار (به دخول) به عذاب سخت و شدیدی می گردانیم (و به آتش دوزخشان می کشانیم) .

^۱- زحیلی ، التفسیر المنیر ، ج ۲۹ / ص ۳۳۵ .

^۲- سوره آل عمران آیه: ۱۹۶-۱۹۷ .

^۳- ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۸ / ص ۲۲۸ .

^۴- سوره یونس آیه: ۹۸ .

^۵- سوره لقمان آیه: ۲۴ .

و در آیه ی کل بهره مندی دنیا اندک و قلیل گفته شده است مثل این فرموده الله متعال: (قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا) ^۱.

ترجمه: بگو: کالای دنیا اندک است و آخرت برای کسی که پرهیزگار باشد بهتر است، (و جزای شما داده شود) و کمترین ستمی به شما نشود.

هر جا که در قرآن- تمتع در دنیا ذکر شده بر روش تهدید و انذار است برای اینست که در- تمتع- گستردگی معنی هست ^۲.

البته بهره مندی از اسباب زندگی دنیا برای هر انسان اعم از کافر و مؤمن مجاز است چنانچه در آیه فرموده است: (وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ) ^۳.

و برای شما تا مدتی در زمین جا و قرارگاه و فرایند و بهره گیری است. تنبیه و هشدار است به این که برای هر انسانی در دنیا مدت معینی از تمتع و بهره مندی هست نه دائمی و پیوسته و: (قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ) ^۴.

آگاهی و تنبیهی است بر اینکه کل بهره مندی دنیا در برابر آخرت ناپایدار و موقتی است لذا در آیات متعدد قرآن کریم زندگی و بهره مندی در دنیا را کوتاه مدت و ناچیز گفته شده است مثل این فرموده الله متعال: (فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ) ^۵.

یعنی دنیا در جنب آخرت بسیار کم و ناچیز است ^۶.
(وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ) جایز است که این جمله عطف بر "للمكذبین" باشد یعنی برای این مکذبین گفته شود که "ارکعوا" و جایز است که عطف بر جمله: {كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا} باشد، در اینصورت انتقال از مخاطب به غایب بوده است ^۷.

در هر دو صورت در این مطالبه نوع "اندماج" (پیچیدگی) وجود دارد به اینکه از کسانی که اصلاً ایمان ندارند چگونه مطالبه رکوع یا سجده (طاعت و بندگی) کرده میشود؟ پاسخ این سوال این است که در این آیت مخالفت آنان با مؤمنان در عقیده و عمل بیان شده است چنانچه

^۱-سوره نساء آیه: ۷۷.

^۲-اصفهانی، مفردات القرآن، ج ۱/ص ۲۰۹۴.

^۳-سوره بقره آیه: ۳۶.

^۴-سوره نساء آیه: ۷۷.

^۵-سوره توبه آیه: ۳۸.

^۶-اصفهانی، مفردات القرآن، ج ۱/ص ۲۰۹۵.

^۷- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۲.

در آیه دیگری در مورد مشرکان گفته شده است: (الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ)^۱. «همان کسانی که نماز خود را به دست فراموشی می سپارند .

-و یا اینکه این آیت کنایه از عدم ایمان آنان می باشد زیرا عبادت مستلزم ایمان است تا زمان که ایمان نباشد عبادت صحت ندارد آن چنانچه که از عدم ایمان کفار و مشرکین چنین حکایت شده است: (مَا سَأَلَكُمْ فِي سَفَرٍ ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ، وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ)^۲.

ترجمه: چه چیزهایی شما را به دوزخ کشانده است و بدان انداخته است؟ می گویند: (در جهان) از زمره نمازگزاران نبوده ایم . و به مستمندان خوراک نمی داده ایم .

(فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ)

"فا" شرطیه بوده که از شرط مقدر اطلاع میدهد پس تقدیر آن چنین است: "إن لم يؤمنوا بهذا القرآن فبأي حديث بعده يؤمنون" اگر با این قرآن ایمان نیاوردند پس بکدام سخن بعد از آن ایمان میآورند و جمله استفهامیه بوده که در محل استفهام انکاری و تعجبی میباشد یعنی حال اینان عجیب است که با این قرآن با وصف و ضاحت دلیل و حجت آن ایمان نمیآورند و مقصود این است که آنان به این قرآن که دلایل و حجت آن واضح است ایمان نیاوردند پس به کلام بعد از این هم اگر بیاید ایمان نخواهند آورد.^۳

{ بعده } صفت "حدیث" بوده و مراد از بعدیت ، تأخر زمان است (آنچه که بعد از زمان قرآن شنیده شود) و نفی باور به حدیث بعد از قرآن مستلزم ایمان آنان به "حدیث" قبل از قرآن (مثل تورات و انجیل) نیست.^۴

-و جایز است اینکه لفظ "بعده" متعلق به { يؤمنون } باشد پس بعدیت ظرف لغو بوده و تنها لفظ "حدیث" منفی بدون قید باقی میماند یعنی اینکه به قرآن ایمان نیاوردند بعد از قرآن به هیچ سخنی باور نمیکنند، و مرجع ضمیر "بعده" قرآن است ولی لفظ قرآن و آنچه که به قرآن دلالت کند در این سوره ذکر نشده است پس ملحوظ مثل مذکور قرار داده شده است ، و یا اینکه مرجع ضمیر "بعده" آنچه هست که در این سوره بیان شده است که از ایمان به قیامت ، بعث

^۱-سوره ماعون آیه: ۵ .

^۲-سوره منثر آیه: ۴۲-۴۴ .

^۳- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۱ .

^۴-سیدقطب، فی ظلال القرآن، ج ۶/ص ۲۳۳۹ .

و معاد است که جزء از قرآن میباشد یعنی اینکه به خواست های قرآن در این سوره ایمان نیاوردند پس به آنچه که بعد از این نازل میشود نیز ایمان نمیآوردند.^۱

فرع سوم- دروس و ارشادات آیات این مقطع.

۱- در قیامت دو محل برای زندگی است "جهنم و جنت" جهنم محل عذاب و جنت محل نعمت و آسایش است و زندگی در هر دو محل دایمی و عذاب و آسایش آن نیز دایمی و همیشه گی است.

۲- در بیان نعمات جنت برای متقین بعد از بیان عذاب و دشواری قیامت برای مکذبین ترهیب و ترغیب میباشد یعنی از عذاب الهی بترسید و برای نوازش و نعماتش آماده شوید.

۳- یاد آوری نعمات برای مؤمنان از دیاد حسرت برای کافران بوده و از جنس عذاب روحی میباشد، زیرا و قتیکه کفار انواع سعادت و اعزاز مؤمنان را در آخرت مشاهده کنند افسوس، حسرت نموده غم و اندوه شان چند برابر میشود.^۲

۴- مطالبه رکوع و عبادت از کفار در امر دنیوی توبیخ و زجر نسبت به آنان است نه امر تکلیفی که از مؤمنان مطالبه شده است، زیرا آنان بنسبت کفر و عناد شان خود را در عذاب شدید و دایمی آخری مواجه کردند و با عدم طاعت از اوامر الهی و ادای فرایض به نفس خود ستم کردند.

۵- تکرار ویل بعد از هر خطاب برای تأکید در تخویف و از دیاد زجر و توبیخ است.

۶- ایمان و تقوی راه نجات و برگشت به مأوی و بهره مندی دایمی از میوه و لذایذ و استقرار در باغ ها ، سایه ها و قصرها در آخرت است با تشویق به این امر الله متعال فرمود {کلوا و اشربوا هنیا}.

۷- نتیجه کفر و تکذیب محرومیت ، حسرت ، عذاب و رسوایی ها در آخرت میباشد، اگرچه مطابق سنت الهی کفر و تکذیب مانعی بهره مندی های دنیوی نیست لذا الله متعال بعد از بیان وضعیت مکذبین در آخرت به آنان گفت : {تمتعوا قليلا انکم مجرومون}

۱- ابن عاشور ، التحریر و التتویر، ج ۱۶/ص-۱۹.

۲- زحیلی ، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۵.

۸- زندگی دنیا نعمت ها و لذایذ آن اندک و کوتاه مدت است اگرچه از نعمات دنیا مؤمنان نیز بهره مند میشوند لذا قرآن کریم نعمات آخرت را خیر پایدار و نعمات دنیا را متاع اندک تعبیر نموده است.^۱

۹- قرآن کریم پند، موعظه، هدایت و بیان کننده سعادت و نیک بختی در دنیا و آخرت است لذا الله متعال در ختم این سوره فرمود: (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ)

^۱-طبری، الجامع البیان، ج ۲۴/ص ۱۴۳. زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹/ص ۳۳۶.

خاتمه

(موضوعات سوره المرسلات)

این سوره با یک اسلوب خاصی در بیان اثبات قیامت، حساب و جزاء آغاز شده و با شواهد تکان دهنده و بیان از قدرت کامله الله متعال انسانها را بر یک محاکمه هیبت ناک با بیان واقعیت های تاریخی تهدید مینماید، که با استفهام ها و تهدیدات شروع شده و سپس وقایع و مشاهدات از رخداد های دنیا و آخرت و بیان حقایق نظام خلقت و وقایع هول ناک تاریخی از عذاب های مهلک در اقوام گذشته، و بیان سبب و عامل آن ادامه یافته است و به تعقیب بیان هر یک از وقایع و مشاهد به غرض تخویف، زجر و تهدید ده بار آیه: (وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ!) تکرار شده است، که مفهوم این جمله متناسب هر مقطع و مرحله فرق میکند که این روش خاص قرآن کریم در چند سوره بوده است مثل تکرار: (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) بعد از ذکر هر نعمت از نعمات الله متعال بر بنده ها در سوره الرحمن و مثل تکرار: (فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي؟) بعد بیان عذاب های الهی در سوره قمر.. که این روش یکی از زیبایی های خاصی را در شیوه بیان این سوره بار آورده است.

ابتداء سوره با شاهد قرار دادن مسؤلیت های باد ها و ملائکه ها در نظام خلقت آغاز یافته و این مشاهد تمام مضامین سوره را با هم ربط میدهد زیرا الله متعال این مشاهد را دلیل اتمام حجت خوانده میگوید: {عُذْرًا أَوْ نُذْرًا} برای (اتمام حجت با بندگان و رفع) عذر، و بیم دادن (ایشان از عذاب). و پس از آن میفرماید: (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ) قطعاً چیزی که از آن بیم داده می شوید (و قیامت نام دارد) به وقوع می پیوندد.

و سپس مقاطع و مراحل سوره با فاصله های کوتاه و جالب آغاز میشود:

-مرحله اول: مشاهد و نشانه های وقوع قیامت که ایجاد تغییر در نظام خلقت هستی ها است شروع شده و به موعدی که پیغمبران با امتهای شان به محاسبه خواسته میشوند پایان یافته است. که این مرحله از آیه: (فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ). شروع شده و به آیه (وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ؟) ختم میشود.

-مرحله دوم: بیان هلاکت امم مکذبه و سنت الهی در معامله با مخالفان پیغمبران در آیه های: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ؟ ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ؟ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ)..

-مرحله سوم: بیان خلقت اول و نظام مقدرات و تدبیر آفریدگار در روز اول خلقت در آیه های:
(أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ؟ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ؟ إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ؟ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ).

-مرحله چهارم: بیان نظام آفرینش در زمین و فواید آن به اینکه زمین برای معیشت انسانها در زندگی و دفن آنها پس از مرگ ، استقرار زمین توسط کوها و جاری کردن ماده حیات (آب) در آیه های: (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا؟ أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا ، وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا؟)

مرحله پنجم: بیان وضعیت مکذبین پس از قیام قیامت ، در آیه های: (انطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكذِّبُونَ. انطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ! لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْهَبِّ. إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ كَأَنَّهَا جِبَالٌ مُمْسِقَةٌ.)

مرحله ششم: بیان موقف مکذبین در حین محاسبه ، در آیه های: (هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ، وَلَا يُؤدُّنَ لَهُمْ فِيعَنْدِرُونَ)

مرحله هفتم: بیان کیفیت محاسبه و چگونگی فیصله با مکذبین در آیه های: (هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ. فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونَ.) ..

مرحله هشتم: بیان وضعیت متقین و آنچه از نعمات که برای آنان در جنت آماده شده است، در آیه های: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ، وَفَوَاكِهٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ. كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.)

مرحله نهم: برگشت به بیان وضعیت اسف بار مکذبین در دنیا به غرض وعید در آیه: (كُلُوا وَاتَّمَعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ. وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ!) ..

مرحله دهم: موقف کفار در تکذیب و اسرار بر عدم طاعت در آیه: (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ : ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ. وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ!).

و سوره با عرض مقاصد مراحل فوق که همانا ایمان و باور است پایان میابد: (فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ؟) .. یعنی با اینهمه وضاحت ها به کدام سخن و منطقی باور خواهید کرد.

نتایج تحقیق

الحمد لله اولاً و آخراً والشكر لله على ما وفقني لاتمام هذا الجهد.

وبعد : به فضل و توفیق الله متعال تحقیق روی موضوع " تفسیر موضوعی سوره المرسلات " را تا آنجا که توان داشتم به اتمام رسانیدم ، امید است احاطه پسندیده ی روی موضوع کرده باشم و تحقیق روی موضوع یک مقدمه خوبی برای تحقیقات بعدی در تفسیر سوره های قرآن کریم بوده باشد.

از بررسی تفسیر و مفاهیم سوره مبارکه المرسلات به نتایج ذیل دست یافتم:

۱- در ابتدای سوره الله متعال تابعداری ملائک و باد های مسخر در تنظیم امور جهان هستی را دلیل و حجت برای حقانیت برپایی قیامت قرار داده است.

۲- زمان مشخص قیام قیامت برای هیچ یکی از پیغمبران اطلاع داده نشده البته مطابق اطلاع این سوره علایم و نشانه هایی قبل از قیامت رخ خواهد داد و حوادث تکان دهنده ی به بار خواهد آمد که نظام هستی در هم و برهم خواهد شد.

۳- پیغمبران الهی در محشر و در زمان محاسبه امتان شان به حیث شاهد بر تبلیغ رسالت شان حاضر کرده شده و سپس محاسبه خلائق آغاز میگردد.

۴- در تعدد "مقسم به" با اوصاف متعدد در شش آیه اشاره به معانی میباشد که جواب قسم را تأیید و تأکید میکند و در آنها دلیل و حجتی بر مضمون جواب قسم بوده است، که عبارت از وقوع حتمی جزای موعود بها (وقوع قیامت) است.

۵- الله متعال در تنظیم امور نظام هستی مخلوق های را چون ملائک ، باد ها ، آب و هوا و غیره خلق کرده است.

۶- باد یکی از مخلوقاتی است که الله متعال آن را خلق کرده است، باد ها تنظیم کننده و پیام آور رحمت الله متعال (باران ها) میباشد البته گاهی باد ها تعمیل کننده قهر و خشم الله متعال نیز میباشد.

۷- ملائک تابع امر او تعالی و باد ها تابع قدرت و حکمت الله جلّت عظمته میباشد پس در تابعیت این دو مخلوق دلیلی بر ازنده ی بر حقانیت زنده شدن پس از مرگ و فیصله در میان مخلوقاتش میباشد.

- ۸- قرآن کریم در اثبات امور مهم از اسلوب متنوعی چون بیان بیان حالات و حوادث استفاده کرده است .
- ۹- ایجاز در عبارت ،دقت در تعبیر یکی از اسلوب های بلاغی بوده که در تمام مقاطع سوره المرسلات از آن استفاده شده است.
- ۱۰- تکذیب حق و تمرد در برابر آن خشم و قهر الله متعال را تا سرحد هلاکت و نابودی مکذبین سبب شده است .
- ۱۱- هلاکت و نابودی متمردين توسط عذاب های گوناگون سنت الهی در امت های گذشته بوده است .
- ۱۲- غرض از بیان و حواله وقایع تاریخی در نزول عذاب بر اقوام وگروه ها در قرآن کریم ، تخویف برای منکرین ودرس عبرت برای همگان میباشد .
- ۱۳- عاقبت تکذیب حق هلاکت ،حسرت و محرومیت خواهد بود .
- ۱۴- رویداد های تاریخی اقوام مکذبه مثل قوم نوح ، عاد ،ثمود ، قوم لوط وفرعون دلیلی بر کمال قدرت الله متعال بر بعث و معاد میباشد .
- ۱۵- تفکر در اصل خلقت انسان عاقل را به باور ویقین به خلقت دوباره ،حساب و جزاء وادار میسازد، زیرا ذات که او را از آب حقیر وضعیف آفریده است و روزی این زندگی او را پایان می بخشد، قطعاً قادر است که او را دوباره زنده نماید .
- ۱۶- تغییر در نظام خلقت وهستی ها شواهدی برای قطعیت بعث (زنده شدن پس از مرگ) ودرس برای آماده گی زندگی پس از مرگ میباشد .
- ۱۷- یاد آوری اصل خلقت وسپس یاد آوری از زمین بحیث مکانی زندگی ودفن پس از مرگ برای این است که انسان ها مخلوق ضعیف بیش نیستند .
- ۱۸- انسانها نباید با حالات پست بالای زنده گی شان متعجب شوند زیرا آنان در ابتدای خلقت نطفه و در وسط جسمی که زیبایی وافتخارش در لباس ودر پایان زندگی جیفه بیش نیستند .
- ۱۹- انسان در حال حیات و پس از مرگ نیز مکرم میباشد لذا جسد انسان باید در زمین دفن شود به آتش سوزاندن وبه حیوان خوراندن جسد انسان پس از مرگ اهانت برای انسان بوده وخلاف کرامت انسانی میباشد .

- ۲۰- عذاب کفار مکذب در محشر و در حین محاسبه با سایه افگندن دود جهنم شروع میشود.
- ۲۱- نفی نطق از منکرین دلیلی برای عدم توان آنان به عذر خواهی، غم و حسرت آنان است یعنی در این روز مکذبین دلیلی بر عذر خواهی به غرض نجات شان ندارند، وحیله و تدبیری هم در کار نمیباشد.
- ۲۲- در بیان عذابها برای کفار در امر دنیوی، زجر، توبیخ، و سرزنش بوده است که هدف از آن در امر دنیوی موعظه و پند گرفتن برای همگان و برحذر بودن از کفر میباشد.
- ۲۳- آتش جهنم دارای اوصاف مثل دود، شراره و غیره میباشد که این اوصاف در آتش دنیا نیز میباشد اما با آتش دنیا قابل مقایسه نمی باشد.
- ۲۴- تصویر قرآن کریم از مناظر قابل مشاهده قیامت و هول ناکی آن بمقصد آن است که انسانها این منظره ها را با تمام ابعادش به بصارت قلبی ببینند و به صورت حسی آزمایش کنند.
- ۲۵- قرآن کریم از اسلوب ترغیب و ترهیب استفاده نموده است، دعوتگران باید از اسلوب های قرآنی با رعایت حالت مدعوین در امر دعوت استفاده نمایند.
- ۲۶- تکرار "ویل" در هر موضع برای بیان مفهوم خاص بوده و هدف از آن موعظه و پند گرفتن و یاهم توبیخ و سرزنش برای کفار است.
- ۲۷- بیان نعمات جنت برای متقین بعد از بیان عذاب و دشواری های قیامت برای مکذبین ترهیب و ترغیب هر دو را شامل میباشد. (از عذاب الهی بترسید و برای نوازش و نعماتش آماده شوید).
- ۲۸- یاد آوری نعمات برای مؤمنان به تعقیب عذاب و دشواری های روز قیامت برای کفار از دید حسرت نسبت به کافران بوده و از جنس عذاب روحی برای آنان است.
- ۲۹- ایمان شرط تکلیف و صحت عمل است پس مطالبه رکوع از کفار توبیخ و زجر نسبت به آنان است.
- ۳۰- دنیا جای نوازش برای کافران است و نتیجه کفر و تکذیب محرومیت، حسرت، عذاب و رسوایی ها در آخرت میباشد

پیشنهادات

از مهم ترین خواست و پیشنهاد های که تحقیق کننده آن را ضروری میدانند قرار ذیل است:

۱- روش تفسیر موضوعی از شیوه های ذهن نشین و عام فهم قرآن کریم بوده که تدبر در موضوعات قرآن کریم را سبب میشود لذا از مقامات سایر ادارات تحصیلی تقاضا مینمایم که این شیوه تفسیر قرآن کریم را شامل بحث های تحقیقاتی خود نمایند تا از این طریق معلومات موضوعات قرآن کریم توضیح شود.

۲- از اینکه تفسیر موضوعی تنها به تفسیر کل قرآن کریم مطابق به این شیوه منحصر نبوده بلکه موضوعات خاص قرآنی را نیز شامل میشود لذا از مسؤلین محترم پوهتون سلام و نهاد های دیگر تقاضا مینمایم که موضوعات قرآنی را نیز شامل ابحاث تحقیقاتی نموده و بحث های تحقیقی موضوعات قرآنی را شامل نشرات پوهنتون نمایند.

۳- و به محصلین محترم پیشنهاد مینمایم که در ابحاث تحقیقی شان که شامل تفسیر موضوعی سوره ها و موضوعات قرآن کریم باشد، بحث های تحقیقاتی و تفاسیر موضوعی معاصر را بیشتر جستجو نموده و نمایند و به اعجاز بلاغی قرآن کریم بیشتر توجه نمایند تا اینکه مطابقت قرآن کریم با تمام عصر ها و نیاز های بشری در تمام زمانه ها بر ملا شود.

فهرست آیات

شماره	آیت	سوره	شماره آیه	صفحه
١	(وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ..)	سوره البقره	٩٠	٧٠
٢	(وَ عَسَىٰ أَنْ تَحِبُّوا سَيِّئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ..)	سوره البقره	٢١٦	٨٤
٣	(وَ ظَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ..)	سوره البقره	٥٧	١٠٢
٤	(وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ (مَتَاعٌ) إِلَىٰ حِينٍ..)	سوره البقره	٣٦	١٠٦
٥	(لَا يَغْرَتُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ..)	سوره آل عمران	١٩٦	١٠٤
٦	(وَ اتَّوَا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ..)	سوره النساء	٤	١٠٣
٧	(قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ..)	سوره النساء	٧٧	١٠٥-١٠٦
٨	(أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ..)	سوره الانعام	٦	٥٦
٩	(وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ..)	سوره الاعراف	٥٧	٣٩
١٠	(لَا تَعْتَذِرُوا ، قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ..)	سوره توبه	٦٦	٨١
١١	(فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ..)	سوره توبه	٣٨	١٠٦
١٢	(وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا..)	سوره يونس	١٣	٥٦
١٣	(فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةً أَمْنَتْ فَفَنَعَهَا إِيمَانُهَا..)	سوره يونس	٩٨	١٠٥
١٤	(فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا..)	سوره هود	٨٢	٥٣
١٥	(وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ..)	سوره هود	٨٤-٨٥	٥٤
١٦	(وَ لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ..)	سوره هود	٩٤	٥٤
١٧	(أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا..)	سوره يوسف	٤١	٦٩

١٨	(وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ..)	سوره يوسف	٦٧	٨٣
١٩	(أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا..)	سوره يوسف	٧٧	٨٤
٢٠	(وَ لَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ..)	سوره يوسف	٩٤	٨٨
٢١	(أَكَلَهَا دَائِمٌ وَ ظِلَّهَا..)	سوره الرعد	٣٥	١٠١
٢٢	(وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ)	سوره ابراهيم	٧	٠
٢٣	(وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَن تَمِيدَ بِكُمْ..)	سوره النحل	١٥	٦٨
٢٤	(وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ..)	سوره الحجر	٤	٥٧
٢٥	(وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا هَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِي..)	سوره الحجر	١٩	٦٨
٢٦	(فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ..)	سوره الحجر	٢٢	٢٢
٢٧	(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ..)	سوره الحجر	٤٥-٤٧	٩٥
٢٨	(وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ..)	سوره الاسرى	١٧	٥٧
٢٩	(وَقَالَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ..)	سوره الكهف	٢٩	٧٨
٣٠	(إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا..)	سوره الكهف	٢٩	٨٣
٣١	(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ..)	سوره الكهف	٣٠	٩٧
٣٢	(وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرِئِيًّا..)	سوره مريم	٧٤	٥٧
٣٣	(وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا..)	سوره طه	١٠٥-١٠٧	٤١
٣٤	(وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا..)	سوره طه	١١٣	٤٦
٣٥	(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَابَى..)	سوره طه	٥٦	٥٥
٣٦	(وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَن أَسْرِ بِعِبَادِي..)	سوره طه	٧٧	٥٥

٣٧	(مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ..)	سوره طه	٥٥	٦٧
٣٨	(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ ..)	سوره حج	٢-١	٤٢
٣٩	(وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا..)	سوره حج	٥٧	٧٠
٤٠	(وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ..)	سوره حج	١٨	٧٠
٤١	(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن طِينٍ..)	سوره المؤمنون	١٣-١٢	٦٧
٤٢	(وَنُسَقِيهِ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْسِيًّا كَثِيرًا..)	سوره الفرقان	٤٩	٦٨
	(وَقَوْمٌ نُّوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرَّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ..)	سوره الفرقان	٣٧	٥٨
٤٣	(وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ..)	سوره انبياء	٤٧	١٥
٤٤	(وَلَوْطًا أَنْبِيَاءَهُ حُكْمًا وَعِلْمًا..)	سوره انبياء	٧٤	٥٣
٤٥	(وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ..)	سوره الفرقان	٣٣	١٣
٤٦	(وَقَوْمٌ نُّوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرَّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ..)	سوره الفرقان	٣٧	٥٢
٤٧	(رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ..)	سوره نمل	١٩	٠
٤٨	(وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ..)	سوره قصص	٤٣	٥٧
٤٩	(وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ..)	سوره العنكبوت	٢٩-٢٨	٥٣
٥٠	(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ..)	سوره روم	٤٦	٤٠
٥١	(وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ..)	سوره لقمان	٢٤-٢٣	٩٨
٥٢	(نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ..)	سوره لقمان	٢٤	١٠٥
٥٣	(أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ..)	سوره السجده	٢٦	٥٨

٥٤	(وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا..)	سوره فاطر	٩	٣٩
٥٥	(وَلَا الظُّلُّ وَلَا الحرُّورُ..)	سوره فاطر	٢١	٨٢
٥٦	(إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُِونَ..)	سوره يس	٥٦	٩٤
٥٧	(هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَانِكِ..)	سوره يس	٥٦	١٠١
٥٨	(هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ..)	سوره الصافات	٢١	٨٨
٥٩	(وَ قَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ..)	سوره ص	٦٢	٨٥
٦٠	(لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظِلٌّ مِنَ النَّارِ..)	سوره الزمر	١٦	٧٨
٦١	(قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَثْنَتَيْنِ وَأُحْيَيْنَا أَثْنَتَيْنِ..)	سوره غافر	١١	٨٧
٦٢	(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً..)	حم فصلت	٣٩	٤٠
٦٣	(يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي..)	سوره زخرف	٥٤	٧٠
٦٤	(إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ..)	سوره الدخان	٤٠	٨٨
٦٥	(وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ..)	سوره الذاريات	٤٦	٥٩
٦٦	(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ..)	سوره الذاريات	٢٠-١٥	٩٦
٦٧	(يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارٍ جَهَنَّمَ دَعَا..)	سوره الطور	١٣	٧٦
٦٨	(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ..)	سوره الطور	١٧- الى ٢٠	٩٦
٦٩	(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ..)	سوره القمر	٥٤-	٩٦
٧٠	(وَظِلٌّ مِّن يَحْمُومٍ ، لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ..)	سوره الواقعة	٤٤-٤٣	٧٦
٧١	(قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ..)	سوره الواقعة	٥٠-٤٩	٨٨
٧٢	(وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ، وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ..)	سوره الواقعة	٢١-٢٠	٩٥
٧٣	(وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى..)	سوره النجم	٥٢	٥٩

٧٤	(يا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ..)	سوره التحريم	٧	٨١
٧٥	(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا..)	سوره الملك	٣٠	١٠٢
٧٦	(وَلَا تَطْعُ كُلَّ حَلَاْفٍ مَّهِينٍ..)	سوره القلم	١٠	٦٩
٧٧	(مَا سَأَلَكُمْ فِي سَفَرٍ ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنْ الْمُصَلِّينَ..)	سوره المدثر	٤٢	١٠٦
٧٨	(كَذَبْتَ ثُمُودَ وَعَادَ بِالْقَارِعَةِ..)	سوره الحاقه	٧- ٤	٥٩
٨٢	(وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ..)	سوره المرسلات	١	٢٥
٨٣	(إِنَّمَا تُوَعَّدُونَ لَوَاقِعٍ..)	سوره المرسلات	٧	٣١
٨٤	(كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ..)	سوره المرسلات	٤٦	٣١
٨٥	(فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ..)	سوره المرسلات	٥٠	٣١
٨٦	وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (١) فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا	سوره المرسلات	١٥-١	٣٥- ٣٤
٨٧	(الْمُ نُهَلِكِ الْأَوَّلِينَ () ثُمَّ نُنْبِئُهُمُ الْآخِرِينَ..)	سوره المرسلات	١٦- ١٩	٤٩
٨٨	(الْمُ نَخْلَقُكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ..)	سوره المرسلات	٢٠- ٢٨	٦٢
٨٩	(انطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ..)	سوره المرسلات	٢٩- ٤٠	٧٤- ٧٣
٩٠	(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ) وَفَوَاقِهِ مِمَّا يَسْتَنْهَوْنَ	سوره المرسلات	٤١- ٥٠	٩٢- ٩١
٩١	(إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ...)	سوره الانسان	٢٧	٣٢
٩٢	(يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ...)	سوره الانسان	٣١	٣٣
٩٣	(إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ.	سوره المطففين	٢٩	٥٢
٩٤	(فَمَهَلِّ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُؤِيدًا..)	سوره الطارق	١٧	٧١
٩٥	(إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ، وَآكِيدُ كَيْدًا..)	سوره الطارق	١٥- ١٦	٨٩
٩٦	(الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ..)	سوره الماعون	٥	١٠٦
٩٧	(سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ..)	سوره مسد	٣	٨٤

فهرست احاديث و آثار

شماره	طرف حديث	راوى حديث	درجه حديث	صفحه
١	إن أم الفضل سمعته وهو يقرأ والمرسلات عرفاً..	ابن عباس ت	صحيح رواه البخارى	٢٤
٢	«إن الله عز وجل وكل بالرحم ملكا يقول يا رب نطفة..»	انس بن مالك ت	صحيح رواه البخارى	٦٥
٣	«إني أجد في القرآن أشياء تختلف علي..»	نافع ت	صحيح رواه الطبرى	٨٧
٤	فَقَالَتْ لَهُ : يَا بَنِيَّ لَقَدْ ذَكَرْتَنِي بِقِرَاءَتِكَ هَذِهِ السُّورَةَ..	ابن عباس ت	متفق عليه	٢٦
٥	: «كنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في غار..»	ابن عباس ت	صحيح رواه البخارى	٢٥
٦	« لَكِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقْرَأُ النَّظَائِرَ »	ابن مسعود ت	صحيح رواه ابوداود	٢٦
٧	«لايشكر الله من لايشكر الناس»	ابوهريره ت	حسن صحيح	٠
٨	«لاخير في دين ليس فيه ركوع..»	عثمان بن ابى العاص ت	ضعيف	٩٩
٩	ما شيبك؟ قال : سورة هود و الواقعة « و المرسلات	ابن عباس ت	صحيح رواه الترمذى	٢٧

فہرست اعلام

شماره	شہرت	صفحہ
۱	ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی ابوالفضل الرویفعی الافریقى .	۱۲
۲	ابن عطیة، عبد الحق بن غالب بن عطیة، أبو محمد المحاربي..	۱۲
۳	ابن عاشور، محمد طاهر بن عاشور...	۳۰
۴	ابن جوزی ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي..	۲۸
۵	ابن كثير، محمد بن إسماعيل بن عمر بن كثير، أبو عبد الله، بصروي.	۱۰۰
۶	ابن قيم، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد، شمس الدين، الزرعى.	۳۸
۷	ابن ابى حاتم عبد الرحمن بن محمد بن أبي حاتم بن إدريس .	۱۰۰
۸	أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان، الغرناطي الأندلسي..	۱۴
۹	بقاعى برهان الدين إبراهيم بن عمر بن حسن الرُّباط - بن علي بن أبي بكر .	۲۹
۱۰	جرجانى، على بن محمد بن على ابوالحسن معروف به سيد شريف جرجانى..	۱۵
۱۱	رازى محمد بن عمر بن الحسين بن الحسن، فخر الدين الرازى	۳۱
۱۲	الراغب حسين بن محمد بن المفضل، أبو القاسم الأصفهاني..	۸۵
۱۳	زرکشی، محمد بن بهادر، لقبش بدرالدين..	۱۳
۱۴	زهرانى أبو ياسر محمد عبد الله بن مطر الزهراني..	۱۶
۱۵	زحیلی، دكتور وهبه مصطفى الزحيلي..	۷۸
۱۶	سعید بن محمد ديب بن محمود حوَّى النعيمي..	۳۸
۱۷	سخاوى، علي بن محمد بن عبد الصمد الهمداني المصري الشافعي..	۲۷
۱۸	سيوطى، عبد الرحمن بن أبي بكر بن محمد بن سابق الدين الخضيرى	۱۴
۱۹	شوکانى، محمد بن على بن محمد الشوکانى..	۲۸
۲۰	فراء محمد بن عبد الوهاب بن حبيب بن مهران، أبو أحمد نيشاپورى..	۷۱
۲۱	نيشاپورى، نظام الدين حسن بن محمد بن حسين القمي النيشابورى.	۸۰
۲۲		

فهرست منابع

القرآن الكريم:

- ١- ابن العربي ،ابو بكر محمد بن عبدالله اشبيلي ،تفسير احكام القرآن ،ط(١٤٣٨)هـ دارالكتب العلمية بيروت.
 - ٢- ابن منظور،محمد بن مكرم، بن علي ،ابوالفضل، جمال الدين ،بن منظور الانصاري روفعي الافريقي(١٤١٤)هـ لسان العرب دارالصادر بيروت الطبعة الثالثة..
 - ٣- ابن جوزي ، أبو الفرج عبد الرحمن بن علي ابن الجوزي ، ط(١٤٢٢هـ) زاد المسير في علم التفسير،تحقيق : عبد الرزاق المهدي الناشر : دار الكتاب العربي - بيروت.
 - ٤- ابن فارس أبي الحسين أحمد بن فارس بن زكريا معجم مقاييس اللغة لابن فارس، تحقيق: عبد السلام هارون، ط(١٤٢٠)هـ دار الجيل، بيروت.
 - ٥- ابن عاشور ، محمد طاهر بن محمد بن محمد بن محمد طاهر بن عاشور التونسي،(١٩٨٤م) التحرير والتنوير (تحرير معنى السديد، وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد) ط الدار التونسية.
 - ٦- ابن عطية ، ابو محمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن تمام بن عطية الاندلسي المحاربي ،(ت ٥٤٢هـ) المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز تحقيق عبدالسلام عبدالشافى محمد (١٤٢٢)هـ النشر دارالكتب العلمية بيروت الطبعة الاولى.
 - ٧- ابن سعد محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري ط(١٩٦٨م) الطبقات الكبرى تحقق : إحسان عباس الناشر : دار صادر – بيروت الطبعة : ١ عدد الأجزاء :
- ٨
- ٨- ابن كثير (اسماعيل بن كثير القرشي) تفسير القرآن العظيم، مكتبة دار الفكر، بيروت، ١٤٠١هـ..
 - ٩- ابو داود، سليمان بن الأشعث السجستاني، (ت ٢٧٥هـ . ٨٧٠م). ط.١، ١، م، سنن ابي داود: (تحقيق يوسف الحاج احمد)، مكتبة ابن حجر، دمشق، ١٤٢٠هـ . ١٩٩٩م.

- ١٠- أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر الأسدي الشهبي الدمشقي، تقي الدين ابن قاضي شهبة (المتوفى: ٨٥١هـ) ط (١٤٠٧هـ) **طبقات الشافعية** المحقق: د. الحافظ عبد العليم خان دار النشر: عالم الكتب - بيروت الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ٤
- ١١- أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر الأسدي الشهبي الدمشقي، تقي الدين ابن قاضي شهبة (المتوفى: ٨٥١هـ) ط (١٤٠٧هـ) **طبقات الشافعية**، المحقق: د. الحافظ عبد العليم خان دار النشر: عالم الكتب - بيروت الطبعة: الأولى.
- ١٢- أبو السعود العمادي محمد بن محمد بن مصطفى (المتوفى: ٩٨٢هـ) الكتاب: **تفسير أبي السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم** الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ١٣- أبو عبدالله محمد بن اسماعيل، (ت. ٢٥٦هـ. ٨٦٩م) **صحيح البخاري**: ط (١٤٠٠هـ) (ضبطه و رقمه و وضع فهرسه الدكتور مصطفى اديب البغا) مؤسسة الخدمات الطباعة، بيروت .
- ١٤- أبو عيسى ، محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك الترمذي ، [ت ٢٧٩هـ] **سنن الترمذي**: مع تحقيق محمد ناصر الدين الالباني ، مكتبة المعارف بيروت.
- ١٥- ابوحيان ، محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: ٧٤٥هـ) ط (١٤٢٠هـ) **البحر المحيط في التفسير**، تحقق: صدقي محمد جميل الناشر: دار الفكر - بيروت.
- ١٦- أبو عبدالله احمد بن حنبل، (ت. ٢٤١هـ. ٨٥٥م) **المسند**. ط ١، ٢٠، (شرحه و وضع فهرسه احمد محمد شاكر)، دار الحديث، القاهرة، ١٤١٦هـ. ١٩٩٥م.
- ١٧- ابوحيان ،محمد بن يوسف بن علي بن حيان الغرناطي ، **تفسير البحر المحيط**: ط (١٤١١هـ) دارالاحياء التراث العربي بيروت الطبعة الثانية.
- ١٨- أبو زيد عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف الثعالبي (المتوفى: ٨٧٥هـ) ط (١٤١٨هـ) **تفسير الثعالبي (الجواهر الحسان في تفسير القرآن)** المحقق: الشيخ محمد

- علي معوض والشيخ عادل أحمد عبد الموجود الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة: الأولى.
- ١٩- أبو عمرو عثمان بن سعيد الأموي الداني، ط(١٤١٤هـ) البيان في عد آي القرآن ، تحقيق : غانم قدوري الحمد ، دار النشر : مركز المخطوطات والتراث - الكويت الطبعة : الأولى عدد الأجزاء / ١ .
- ٢٠- أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: ٣٢٧هـ) ط(١٤١٩هـ) تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم، المحقق: أسعد محمد الطيب الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية الطبعة: الثالثة.
- ٢١- ابو ياسر محمد بن عبد الله بن مطر الزهراني، التفسير الموضوعي للقرآن الكريم، الناشر مكتبة جامعة الاسلامية المدينة.
- ٢٢- ابي اليعلى، ط(١٤١٩هـ) طبقات الحنابلة دار المعرفة بيروت.
- ٢٣- ابراهيم بن عمر بن حسن الرباط بن علي بن ابي بكر البقاعي (ت ٨٨٥هـ) ط(١٤١٨هـ) نظم الدرر في تناسب الآيات والسور: ناشر دار الكتب الاسلامي.
- ٢٤- ابراهيم مصطفى المعروف باحمد الزيات، المعجم الوسيط: باب الفاء مع السين والراء. ٦٨٨ / ٢. الطبعة الثانية ١٩٨٩م - مؤسسة دار الدعوة - إستنبول - تركيا.
- ٢٥- أرشيف ملتقى أهل التفسير..أبو محمد المصري www.aldahereyah.net ملتقى أهل التفسير المجلة بحوث العلمية.
- ٢٦- اصفهاني الراغب (ت ٤٢٥هـ) ط(١٤٢٣) ، مفردات الفاظ القرآن تحقيق صفوان عدنان داودي دار القلم دمشق.
- ٢٧- ألوسي ، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوسي (المتوفى: ١٢٧٠هـ) ط(١٤١٥هـ) روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني المحقق: علي عبد الباري عطية الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ١٦ .

- ٢٨- ألاباني ، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠ هـ) : **صحيح وضعيف الجامع الصغير**، الناشر دارالكتب العربي بيروت.
- ٢٩- بقاعي ، إبراهيم بن عمر بن حسن الرباط بن علي بن أبي بكر البقاعي (المتوفى: ٨٨٥هـ) ط(١٤٠٨هـ) **مَصَاعِدُ النَّظَرِ لِلإِشْرَافِ عَلَى مَقَاصِدِ السُّورِ** دار النشر: مكتبة المعارف – الرياض الطبعة: الأولى عدد الأجزاء: ٣
- ٣٠- بغوي ، محي السنة ابو محمد الحسين بن مسعود البغوي (ت ٥١٠هـ) **معالم التنزيل في تفسير القرآن (التفسير البغوي)** تحقيق عبدالله النمر (١٤١٧هـ) دارطبية للطبع والتوضيح الطبعة الرابعة.
- ٣١- جرجاني ، علي بن محمد بن علي الزين الشريف الجرجاني (المتوفى: ٨١٦هـ) ط(١٤٠٣هـ) **التعريفات**، المحقق: ضبطه وصححه جماعة من العلماء بإشراف الناشر الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان الطبعة: الأولى عدد الأجزاء: ١
- ٣٢- جزايري ، جابر بن موسى بن عبدالقادر بن جابر ، ابوبكر، الجزايري (ط ١٤٢٤) **ايسر التفاسير** طبع مكتبة العلوم والحكم المدينة المنوره المملكة العربية السعودية.
- ٣٣- خرم دل: مصطفى خرم دل، **تفسير فارسي نور**، مكتبه الكترونيكي قلم.
- ٣٤- خيرالدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس ، **الزركلي**، الدمشقي [١٣٩٦هـ] ط (١٣٩٦) هـ **الأعلام**: النشر دارالملايين طبعة خامس عشر.
- ٣٥- دكتور، وهبة بن مصطفى الزحيلي ط(١٤١٨هـ) **التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج** الناشر : دار الفكر المعاصر – دمشق الطبعة : الثانية ، عدد الأجزاء : ٣٠.
- ٣٦- دكتور ابراهيم بن صالح بن عبدالله الحميضي الاستاذ بقسم القرآن وعلومه بجامعة قسيم السعودية **المدخل الى تفسير الموضوعي** ط (١٤٣٧هـ) مكتبة ملك فهد الوطنية ودار ابن جوزي.
- ٣٧- د عبد الستار فتح الله سعيد. **المدخل إلى التفسير الموضوعي**: ص ٤٠- ٥٠ ط(١٩٩١م) الطبعة الثانية . دار التوزيع والنشر الإسلامية.

- ٣٨- دكتور زيد عمر العيص ط (١٤٣٢هـ). التفسير الموضوعي بين التأصيل والتمثيل دار الحديث الرياض الطبعة الثانية.
- ٣٩- ذهبي شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد الذهبي ط (١٤٢٣هـ) سير أعلام النبلاء المحقق : مجموعة محققين بإشراف شعيب الأرنؤوط الناشر : مؤسسة الرسالة عدد الأجزاء : ٢٣.
- ٤٠- ذهبي ، شمس الدين ، أبو عبد الله محمد بن احمد الذهبي، ط(١٣٩٨هـ) تذكرة الحفاظ الجزء الاول (من الطبقة الاولى إلى الطبقة السابعة) صحح عن النسخة القديمة المحفوظة في مكتبة الحرم المكي، دار احياء التراث العربي.
- ٤١- الرازي، ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين، التيمي الرازي، الملقب بفخرالدين الرازي، خطيب الرعي [ت٦٠٦هـ] مفاتيح الغيب (التفسير الكبير). طبع (١٤٢٠هـ) دار احياء التراث العربي بيروت.
- ٤٢- زرکشى، محمد بن بهادر ابو عبدالله المصرى ؛ البرهان في علوم القرآن: ط (١٤٢٨هـ) دارالكتب العلمية بيروت.
- ٤٣- سخاوى ، علي بن محمد بن عبد الصمد الهمداني المصري الشافعي، أبو الحسن، علم الدين السخاوي (المتوفى: ٦٤٣هـ) ط(١٤١٩هـ) جمال القراء وكمال الإقراء دراسة وتحقيق: عبد الحق عبد الدايم سيف القاضي الناشر: مؤسسة الكتب الثقافية بيروت عدد الأجزاء: ٢ ، الطبعة: الأولى.
- ٤٤- سيد قطب ، ابراهيم حسين، الشاربي (ت ١٣٨٥هـ) ط(١٤١٢) تفسير في ظلال القرآن هـ الناشر دارالشروق بيروت .
- ٤٥- سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر بن محمد بن سابق الخضيرى جلال الدين السيوطى ، (ط ١٤٢٣هـ) الإتقان في علوم القرآن: دارالكتب العربيه بيروت.
- ٤٦- سيوطى ، عبد الرحمن بن أبى بكر، جلال الدين السيوطى (المتوفى: ٩١١هـ) ط (١٤٠٨هـ) معتك الأقران في إعجاز القرآن، ويُسمى (إعجاز القرآن ومعتك الأقران) دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ٣.

- ٤٧- سيوطي، جلال الدين، ط(١٤٠٦هـ) تناسق الدرر في تناسب السور، دارالكتب العلمية بيروت.
- ٤٨- سعيد حوى (المتوفى ١٤٠٩هـ) ط(١٤٢٤هـ) الأساس في التفسير الناشر: دار السلام - القاهرة الطبعة: السادسة.
- ٤٩- شوكانى محمد بن علي بن محمد المعروف بالشوكانى (ت ١٢٥٠هـ) ط (١٤٠٧هـ) تفسير فتح القدير علق عليه وخرج احاديثه الشيخ عبدالرزاق المهدي) دار الكتب العلمية بيروت والطبعة الثانية (١٤١٥هـ).
- ٥٠- شيرازى، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازي البيضاوي (المتوفى: ٦٨٥هـ) ط(١٤٢٣هـ) تفسير البيضاوي أنوار التنزيل وأسرار التأويل دار النشر: دار الفكر بيروت عدد الأجزاء: ٥
- ٥١- صابونى، محمد علي الصابوني صفوة التفاسير ط (١٤١٧هـ - ١٩٩٧ م) الناشر: دار الصابوني للطباعة والنشر والتوزيع - القاهرة الطبعة: الأولى،
- ٥٢- صلاح عبد الفتاح الخالد، التفسير الموضوعي بين النظرية والتطبيق: ص ٥٦- ٥٨ الطبعة الثانية (٢٠٠٨م). دار النفائس للنشر والتوزيع.
- ٥٣- طبرى، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب، الأملى، ابوجعفر الطبرى، (ت ٣١٠هـ) ط(١٤٢٢هـ) تفسير الطبرى: تحقيق الدكتور ابو عبدالله بن عبد المحسن التركى طبع مكتبة دار الهجره.
- ٥٤- طبرى، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملى، أبو جعفر الطبرى (المتوفى: ٣١٠هـ) ط(١٤٢٠هـ) جامع البيان في تأويل القرآن (تفسير الطبرى) المحقق: أحمد محمد شاكر الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى.
- ٥٥- فيومى، احمد بن احمد بن على ط (١٤٠٩هـ) مصباح المنير فى شرح غريب الحديث، المكتبة العلمية بيروت.
- ٥٦- فيروز آبادى، مجد الدين، محمد بن يعقوب الفيروز آبادى، القاموس المحيط: تحقيق محمد نعيم عرق سوسى ط(١٤٢٦هـ) باب الرءاء فصل الفاء مع السين ص/ ٥٨٧. الطبعة الثانية مؤسسة الرسالة - بيروت - لبنان.

- ٥٧- عثمان بن سعيد بن عثمان بن عمر أبو عمرو الداني (المتوفى: ٤٤٤هـ) ط(١٤١٤هـ) **البيان في عدّ آي القرآن المحقق**: غانم قدوري الحمد الناشر: مركز المخطوطات والتراث الكويت الطبعة: الأولى عدد الأجزاء: ١
- ٥٨- علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر الشيعي أبو الحسن، المعروف بالخازن (المتوفى: ٧٤١هـ) ط(١٤١٥هـ) **تفسير خازن ، لباب التأويل في معاني التنزيل** تصحيح: محمد علي شاهين الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى.
- ٥٩- عبد الحي بن أحمد العكري الدمشقي (ت ١٠٣٢ م ١٠٨٩م) الحنبلي، شذرات **الذهب في أخبار من ذهب** دار النشر: دار الكتب العلمية.
- ٦٠- عمر رضا كحالة ط(١٤٢٢هـ) **معجم المؤلفين** الناشر مكتبة المثنى - بيروت دار إحياء التراث العربي بيروت.
- ٦١- عمر رضا الكحالة **معجم المؤلفين** ، الناشر مكتبة المثنى - بيروت دار إحياء التراث العربي بيروت.
- ٦٢- مجموعة من الأساتذة والعلماء المتخصصين ، ط(١٤٢٣هـ) **الموسوعة القرآنية المتخصصة** ، الناشر: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، مصر عدد الأجزاء: ١
- ٦٣- مجموعة من العلماء التفسير وعلوم القرآن ، بإشراف الدكتور مصطفى مسلم بجامعة الشارقة ، ط(١٤٣١هـ) **التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم** ، الناشر كلية الدراسات العليا والبحث العلمي ، الجامعة الشارقة.
- ٦٤- محمد الأمين بن محمد المختار بن عبد القادر الجكني الشنقيطي (المتوفى : ١٣٩٣هـ) ط(١٤١٥هـ) **أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن** الناشر : دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع بيروت - لبنان.
- ٦٥- محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم الحلاق القاسمي (المتوفى: ١٣٣٢ هـ) **من لطائف وأسرار (تفسير القاسمي محاسن التأويل) إعداد وتعليق: عبد الرحمن القماش (من علماء الأزهر الشريف).**

- ٦٦- محمد حبيب مختار ، المبارك ، ط(١٤٣٣هـ) التناسق الموضوعى لسور
القيامة والانسان والمرسلات، الرسالة لنيل الدرجة (الماجستير) فى التفسير وعلوم
 القرآن بجامعة ام القرى السعودية.
- ٦٧- مسلم بن حجاج ابوالحسن القشيري النيشابورى (ت ٢٦١هـ) صحيح مسلم المسند
 الصحيح، بنقل العدل عن العدل الى رسول الله صلى الله عليه وسلم: (ب ت) دار احياء
 التراث العربى.
- ٦٨- مصطفى مسلم، مباحث فى التفسير الموضوعى: الطبعة السادسة ٢٠٠٩م - دار
 القلم - دمشق - سوريا.
- ٦٩- مصطفى مسلم، ط(١٤٢٨هـ) مباحث فى علوم القرآن: دار القلم - دمشق -
 سوريا.
- ٧٠- مناع القطان ط(١٤٢١هـ)، مباحث فى علوم القرآن، مكتبة المعارف، رياض،
 الطبعة الثالثة.
- ٧١- نظام الدين حسن بن محمد بن حسين القمى النيشابورى
 المتوفى (٨٥٠هـ) ط(١٤١٦هـ) غرايب القرآن ورغائب الفرقان، التحقيق شيخ زكريا
 عميرات الناشر دار الكتب العلمية بيروت الطبعة الاولى، ج ٢٩/ص ٣٣٧.

Abstract of the Topic

The research topic is "Thematic Interpretation of Surah Al-Mur salat." The topic, according to the procedure of a master's thesis and its approved outline, is organized into an introduction and two sequential sections. The first section serves as an introduction, aiming to introduce the thematic interpretation and related subjects concerning this method of interpreting the chapters of the Noble Qur'an, as well as topics related to introducing Surah Al-Mur salat. The second section focuses on the interpretation of Surah Al-Mur salat, which is divided into five main sections based on the thematic interpretation approach and the themes expressed in this Surah. The central theme in these sections is the affirmation of the reality of resurrection, accountability, and recompense.

The topic is important for several reasons:

The subject relates to the translation, interpretation, and research of one of the Surah of the Holy Qur'an (Surah Al-Mur salat), which addresses a significant theological topic (resurrection, accountability, and recompense).

In this Surah, a specific approach is used to establish the central theme, which distinguishes it from other chapters.

The purpose of conducting this research has been to serve the invitation to the religion of Islam and introduce the Holy Quran as a guiding and ensuring book for worldly and hereafter happiness, which is a religious obligation and responsibility.

The results obtained from the research indicate that the Holy Quran introduces its supporters and opponents throughout all times. The purpose of translating and interpreting the chapters of the Holy Quran into various languages in all ages is to present the Quranic truths and its timeless relevance.

By understanding the true meaning and concept of the blessed Surah Al-Mursalat, individuals can discover the reality of life and what true happiness entails. This leads to a genuine understanding of the objectives of the Islamic faith, guidance towards the right path, adherence to divine commandments, and attainment of salvation in worldly life and happiness in the hereafter.

The subject has been examined in descriptive, analytical, and theoretical forms in the sources of interpretation, hadith sciences, lexicography, and other legal sources in a central and thematic manner.

Keywords: interpretation, thematic, Surah, Al-Mur salat.



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafseer
and Hadith



Islamic Emirate of
Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Thematic interpretation of Surah

Al-Mur salat in a Master's thesis.

Student: Asadullah Hanafi
Supervisor: Dr. Pohanmal Nasrallah Mujahid

year: ۲۰۲۴



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafseer
and Hadith



Islamic Emirate of
Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Thematic interpretation of Surah

Al-Mur salat in a Master's thesis.

Student: Asadullah Hanafi
Supervisor: Dr. Pohanmal Nasrallah Mujahid

year: ۲۰۲۴

